



اجرای تئاتر
شهریور ۱۳۷۱

مدرسه تابستانه

در این شماره می‌خوانید:

منظره راه رشد از دریچه تابستان
روایت پروژه‌ها: آغاز یک راه بی‌پایان
تعاونی: صدای قصه‌ها را بلند کنیم
فرهنگ و هنر: خشونت‌زدایی از داستان کدوی قلقله زن
دختری که در المپیاد بیشتر به او خوش گذشت
پیشنهاد کتاب: بچه‌های امروز معرکه‌اند



مجلهٔ تعاونی فرهنگی و آموزشی راه رشد

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: تعاونی فرهنگی و آموزشی راه رشد

زیر نظر گروه سردبیری

همکاران: منصوره محمدی، زهرا مهربان

ویراستار: سیدعلی هاشمی

گفت‌وگوهایی به: آزاده آشوری، سودابه بصیری، عادلہ مویدی، زهرا شکری، یلدا برزین، آذر عسکریان، مریم تورچی، ثریا قدیمی، شهرام طهماسبی، علی حسایی، نگین کریمی، شیرین هاشمیان، فاطمه مشیدی، سوگل دانایی، پریسا عابد، پریناز عصاره، کیان تقی‌زاده، امیررضا نادعلی‌زاده، سید یزدان سیدمحسنی، امیرمحمد پورمحمد، سیاوش خوشدل، پریسا اصلان‌خانی، پریسا صورنژاد شیرازی، هستی پورموسوی، سارا گوهرگانی

یادداشت‌هایی از: آناهیتا اصلاح‌پذیر، سمیه صانعی، مهدی نیلاش،

سمیرامیس شاه‌اسماعیلی و پردیس کشاورزی

صفحه آرای: نگار مهربان، بهنود اصغری

طراح جلد: نگار مهربان

عکاس: بهنود اصغری

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: ایران کهن

ارتباط با ما

تعاونی فرهنگی و آموزشی راه رشد

تلفن: ۰۲۱۸۸۵۷۲۱۰۵

نشانی: تهران، شهرک غرب، فاز ۱، خیابان مهستان، پلاک ۲۱

صندوق پستی: ۱۴۶۵۸۳۴۳۶۱

پایگاه اینترنتی: www.eraheroshd.com

پست الکترونیک: info@eraheroshd.com

سخن مجموعه

منظرهٔ راه رشد از دریچهٔ تابستان

پرتره

گریزی بر زندگی آسا گری؛

نخستین بنیانگذار مدارس تابستانه

یادداشت

تجربه‌های تابستان در آغوش مدرسه

پرونده (مدرسه تابستانه)

گزارش

تاریخچه تشکیل مدارس تابستانه در جهان

مدارس تابستانه در ایران

گفت و گو

مدرسه تابستانه در راه رشد

تثبیت دانش در تابستان

جایی برای تفکر، پرورش و تصمیم‌گیری

نگاهی ترکیبی به تابستان: از فراغت تا آموزش

تابستانِ طلایی

انجمن اولیا

برنامه‌ریزی امروز؛ پیش به سوی آینده

تابستان، اثرژی، حرکت

آموزش کنترل احساسات و هیجانات

یک رویکرد موفقِ تفریحی-آموزشی

گزارش

آموزش در تابستان: تحقیقات چه می‌گویند؟

گفت و گو

آموزش در تابستان آری یا نه؟

کمپ تابستانه راه رشد

کمپ زبان

یک زندگی واقعی

کمپ ورزش

کشف استعدادهای ناشناخته

کمپ هنر

هنرِ آموزشِ اصالتِ ایرانی

وقایع اتفاقیه

یک تغییرِ جدید: یک شروع دوباره

مدرسه در دست بچه‌ها

گزارش تصویری

دانش‌نامه آموزش

کتاب نسل آلفا

درباره نسلی که می‌خواهد تلاشش دیده شود

گفت و گو

پژوهشگرانِ امروز و دنیا سازانِ آینده

سوادها(سواد سلامت)

سلامت سواد دارد

دهکده در مدرسه

برای سلامتی فرزندان راه رشد

مشارکتِ دانش‌آموزی

روایتِ پروژه‌ها؛ آغازِ یک راه بی‌پایان

گفت‌وگو

چند پله بالاتر

گزارش

پیشکش دانایی

تجربه

قصه‌های راه رشد

مرد خندانِ راه رشد

گفت و گو

نوجوانی، دورانِ فرصت‌ها

فیلم‌گپ

بخوان

کتاب‌گپ

کتاب، دوربین، حرکت

سفر یادگیری

تمرینِ تاب‌آوری با تمنا برای یادگیری

تعاونی

تعاونی راه رشد؛ بسترِ مادرانه‌ی وطن‌وار

تجربه‌های جهانیِ تعاونیِ راه رشد

یادداشت

آموزش تعاون با آزمون مشارکتی

نهادینه‌سازی تشویق مشارکتی

آموزش اصولیِ هنرِ مشارکت‌ورزی

کوپ‌تاک

یادداشت

روایتِ یک چهل تکه بزرگ پر قصه

صدای قصه‌ها را بلند کنیم

فرهنگ و هنر

نیم رخ

روایتِ معنابخشی به زندگی از پس ناکامی‌ها

گفت و گو

علوم انسانی، فرهنگ راه رشد است

خشونت‌زدایی از داستانِ کدوی قلقله زن

قصه‌گوی «خروس زری پیرهن پری»

گفت و گو با برگزیدگان المپیداد ادبی

جای خالی انجمن‌های دانش‌آموزی

دختری که در المپیداد بیشتر به او خوش گذشت! ۶۱

معرفی کتاب

بیشتر بخوانیم

یادنامه

درباره‌ی خالقِ هویتِ بصری راه رشد

یادداشت

ساختِ بهرِ رفعِ حاجت



سخن مجموعه

منظره راه رشد از دریچه تابستان

این شماره اختتامیه تابستان ۱۴۰۳ است و به قول بیژن نجدی «کدام فصل پیراهنی دارد گرم‌تر از تابستان؟»

پیراهن تابستان امسال راه رشد، گرم‌تر و پرنقش‌تر از هر سال بود. جابه‌جایی و توسعه مراکز مختلف، شور و گرما و تاب‌ی بود که این خانه و خانواده کنار فرزندان گذراند.

کلاس‌ها و کمپ‌ها برقرار و اسباب‌کشی و جابه‌جایی جاری بود. دبستان پسرانه به ساختمان مهستان منتقل شد و متوسطه‌های دخترانه در خانه‌های جدیدشان میز و نیمکت و کتاب چیدند.

کامیون‌هایی که دم در ساختمان‌ها پر و خالی می‌شدند و اثاثیه‌ای که گاهی در همان مکان قبلی خود می‌ماندند و بعضی به جای جدید می‌رفتند، همین شور و حال و اضطراب و خرسندی توأمانش این تابستان را پرتجربه‌تر و مشارکتی‌تر از هر سال کرد که ارزش‌های راه رشد همین‌هاست:

مشارکت، همدلی و تاب‌آوری.

در این شماره «نیمکت سفید» به مسئله مدرسه تابستانه پرداختیم. از کمپ‌های تابستانه گفتیم و برنامه‌های تابستانه مقاطع مختلف تحصیلی را بررسی کردیم. با والدین سخن گفتیم و از زبان دانش‌آموزان از راه رشد شنیدیم. به جهان مدارس تابستانه سفر کردیم و تاریخ آن را خواندیم. مروری بر حضور تعاونی فرهنگی و آموزشی راه رشد در مجامع بین‌المللی داشتیم و از خیر جمعی در راه رشد نوشتیم.



تابستان ۱۳۷۰ - راه رشد





تجربه‌های تابستان در آغوشِ مدرسه

یادداشت



آناهیتا اصلاح‌پذیر

مدیرعامل

تجربه تابستانی شیرین و پر هیجان سال‌های نه‌چندان دور را برای دانش‌آموزان بسازد که در آن انسان مجال بیشتر و فراهم‌تری برای رشد و تعالی خواهد داشت! برای شاد بودن و لذت بردن از فراغت!

لذا می‌توان گفت که مدرسه‌های تابستانه با هدف حذف تجربه‌های شیرین گذشته و حال و یا اشغال جهان دانش‌آموزان حتی در تابستان، طراحی نشده‌اند بلکه از قضا مدرسه‌های تابستانه می‌خواهند امتداد و بارقه‌ای از همان جهان جذابی باشند که در آن فرزندانمان شور و شادی و لذت و تعالی را تجربه کنند!

مدرسه تابستانه امکان و انتخاب و فرصتی است برای کسانی که مجال تجربه آن دوستی‌ها و تازه‌ها را ندارند و جایی است که فرزندانمان می‌توانند تجربه‌های متنوعی داشته باشند و در کنار دوستانشان، قصه‌های تابستانی خودشان را بسازند و خاطره این روزهایشان روایت فرادهایشان باشد.

به یک شهر و کشور جدید و آمدن به مدرسه، البته که ترجیح و اولویت و انتخاب والدین و دانش‌آموزان تجربه تازه‌هاست اما با توجه به شرایط فعلی و محدودیت‌ها و معذوریت‌ها، به نظر می‌رسد مدرسه می‌تواند با تغییر بعضی فضاهای رسمی و ارائه فعالیت‌های آموزشی متفاوت از فعالیت‌های سال تحصیلی و ایجاد فضاها و تجربه‌های جذاب و دلخواه دانش‌آموزان، تابستان آن‌ها را پر بار کند و مجالی باشد برای تجربه دوستی‌ها و دیدارها و بازی‌های تازه در کنار همکلاسی‌هایشان که از جمله دوست‌داشتنی‌ترین همبازی‌ها و دوستانشان نیز هستند!

این فضاها هر قدر که قوام‌بخش دوستی‌های پیشین و رابطه‌هایی هستند که در طول سال تحصیلی شکل گرفته‌اند، به همان میزان نیز برای دوستی‌های تازه و گسترش شبکه روابط اجتماعی فرزندانمان واجد ظرفیت و امکان هستند.

در واقع مدرسه با ایجاد فضایی با ویژگی‌های ذکرشده، تلاش می‌کند تا جهانی نزدیک به همان

یک زمانی تابستان پر از ماجرا و تجربه بود. دانش‌آموزان که از مدرسه فارغ شده بودند به همراه خانواده به شهر و روستای خانوادگی می‌رفتند و علاوه بر تجربه هر آنچه دلخواهشان بود، سال به سال ماجراها و قصه‌ها و چیزهای تازه باعث می‌شد که این تجربه‌ها تازگی و رنگ و بوی دیگری نیز داشته باشند. در کنار تجربه‌های تازه، دیدارها و دوستی‌هایشان نیز تازه می‌شد و چه بسا هر سال دوست‌های تازه نیز پیدا می‌کردند.

امروزه به جای آن تجربه شیرین و پر هیجان که در آن انسان مجال بیشتر و فراهم‌تری برای رشد و تعالی داشت، تابستان‌هایی از راه رسیده‌اند که در آن‌ها دیگر پدر و مادر تعطیل نیستند و برای سفر به دیار اجدادی مجال چندانی نیست و برای دانش‌آموز، تابستان و تعطیلی قریب خانه و بازی کامپیوتری و تلویزیون است و متأسفانه معمولاً دانش‌آموز همه این موارد را به‌تنهایی تجربه می‌کند و شاید فارغ باشد اما خوشحال، بعید است!

اگر انتخابی باشد میان رفتن

Asa Gray
American Botanist

پرتره

گریزی بر زندگی آسا‌گری

نخستین بنیان‌گذار مدارس تابستانه جهان

شد و به نام «انفصال خاکستری آسا» نام گرفت. همین دوره‌های گیاه‌شناسی بود که باعث شد او نخستین مدرسه تابستانی را در دانشگاه هاروارد راه‌اندازی کند که نخستین مدرسه تابستانی در جهان نیز شد. موضوع نخستین مدرسه تابستانی، گیاهان بود و در باغ گیاه‌شناسی دانشگاه هاروارد برگزار شد اما در ادامه و با توجه به علاقه‌ای که به این دوره شکل گرفت، دوره‌های زمین‌شناسی و شیمی و فرانسوی و آلمانی نیز به دوره‌های تابستانی دانشگاه هاروارد اضافه شدند. این مدرسه تابستانی، دانشجویانی از سراسر جهان را به کالج هاروارد کشاند و با گذشت بیش از ۱۵۰ سال، حالا در سراسر جهان دوره‌های مختلف مدارس تابستانه برگزار شده است و رسمیت یافته است.

آسا‌گری، «Asa Gray» (۱۸۱۰-۱۸۸۸) نخستین بنیان‌گذار مدارس تابستانه در جهان است. او مؤسس گیاه‌شناسی بوتانیک در دانشگاه هاروارد و ایالات‌متحده بود و اساتید جهان به فعالیت او در عرصه گیاه‌شناسی توجه داشتند. او با اساتید بزرگی از جهان در ارتباط بود و سفرهای متعددی به اروپا برای انتقال تجربه بین دو قاره داشت. گری، نقش بسیار مهمی در طبقه‌بندی یک‌دست گیاهان آمریکای شمالی داشت و یکی از محبوب‌ترین و پایه‌ای‌ترین کتاب‌های گیاه‌شناسی را (کتاب راهنمای گیاه‌شناسی ایالات‌متحده) منتشر کرد. گری، پدیده‌ای را بررسی کرد که بعدها به نام خود او نام‌گذاری شد. در پژوهشی که گری انجام داد شباهت‌های مورفولوژیکی شگفت‌انگیزی بین بسیاری از گیاهان آسیای شرقی و شرق آمریکای شمالی کشف





پرونده: مدرسه تابستانه

تاریخچه تشکیل مدارس تابستانه در جهان

گزارش

صد و پنجاه سال پیش، در تابستان سال ۱۸۷۱، آسا گری (Asa Gary) استاد تاریخ طبیعی دانشگاه هاروارد، تصمیم گرفت تا با برگزاری یک دوره تابستانی برای دانشجویانی که می‌خواهند اوقات فراغت خود را سپری کنند برنامه‌ای ترتیب دهد. او نخستین دوره کلاس‌های تابستانه را با توجه به رشته‌ای که خودش مشغول فعالیت در آن بود (یعنی گیاه‌شناسی) برگزار کرد و بدین ترتیب، نخستین مدرسه تابستانی در جهان راه‌اندازی شد.

این دوره در آزمایشگاه باغ گیاه‌شناسی دانشگاه هاروارد برگزار و آغازگر شکل‌گیری دوره‌های آموزشی دیگر شد و خیلی زود دوره‌هایی در زمینه شیمی، زمین‌شناسی، زبان فرانسه و آلمانی نیز در دسترس دانشجویان قرار گرفت. در سال‌های اولیه، مدرسه تابستانی برای دانش‌آموزان در سن کالج و کسانی که می‌خواستند درس اضافی را برای جبران ترم از دست رفته خود سپری کنند برگزار می‌شد. همچنین کسانی که قصد دریافت مدارک پیشرفته داشتند نیز از علاقه‌مندان به شرکت در این مدارس بودند. در سال‌های بعد، شرکت در مدارس تابستانی برای همه افراد (با هر سن و پیشینه‌ای) رایج شد و حالا این مدارس به بخشی از تقویم آموزشی مراکز آموزشی اضافه شده‌اند.

عموم مردم به دلایل مختلفی از دوره‌های تابستانی استقبال می‌کنند. برخی شرکت در دوره‌های تابستانه را راحت و مناسب

می‌دانند، برخی با شرکت در کلاس‌های تابستانه، مهارت‌های خود برای ورود به مشاغل مورد علاقه‌شان را محک می‌زنند و برخی نیز هدف از شرکت در این کلاس‌ها را بهبود سطح نمرات تحصیلی برای ورود به مدارس و یا دانشگاه‌های نمونه و برتر مطرح می‌کنند. سپری کردن اوقات فراغت نیز یکی دیگر از دلایل علاقه‌مندی به این مدارس است.

البته این مدارس تفاوت‌هایی نیز با کمپ‌های آموزشی دارند. در مدارس تابستانه فرصت‌های یادگیری مبتنی بر شرایط دانشگاهی است حال آنکه در کمپ‌های تابستانه، هدف بیشتر برگزاری اردوها و طی کردن اوقات فراغت است که در کنار آن یادگیری نیز اتفاق می‌افتد. امروزه صدها مدرسه تابستانه در سراسر جهان با اهداف و برنامه‌های مختلف راه‌اندازی شده است. در کنار دانشگاه‌ها، مدارس نیز در تأسیس این مدارس پیشگام شده‌اند. هدف دانشگاه‌ها از راه‌اندازی مدارس تابستانه، علاوه بر آشنایی دانش‌آموزان با فضای تحصیلات دانشگاهی، شناسایی و جذب دانش‌آموزان نمونه و با استعداد به دانشگاه‌های خود است. مدارس نیز علاوه بر ایجاد زمان و فضایی برای سپری کردن اوقات فراغت، زمان و فضایی نیز برای دوستیابی و مشارکت در برنامه‌های گروهی و فراگیری دروس آموزشی فراهم کرده‌اند.

پرونده: مدرسه تابستانه

مدارس تابستانه در ایران

گزارش

مدارس تابستانه در ایران

مدارس تابستانه در ایران نیز سال‌هاست که به بخشی از سیستم آموزش در مجموعه‌های خصوصی و عمومی اضافه شده است. مدرسی که گذران اوقات فراغت، سرگرمی و آموزش را با اهداف و رویکردهای متفاوتی برای گروه‌های سنی مختلف به اجرا درآورده‌اند و طرفداران پرشماری نیز دارند.

مدرسه تابستانه ایران

«مدرسه تابستانه ایران» یکی از مدارس بین‌المللی تابستانه در ایران است. این مدرسه در حوزه تخصصی پزشکی (داروسازی، پزشکی و دندان‌پزشکی) فعالیت دارد و در مأموریت‌های خود ارائه تجربیات آموزشی متحول‌کننده در پزشکی، دندانپزشکی و علوم دارویی به دانش‌آموزان دبیرستانی را در نظر گرفته است. هدف این مدرسه آن است که با ایجاد بستر آموزش عملی، برگزاری سخنرانی‌های تعاملی و تبادل فرهنگی برای دانش‌آموزان، الهام‌بخش شرکت‌کنندگان برای پیگیری حرفه‌های بهداشتی باشد و تأثیری مثبت در جامعه ایجاد کند. این مدرسه فعالیت‌های خود را به صورت بین‌المللی برگزار می‌کند و دانش‌آموزان از سراسر جهان می‌توانند در برنامه‌های آن شرکت کنند و علاوه بر آشنایی با فرهنگ و تمدن ایران، دیدارهای تعاملی و آموزش پزشکی را فرا خواهند گرفت.

مدرسه تابستانی تهران

مؤسسه آموزشی شهر، یکی از مراکز زیرمجموعه سازمان فرهنگی و هنری شهرداری تهران است که در ۲۲ منطقه شهر تهران فعالیت دارد. یکی از فعالیت‌های این مؤسسه برگزاری مدارس تابستانی برای رده‌های سنی مختلف است. از کودکان چهار ساله تا سالمندان، مخاطبان مدرسه تابستانه تهران هستند که می‌توانند در بیش از ۱۴۰۰ دوره که در ۲۲ گروه آموزشی تدوین شده است شرکت کنند.

این مدارس دوره‌هایی در حوزه اندیشه، مهارت، هنر و اردو و بازی برگزار می‌کنند و شرکت‌کنندگان در این مدارس در پایان هر دوره گواهینامه دریافت خواهند کرد.

مدرسه تابستانه هوش مصنوعی

پژوهشگاه ارتباطات و فناوری اطلاعات در تابستانی که گذشت دومین مدرسه تابستانه خود را برگزار کرد. نخستین دوره مدرسه تابستانه این پژوهشگاه با موضوع افراد آزادکار (Freelancer) در دنیای اقتصاد دیجیتال بود و دور دوم مدرسه تابستانه را با موضوع هوش مصنوعی و با هدف آشنایی با مفاهیم، اجزا و مؤلفه‌های دانش هوش مصنوعی برگزار کرد.

★ تابستان ۱۴۰۳
تجربه های یادگیری
تحول آفرین

چالش برانگیز، جذاب و سرگرم کننده!

برنامه های مدارس تابستانی در ایران

فراتر از دانش بروید و مهمان نوازی فرهنگ ایرانی را از نزدیک تجربه کنید.
مدارس تابستانه ما تصویری روشن از آینده شغلی شما را به نمایش خواهد گذاشت.



آزاده آشوری

مسئول آموزش

مدرسه تابستانه در راه رشد تثبیت دانش در تابستان

گفت و گو

در فعالیتهای تابستان، به دلیل ساختار متفاوت کلاس بندی، دانش آموزان گروه های متنوعی را تجربه می کنند و در تعامل با همسالان بیشتری خواهند بود و مهارت ارتباطات اجتماعی آن ها افزایش خواهد یافت.

آزاده آشوری، مسئول آموزش تعاونی فرهنگی و آموزشی راه رشد است. او سال هاست که مدیریت بخش آموزش را بر عهده دارد. با او در رابطه با مدرسه تابستانه به گفت و گو نشستیم که در ادامه می خوانید.

ابتدا اندکی در مورد مدرسه تابستانه راه رشد توضیح دهید.

مدرسه تابستانه راه رشد مجموعه ای از فعالیتهای است که به دانش آموزان برای کسب مهارتهای مختلف کمک خواهد کرد. بخشی از فعالیت مدرسه تابستانه به باشگاه ها اختصاص دارد که مجموعه ای از مهارتهای ارتباطی، اجتماعی، حرکتی، گفتاری، شنیداری، نوشتاری، دست ورزی، قصه گویی و خیال پردازی را در کودکان تقویت خواهد کرد. باشگاه هنر یا کمپ هنر فرصت شناخت آیین و آداب و رسوم اقوام ایرانی را برای کودکانمان فراهم خواهد کرد. ضمن این که این کمپ به خودباوری فرزندانمان و تقویت هویت ایرانی کودکانمان کمک خواهد کرد و فرصت قصه گویی، خلق شخصیت های داستان از طریق ساخت عروسک، نمایشنامه نویسی و اجرای نمایش را برای کودکان

فراهم می کند.

باشگاه سخنوران انگلیسی یا کمپ زبان انگلیسی، با هدف تقویت مهارت مکالمه زبان انگلیسی در کودکان، با فراهم کردن فضایی مفرح و شاد، در قالب فعالیتهای متنوع به دانش آموزان فرصت تجربه مکالمه مورد نیاز روزمره زندگی را به زبان انگلیسی می دهد و کودکان در این دوره کاملاً به محاوره و مکالمه زبان انگلیسی مسلط می شوند.

باشگاه ورزش و سلامتی، فرصت تقویت مهارتهای حرکتی، هماهنگی عصب و عضله را برای کودکانمان فراهم می کند. ضمن این که کودکان باید با فعالیتهای ورزشی مانوس شوند و برای حفظ سلامتی خود از طریق تغذیه مناسب و سالم بکوشند؛ بنابراین در کنار فعالیتهای ورزشی، در این کمپ تهیه مواد غذایی سالم و خانگی در بخش دهکده در مدرسه نیز آموزش داده خواهد شد.



در نتیجه تلاش راه رشد در این بوده است که پیوستگی آموزش و تفریح در محیط آموزشی را در تابستان نیز حفظ کند. حفظ این پیوستگی در تابستان را چقدر برای دانش آموزان مفید می دانید؟

تابستان فرصت بیشتری برای تجربه عملی آموخته های علمی و دانش دانش آموزان را فراهم می آورد. اولین نکته در تثبیت دانش، تکرار و کار بست آن است. پیوستگی آموزش در تابستان و در پی آموزش سال تحصیلی، فرصتی مغتنم و مفید برای تثبیت آموخته های دانش آموزان در محیطی مفرح، شاد و همراه با برنامه های تجربه ورزی است و نباید از آن غافل شد.

بسیاری از دانش آموزان دبستان در پی شرکت در فعالیتهای تابستانی، موفق شده اند مهارتهای بهتری برای حضور در سال تحصیلی آینده کسب کنند و بسیار موفق تر از آنچه پیش بینی می شد در سال تحصیلی آینده حضور پیدا کنند. علت این موضوع در پیوستگی امر یادگیری است و از همین رو توصیه ما به والدین عزیز این است که از فرصت آموزش و یادگیری پیوسته برای فرزندان خود بهره مند شوند.

یکی از مسائلی که در مدارس تابستانه به آن توجه می شود تقویت مهارتهای اجتماعی است. به ویژه که با دانش آموزان تک فرزندان نیز روبرو هستیم. برای تقویت هدفمند این مهارت چه راهکاری دارید؟ مدرسه چه برنامه ای اجرا می کند؟

به چه نکته مهمی اشاره کردید. مهارتهای ارتباطی و اجتماعی یکی از مهم ترین مهارتهای مورد نیاز هزاره سوم است و به واسطه تک فرزندان بودن کودکانمان، فرصت تمرین و کسب مهارت در منازل حداقلی است. در خانه به دلیل نبود منافع مشترک بین پدر و مادر و یک فرزند، همه امکانات در اختیار کودک است اما حضور در جمع کودکان با منافع مشترک، زمینه بروز چالش را به واسطه قرار گرفتن در اجتماع ایجاد می کند و در نتیجه فرصت تمرین برقراری ارتباط مؤثر برای کودک فراهم می شود.

در ایام تابستان که شکل آموزش از شیوه مرسوم آموزش رسمی کمی فاصله می گیرد و فرصت کارهای گروهی و مشارکتی بیش از پیش فراهم است، کودکان نیازمند مهارتهای ارتباطی قوی تری برای انجام فعالیتهای خود هستند، بنابراین فرصت تابستان به دانش آموزان کمک می کند بهتر و بیشتر مهارتهای لازم را کسب کنند. در فعالیتهای تابستان، ساختار کلاس بندی که در طول سال تحصیلی دانش آموزان تجربه می کنند و آن ها را محدود به گروه های همان کلاس می کند، وجود ندارد بنابراین دانش آموزان حضور در گروه های متنوعی را تجربه می کنند و با تعداد بیشتری از همسالان خود در تعامل و همکاری خواهند بود و این نکته مهمی در رابطه با فرصت تابستانی برای کسب مهارتهای اجتماعی است. بازی های گروهی، گردش و اردوها، ساخت و تولید دست سازه و...

فرصت تقویت مهارتهای ارتباطی و عاطفی دانش آموزان را به خوبی فراهم می کند که در کمپ های تابستانه مدرسه بسیار پررنگ دیده می شود.

یکی از مسائلی که در مدارس تابستانه به آن توجه می شود تقویت مهارتهای اجتماعی است، به ویژه که با دانش آموزان تک فرزندان نیز روبرو هستیم. برای تقویت هدفمند این مهارت چه راهکاری دارید؟ مدرسه چه برنامه ای اجرا می کند؟

شبمانی با هدف تجربه زندگی کردن در جمع دوستان، همدلی، همراهی و همکاری و کسب مهارتهای فردی و اجتماعی اجرا می شود و همان طور که اشاره کردید روحیه خوبی را به دانش آموزان تزریق می کند. پیشنهاد اول من برای فرصت تابستان تلفیق این فرصت زندگی جمعی با فعالیت طبیعت گردی است. زندگی پر دغدغه ما بزرگسالان و فراهم نبودن فرصت زندگی جمعی برای کودکان به دلیل تک فرزندان بودن و مشغله والدین، فرصت برخی تجربه ها را که ما در کودکی داشته ایم از کودکان سلب کرده است. شاید بهتر باشد با توجه به اینکه در تابستان دانش آموزان فرصت بیشتری دارند، برنامه اردوهای طبیعت گردی با فراهم شدن فرصت همکاری با یکدیگر برای اقامت، تهیه غذا، جمع کردن چوب و آتش روشن کردن در فضایی خارج از مدرسه صورت بگیرد.

عنوان شبمانی که از گذشته بر روی این اردو یا فعالیت باقی مانده است، ذهن را به سمت ماندن در مدرسه صرفاً پس از ساعات فعالیت مدرسه هدایت می کند اما شاید استفاده از یک روز کامل در خود فضای مدرسه برای تجربه زندگی جمعی که نیازمند بسیاری از مهارتهای اجتماعی است به کسب تجربه های مفید و تقویت روحیه دوستی در دانش آموزان کمک زیادی کند. بنابراین پیشنهاد دوم من استفاده از روزهایی از تابستان به صورت اقامت و زندگی در مدرسه، با فراهم کردن فرصت چادر زدن، آشپزی کردن و بازی کردن در فضای مدرسه است.



مدرسه تابستانه شیوه‌ای نوین در آموزش است و سال‌هاست که تعاونی فرهنگی و آموزشی راه‌رشد در راستای استمرار فرایند تربیتی و آموزشی این شیوه را اجرا می‌کند تا دانش‌آموزان در بازه زمانی مناسب، مهارت‌های علمی، گروهی و تعامل با یکدیگر را از طریق کاربرد مهارت‌ها همراه بازی و آموزش یاد بگیرند.



سودابه بصیری

معاون آموزشی

مدرسه تابستانه در راه‌رشد

جایی برای تفکر، پرورش و تصمیم‌گیری

گفت‌وگو

حفظ پیوستگی آموزش در تابستان را چقدر برای دانش‌آموزان مفید می‌دانید؟

همزمان با فرا رسیدن تابستان دانش‌آموزان به یک آرامش نسبی می‌رسند و فرصتی طلایی ایجاد می‌شود که با یک برنامه‌ریزی دقیق، ضعف‌های آموزشی برطرف شود. در کنار آن اوقات فراغت نیز در نظر گرفته می‌شود و در نتیجه دانش‌آموزان، هدفمند و با برنامه‌ریزی، تابستان را سپری خواهند کرد و در نتیجه این زمان فرصت خوبی برای تقویت و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان است.

من عقیده دارم به دلیل طولانی بودن تعطیلات تابستانه مطالب درسی از یاد دانش‌آموزان می‌رود و در نتیجه باید این پیوستگی آموزش با روش‌های مختلفی که منجر به خستگی دانش‌آموز نیز نشود در تابستان حفظ شود. برای نمونه با توجه به اینکه پیش‌خوانی مطالب درسی باعث افزایش انگیزه دانش‌آموزان می‌شود و باعث می‌شود تا آن‌ها با اعتماد به نفس بیشتری وارد سال تحصیلی جدید شوند، اگر برای بچه‌ها برنامه مدونی در نظر گرفته شود، عادات و رفتارهای ثابتی در آن‌ها به وجود می‌آید. از طرفی با توجه به اینکه درس‌ها در مقاطع تحصیلی مختلف به هم مربوط هستند، در صورتی که دانش‌آموزی درسی را در طول سال تحصیلی به خوبی فراموش کرده باشد در سال تحصیلی بعد دچار مشکل شود و لذا حفظ پیوستگی تحصیل برایشان مفید است. از سویی دیگر می‌توان با توجه به نقاط ضعف و قوت دانش‌آموزان، برایشان برنامه‌های شخصی‌سازی شده در نظر گرفت و ضعف‌های آموزشی آن‌ها را برطرف کرد.

یکی از مسائلی که در مدارس تابستانه به آن توجه می‌شود تقویت مهارت‌های اجتماعی به‌ویژه برای دانش‌آموزان تک‌فرزند است. برای تقویت هدفمند این مهارت چه راهکاری دارید؟ مدرسه چه برنامه‌ای اجرا می‌کند؟

همان‌قدر که یادگیری آموزشی مهم است، یادگیری مهارت‌های اجتماعی و عاطفی نیز مهم است. مدارس

تابستانه می‌تواند برای دانش‌آموزان تجربه بی‌نظیری از تفریح و سرگرمی باشد. برای مثال اردوهای یک‌روزه، شنا، پیاده‌روی، شهرگردی و... می‌تواند در رشد مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان مؤثر باشند. فعالیت‌های خلاقانه و گروهی، فرصت خوبی برای کنار گذاشتن حس خجالت و گوشه‌گیری در برخی دانش‌آموزان است؛ با توجه به تک‌فرزند بودن و نیاز به ایجاد تعاملات اجتماعی و تقویت مهارت‌ها جهت ورود به جامعه بزرگ‌تر، برنامه‌ریزی هدفمند برای توسعه این مهارت باعث می‌شود دانش‌آموزان در یک محیط امن در مدرسه فضایی پر نشاط داشته باشند و برای آن‌ها منجر به تقویت مهارت‌های کار گروهی، تفکر خلاقانه و یادگیری مستقل شود. از طرفی اعتماد به نفس دانش‌آموزان نیز افزایش می‌یابد و مهارت‌های زندگی را یاد می‌گیرند و حس استقلال نیز در آن‌ها تقویت می‌شود. فهم چگونگی کار گروهی و قدرت حل مسئله نیز با عضویت در گروه‌ها و در تعاملات اجتماعی توسعه خواهد یافت.

ویژگی‌های برنامه‌های تابستانه راه‌رشد که آن را از دیگر محیط‌های آموزشی متمایز می‌کند چیست؟

مدرسه تابستانه شیوه‌ای نوین در آموزش است و سال‌هاست که تعاونی فرهنگی و آموزشی راه‌رشد در راستای استمرار فرایند تربیتی و آموزشی این شیوه را اجرا می‌کند تا دانش‌آموزان در بازه زمانی مناسب، مهارت‌های علمی و آموزشی و کاربردی را با بازی و کار گروهی و تعامل با یکدیگر یاد بگیرند. برای نمونه برای دانش‌آموزانی که از مقطع پیش‌دبستانی وارد دبستان می‌شوند برنامه کمپ تابستانی با هدف تطابق با محیط مدرسه اجرا می‌شود و دانش‌آموزان با فضای مدرسه آشنا و مهارت‌های آموزشی و هنری و ورزشی یاد می‌گیرند. کمپ تابستانه به طیف وسیع و متنوعی از سلاقی کودکان پاسخ می‌دهد. از طرفی نظارت کادر مدرسه بر فعالیت‌ها منجر به ارزیابی کیفی برای اجرای بهتر برنامه‌ها می‌شود. در برنامه‌های تابستانه امکان ثبت‌نام در تمامی روزهای هفته و یا برخی روزها (به صورت شناور) فراهم است.

آیا با مدرسه تابستانه نگاه متفاوتی به تابستان در دانش‌آموزان ایجاد شده است؟

آموزش مهارت‌های کاربردی به دانش‌آموزان آن‌ها را برای حضور در اجتماع آماده می‌کند. گذراندن دوره‌های تعریف‌شده و متناسب با سن و علاقه دانش‌آموزان باعث می‌شود با جدیت بیشتری پیگیر یادگیری باشند و می‌تواند برای دانش‌آموزان فرصت خوبی برای کسب علوم و مهارت‌های جدید باشد. در پایان کلاس نیز می‌توان گواهینامه‌های معتبری ارائه کرد.

برگزاری مستمر کلاس خیاطی، دیجیتال مارکتینگ، کامپیوتر و زبان که هر ساله و در تابستان بتوانند در کلاس‌ها شرکت کنند و حضور فعال داشته باشند و بر آن‌ها مسلط شوند می‌تواند منجر به کسب درآمد در آینده شغلی نیز بشود. راه‌رشد این امکان را برای دانش‌آموزان فراهم می‌کند که مهارت‌های یادگرفته شده را به دانش‌آموزان مقاطع پایین‌تر آموزش بدهند و به نوعی فضای کار برای آن‌ها شبیه‌سازی می‌شود.



عادلۀ مؤیدی

مسئول پایه‌های متوسطه دوم

نگاهی ترکیبی به تابستان؛ از فراغت تا آموزش

گفت‌وگو

یک رویکرد هوشمندانه و درست، تابستان را به فرصتی ویژه برای دانش‌آموزان پایه‌های متوسطه دوم راه‌رشد تبدیل کرده است تا هم خود را بشناسند و هم آموزش ببینند. با عادلۀ مؤیدی، مسئول پایه‌های متوسطه دوم دخترانه در این باره گفت و گویی داشتیم که در ادامه می‌خوانید.

قطعیت تصمیم بگیرند. نگاه ما در پایه دهم به‌ویژه آشنایی با فضای آموزشی متوسطه دو است و با تغییرات ورود به یک مقطع تحصیلی بالاتر، آشنا می‌شوند و با محیط جدید وفق پیدا می‌کنند.

در مقطع یازدهم چطور؟ همین برنامه اجرا می‌شود یا با پایه دهم تفاوت دارد؟

در مقطع یازدهم نیز همین برنامه اجرا می‌شود با این تفاوت که دانش‌آموزان با قوانین ما بیشتر آشنا هستند؛ اما در این مقطع به بعد آموزش بیشتر از بعد مهارت توجه می‌شود.

در واقع در مدرسه تابستانه به صورت پلکانی از پایه دهم تا پایه دوازدهم، بعد آموزش پررنگ‌تر می‌شود.

دقیقاً؛ مثلاً برای دانش‌آموزان با هدف توسعه دوستی‌ها (به‌ویژه دانش‌آموزانی که به‌تازگی به مدرسه ما آمده‌اند) اردوهایی در نظر می‌گیریم. در واقع فرصت مدرسه تابستانه و اردوها و فعالیت‌های مشترک و حضور بچه‌ها در کنار هم، کمک می‌کند تا دوستی‌ها زودتر شکل بگیرند و پیوندی که دانش‌آموز قرار است با مدرسه و دیگر دانش‌آموزان داشته باشد، قوی‌تر شود.

لطفاً درباره اوقات فراغت دانش‌آموزان در مدرسه تابستانه نیز توضیح دهید.

ما به برنامه تابستان، کلاس‌های هنری اضافه کردیم و با دو نگاه ویژه، خوشنویسی را انتخاب کردیم. اول به‌خاطر اینکه بعد هنری را در بچه‌ها تقویت و آن‌ها را با هنر آشنا کنیم و دوم با توجه به اینکه دانش‌آموزان امتحان نهایی دارند، با بهبود دست‌خط، در امتحان نهایی دچار مشکل (مثلاً ناخوانا بودن نوشته‌هایشان) نشوند.

و سؤال آخر، چه الگویی منجر به شکل‌گیری مدرسه بستانه با این رویکرد و محتوا شد؟

وقتی موضوع نهایی شدن امتحانات در متوسطه دوره اول و دوم مطرح شد، مسئله آموزش باید پررنگ‌تر و جدی‌تر از قبل پیگیری می‌شد چرا که حالا دانش‌آموزان را در هر دو مقطع برای ارزیابی به سیستمی می‌سپاریم که خودمان هیچ نقشی در آن نداریم؛ لذا تابستان فرصت خوبی است و از این روی، دو نگاه در نظر گرفتیم. یک اینکه دانش‌آموزان آمادگی و فضای ذهنی خوبی خواهند داشت. دوم اینکه این شش هفته به معلم نگاه خوبی می‌دهد تا بتواند از فرصت تابستان استفاده کند و دانش‌آموز را بشناسد و او را با قوانین کلاس آشنا کند و لذا، هم برای دانش‌آموز و هم برای معلم و هم برای کادر مدرسه فرصت خیلی خوبی است و به این ترتیب، آشنایی ما یک مرحله جلو افتاده است.

مدرسه تابستانه در مقطع متوسطه دوی راه‌رشد، با رویکرد متفاوتی اجرا می‌شود. لطفاً درباره جزئیات این برنامه‌ها در تابستان توضیح دهید.

برنامه‌های تابستانه تا دو سال پیش صرفاً بر مبنای آموزش طراحی شده بود اما از دو سال پیش تصمیم گرفتیم با یک نگاه تلفیقی، جنبه‌های علمی، آموزشی و فراغتی را در این برنامه در نظر بگیریم. برای نمونه حضور دانش‌آموزان تا سال گذشته در برنامه‌های مدرسه تابستانه، اختیاری بود اما حالا می‌خواهیم به صورت الزامی همه آن‌ها به مدت شش هفته با ما باشند؛ لذا در جلسات مشورتی بحث و تبادل نظر کردیم که چه باید کرد (تا علاوه بر حفظ بعد آموزشی) دانش‌آموزان با حال بهتری در مدرسه حضور داشته باشند و در نتیجه کلاس‌های مهارتی علمی و کلاس ورزش را به مدرسه تابستانه اضافه کردیم. برای مثال با توجه به رشته تحصیلی، دانش‌آموزان در آزمایشگاه فیزیک تجربه‌ای داشتند متفاوت از آنچه در کتاب‌های خود می‌خواندند و می‌دیدند. ما با تدبیر معلم‌ها آزمایش‌هایی را طراحی می‌کنیم که به شکل‌گیری تفکر نقادانه در دانش‌آموز منجر شود که مثلاً حتی از همین جا، پروژه پژوهشی سال تحصیلی آینده خود را انتخاب کند.

این کلاس‌ها به تناسب رشته تحصیلی دانش‌آموزان طراحی می‌شود. برای نمونه در رشته علوم انسانی، برای درک و دریافت مفاهیم رشته جامعه‌شناسی، کلاس جامعه‌شناسی میدانی را (به‌ویژه در پایه دهم) طراحی کردیم تا دانش‌آموزان بتوانند ارزیابی کنند آیا رشته‌ای که انتخاب کردند به فضای ذهنی و آنچه فکر می‌کردند نزدیک است یا خیر؛ یا در کلاس دهم رشته تجربی، آزمایشگاه زیست و تشریح را تعریف کردیم و یکی از دانش‌آموزان ما در این آزمایشگاه بود که تصمیم گرفت تغییر رشته دهد و در کلاس‌های انسانی شرکت کند. این دانش‌آموز متوجه شد که این رشته به فضای ذهنی او نزدیک‌تر است. در واقع با برنامه‌هایی که در تابستان تدارک دیدیم مهارت کشف خود و یادگیری و تصمیم‌گیری را در دانش‌آموز تقویت کردیم تا با مشاهدات و فعالیت‌های عینی تصمیم بگیرد.

تدوین برنامه تابستانه در کدام پایه مهم‌تر است و این برنامه منجر به چه رویکرد مثبتی (به‌ویژه برای دانش‌آموزانی که قصد انتخاب رشته دارند) شده است؟

ببینید، در پایه دوازدهم و با توجه به سال کنکور، دانش‌آموزان اجباراً باید از تابستان تحصیل را شروع کنند اما این برنامه به‌ویژه در پایه دهم بسیار مهم بود چرا که انتخاب رشته برای دانش‌آموزان و خانواده‌ها دغدغه مهمی است و برایشان مهم است که به آن‌ها کمک شود تا با



زهره شکری

مسئول پایه‌ی دوازدهم

تابستان برای پایه‌ی دوازدهم رنگ و بویی متفاوت دارد. تفریح و سرگرمی نسبت به دیگر سال‌ها رنگ می‌بازد و دانش‌آموزان تلاش می‌کنند تا نتیجه‌ی زحمات چندساله‌ی خود را از این تابستان و پاییز و زمستان پیش رو دریافت کنند. در نتیجه‌ی مدرسه‌ی تابستانه برای آن‌ها متفاوت است. تمرکزشان بر روی درس است و از هر فرصتی برای خواندن و به‌خاطر سپردن استفاده می‌کنند. تعاونی فرهنگی و آموزشی راه رشد نیز سعی کرده است بستری فراهم کند تا دانش‌آموزان این پایه بهترین عملکرد را از سال آخر دانش‌آموز بودن دریافت کنند و با همراهی راه رشد یک تابستان طلایی بسازند. در همین راستا با زهرا شکری، مسئول پایه‌ی دوازدهم متوسطه‌ی دخترانه گفت‌وگویی داشتیم که در ادامه می‌آید.

برنامه‌ریزی تابستان برای دانش‌آموزان پایه‌ی دوازدهم در راه رشد چگونه انجام می‌شود؟

برنامه‌ی تابستانه‌ی پایه‌ی دوازدهم سال‌هاست که به‌صورت رسمی از تیرماه شروع می‌شود. مهم‌ترین دلیل این موضوع حجم بالای مطالب آموزشی است و ما می‌خواهیم شرایطی فراهم کنیم که بهترین عملکرد خودشان را در روز کنکور و در امتحانات نهایی نشان دهند. به همین دلیل خودمان را ملزم می‌دانیم که دانش‌آموزان این پایه در سال آخر تحصیل، زودتر در فرآیند آموزش قرار بگیرند و از فرصت تابستان بهترین استفاده را داشته باشیم.

با توجه به تغییر مدل برگزاری کنکور و امتحانات نهایی، تغییری در رویکرد راه رشد نیز ایجاد شد؟

بله با تغییر شیوه‌ی برگزاری کنکور لازم بود که در برنامه‌هایی که سال گذشته اجرا کردیم تجدیدنظر داشته باشیم. برای اولین بار کلاس‌های آموزشی تابستان را به ده هفته افزایش دادیم تا با توزیع زمان آموزش، فشار کاری دانش‌آموزان را تعدیل کنیم. ما می‌خواهیم دانش‌آموزان بدانند که در طول این سال که بیش از همیشه ممکن است در معرض اضطراب و نگران آینده‌ی تحصیلی خود باشند در کنارشان هستیم و برای این منظور ارزیابی‌های لازم را نیز انجام می‌دهیم و در تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی، همه‌ی جوانب را در نظر خواهیم گرفت.

آیا برنامه‌ریزی بر مبنای نیاز فردی هر دانش‌آموز است یا یک برنامه‌ی کلی در اختیار همه قرار می‌گیرد؟

برنامه‌ریزی بر مبنای ساختار آموزشی کشور و کنکور پیش می‌رود اما در انتخاب آزمون، خود دانش‌آموز نیز تأثیرگذار است. مدرسه‌ی تابستانه امسال از شانزدهم تیرماه شروع شد و سال تحصیلی این پایه از تابستان شروع می‌شود.

اوقات فراغت دانش‌آموزان پایه‌ی دوازدهم در تابستان چگونه است؟

معمولاً برای پایه‌ی دوازدهم با توجه به حجم درس‌ها و نزدیکی به زمان کنکور، اوقات فراغت خاصی تعریف نکردیم. به‌ویژه که امتحانات نهایی فشرده نیز دارند. اما در طول نیمسال اول و دوم برنامه‌های تفریحی در نظر می‌گیریم که روحیه‌ی آن‌ها بازیابی شود.

جدای از این موضوع که الگوی برگزاری کنکور و امتحانات نهایی تغییر کرده است اما راه رشد تا پیش از این نیز برنامه‌ی تابستانه ارائه می‌داده است اما الزامی در اجرای آن نبوده است، درست است؟

بله، درست است. چه شد که مدرسه به این نتیجه رسید الگوی جدید و متفاوتی را پیش ببرد؟

ما در پایان هر سال جلساتی را برگزار می‌کنیم و به تحلیل و ارزیابی شرایط پیشرفت تحصیلی و کارآمدی دوره‌های برگزار شده برای دانش‌آموزان می‌پردازیم و بر اساس نتیجه‌ی بررسی‌ها ممکن است تصمیم بگیریم تغییراتی را در شرایط آموزش تابستان ایجاد کنیم. همان‌گونه که اشاره کردید با توجه به تغییر الگوی برگزاری کنکور و امتحانات نهایی به این نتیجه رسیدیم که برنامه‌های تابستان باید با الزامات متفاوتی اجرا شوند و رویکرد مدون و به‌روزتری را تصویب و اجرا کردیم.

موفقیت در چنین رقابتی در گرو بهترین استفاده از زمان در بهترین شرایط است و تابستان یک فرصت استثنایی است تا دانش‌آموزان آماده‌ی این رقابت شوند و راه رشد با یک برنامه‌ریزی موفق در تلاش است تا هدایت تحصیلی دانش‌آموزان در این مقطع به‌درستی انجام شود و بهترین عملکرد خود را ارائه دهند.



یلدا برزین

رئیس انجمن اولیا و مربیان

انجمن اولیا برنامه‌ریزی امروز، پیش به سوی آینده

گفت‌و‌گو

«فرزند شما از چه سالی وارد راه رشد شد و خودتان از چه سالی عضو انجمن اولیا و مربیان مدرسه شدید؟»

دخترم دُرسا از پایهٔ هفتم وارد راه رشد شد و از نظر من این بزرگ‌ترین شانس ما بود که او وارد این فضا و محیط شد. من هم سال بعدش عضو انجمن و دو سال بعد رئیس انجمن شدم.

«چه شد که تصمیم گرفتید دخترتان از فعالیت‌های مدرسهٔ تابستانه استفاده کند؟»

دختر من از بچه‌ها خیلی عقب‌تر بود، چرا که در مدرسهٔ قبل درس‌هایی مثل زبان و کامپیوتر نداشتند و ورزش و موسیقی را هم جداگانه و با کلاس‌های خصوصی بیرون از مدرسه کار می‌کردیم. اما زمانی که دُرسا وارد راه رشد شد، برای این عقب‌ماندگی که نسبت به دیگر بچه‌ها داشت به‌شدت احساس کمبود می‌کرد.

کاری که راه رشد کرد و در واقع حمایت‌های فوق‌العاده‌ای که داشت باعث شد ورق برگردد و دختر من که ماه‌های اول بسیار ناراحت بود و می‌گفت هیچ‌وقت سطح کامپیوتر و زبان او به بچه‌های دیگر نمی‌رسد (و این ناراحتی به حدی زیاد بود که ما را هم نگران کرده بود)، در این درس‌ها شرایطش بهتر شد. خانم اردلان، معلم کامپیوتر بچه‌ها آن قدر روحیهٔ حمایت‌گری داشتند، آن قدر با عشق تدریس می‌کردند و با عشق به دانش بچه‌های ما اضافه کردند که دختر من رتبهٔ سوم کشوری را کسب کرد و جزو انجمن نخبگان شد. تمام این زحمات بر عهدهٔ معلم کامپیوتر او بود که با عشق و حمایت‌های بی‌دریغ در کنار دانش آموزان بود.

در زبان نیز خانم پیله‌رودی با عشق و خلوص کامل در کنار بچه‌ها بودند و در تابستانی که دُرسا با گریه شروع کرد و می‌گفت نمی‌خواهد در مدرسهٔ تابستانه شرکت کند و می‌گفت فقط همین یک تابستان را برای خود دارد و داریم آن را هم از او می‌گیریم، به‌قدری عاشق درسش شد که اصلاً باورمان نمی‌شد دُرسا این قدر علاقه‌مند شود و پیشرفت کند. دختر من الان به‌واسطهٔ همان زبانی که از سال هفتم شروع کرد، مانند افراد حرفه‌ای حرف می‌زند، گفت‌و‌گو می‌کند و به دلیل مهارتی که در «MoiSchool» به دست آورد توانست به مدرسهٔ انگلیسی برود و به‌راحتی در امتحان‌هایی با زبان انگلیسی شرکت کند. به طوری که ما باورمان نمی‌شد کسی که خود را از همه عقب می‌دانست، در راه رشد آن قدر زمینه برای رشد او فراهم شود که این گونه در یک مدرسهٔ انگلیسی‌زبان فعالیت کند.

«خودتان اشاره کردید دختر شما احساس می‌کرد تابستان از او گرفته می‌شود. در مدرسهٔ تابستانه چه طرحی برای بچه‌ها در نظر گرفته شد که باعث می‌شد بچه‌ها اوقات فراغت خود را از دست رفته نبینند؟»

بچه‌ها صرفاً درگیر درس نبودند. برنامه‌های ورزشی، تفریحی و هنری‌ای که در نظر گرفته شده بود باعث می‌شد بچه‌ها احساس نکنند که در تابستان نیز صرفاً درگیر آموزش هستند. برای مثال یک تابستان کلاس یوگا برگزار کردند و به‌قدری بر روی آرامش دخترم تأثیرگذار بود که وقتی به خانه می‌آمد دائم به من می‌گفت چرا یوگا را شروع نمی‌کنی و آن قدر برایش خوشایند بود که من را نیز تشویق کرد ثبت‌نام کنم.

«حضور در مدرسهٔ تابستانه در رویکرد او نسبت به آینده نیز تأثیر داشته است؟»

صد در صد. الان همین که عضو بنیاد نخبگان شده است به دلیل شرکت در کلاس کامپیوتری بود که از مدرسهٔ تابستانهٔ راه رشد شروع کرد. اعتماد به نفس او را بالا بردند، اعتقاد به توانستن را در او زنده و تقویت کردند و حسی «من می‌توانم از پس این کار بربیایم» را در او کامل کردند و همین در دانشگاه نیز به او کمک کرد. وقتی استاد چیزی را درس می‌دهد دخترم کلاس آنلاین می‌گذارد و به دیگر هم‌کلاسی‌های خود کمک می‌کند. در حالی که خود او نیز مثل آن‌ها دانشجو است اما آن قدر در خود اعتماد به نفس می‌بیند که تصمیم می‌گیرد کلاس آنلاین بگذارد و به دیگر دانشجو‌ها کامپیوتر آموزش بدهد.

«این دید را اندکی گسترش دهیم و دیگر دانش‌آموزان را نیز در نظر بگیریم که از مدرسهٔ تابستانه استفاده می‌کنند. از نظر شما حضور در مدرسهٔ تابستانهٔ راه رشد چقدر برای دانش‌آموزان مفید است؟»

از نظر من که مفید است. به‌ویژه که اکثر بچه‌ها تک‌فرزند هستند و این دوره‌ها برای آن‌ها بسیار مؤثر است که ارتباط اجتماعی با بچه‌های هم‌سن‌وسال خود ایجاد کنند و آن را در طول سال حفظ کنند. با همدیگر فعالیت‌های گروهی را تجربه می‌کنند و بزرگ‌ترین موضوع مثبتی که در راه رشد مطرح است این است که بچه‌ها حامی همدیگر هستند و رفاقت و حمایت، جای خود را به رقابت داده است. ای کاش راه رشد دانشگاه داشت و این یکی از بزرگ‌ترین دغدغه‌هایی است که دختر من این روزها که دانشجو شده است مطرح می‌کند که ای کاش راه رشد در دانشگاه نیز ادامه داشت.

«ارزیابی شما از مدرسهٔ تابستانهٔ راه رشد چیست؟»
ما در تمام زمینه‌هایی که در مدرسهٔ تابستانه برای دخترمان انتخاب کردیم و او ادامه داد، رشد بچه‌ها و دخترم را به چشم دیدیم. حتی ورزش روتین که در کلاس‌ها انجام می‌شود نیز در راه رشد جدی گرفته می‌شود و برای وقت دانش‌آموزان ارزش قائل بودند و این بسیار با ارزش بود که در راه رشد، فرآیند رشد دانش‌آموزان به‌صورت عینی و واقعی جدی گرفته می‌شود. در واقع هر کسی به نوبهٔ خود با عشق کار خود را به‌درستی انجام می‌دهد و این بزرگ‌ترین دستاورد راه رشد است. واقعاً خانوادهٔ ما می‌شوند.

انجمن اولیا

تابستان، انرژی، حرکت

گفت‌و‌گو

آذر عسگریان

عضو انجمن اولیا و مربیان

از دو سال پیش عضو دبیر انجمن اولیا و مربیان است. دو فرزند پسر و دختر او در راه رشد مشغول به تحصیل هستند و هر دو از مدرسهٔ تابستانهٔ راه رشد استفاده می‌کنند. خانم عسگریان دربارهٔ حضور فرزندانش در مدرسهٔ تابستانهٔ راه رشد توضیح می‌دهد.

برای پسرم نریمان، ما دو گزینهٔ «MoiSchool» و کمپ تابستانه را داشتیم و انتخاب کردیم که در هر دو شرکت کند. اما برای دخترم که در مقطع متوسطه است، کمپ تابستانه کمتر حالت انتخابی دارد و بیشتر همسو با ادامهٔ مسیر در آغاز سال تحصیلی جدید در مهر ماه است. حداقل فایدهٔ حضور در کمپ تابستانه این است که مطالب از ذهن دانش‌آموز فراموش نمی‌شود و در آغاز سال تحصیلی جدید که یک پراکندگی اطلاعات به دلیل دوری سه‌ماهه از محیط آموزشی ایجاد شده است، با حضور در این کمپ، با حداقل فراموشی ذهنی سال جدید را آغاز می‌کنند و آموزه‌هایی که در تابستان در حال فرونشست و فراموشی در پس ذهن هستند یادآوری می‌شوند.

«چه شد که تصمیم گرفتید هر دو فرزند شما از مدرسهٔ تابستانه استفاده کنند؟»

بزرگ‌ترین دلیل این بود که نیازهای آموزشی و فراغتی فرزندان من در طی تابستان در مدرسهٔ تابستانه لحاظ می‌شود. همچنین هماهنگ بودن فضای آموزش و فراغت با آنچه در طول سال تحصیلی کسب می‌کند باعث می‌شود بچه‌ها همسو با مدرسه پیش بروند. نیز هماهنگی معلم‌ها با محیط آموزشی مدرسه و آگاهی از مسیر آموزشی که قرار است از مهر ماه تدوین و تدریس شود نیز دلیل مهم دیگری است که ما را مجاب کرده است هر ساله فرزندانمان از امکانات مدرسهٔ تابستانهٔ راه رشد استفاده کنند.

«رویکرد و نگرش بچه‌های شما با حضور در مدرسهٔ تابستانه تغییری کرده است؟»

دخترم حضور در مدرسه را بسیار دوست دارد. فکر می‌کنم مهم‌ترین دلیل این علاقهٔ خود محیط مدرسه است که این فضا را ایجاد کرده است. مجموعهٔ معلمان و مدیران و مسئولان باعث شدند که فرزند من به محیط علاقه‌مند شود و در مدرسه خوشحال‌تر است. از نظر اجتماعی و نوع برخورد و تعامل با دیگران نیز او را دختر قوی‌تر و اجتماعی‌تری می‌بینم.



«حضور بچه‌ها در مدرسهٔ تابستانهٔ راه رشد را چقدر مفید می‌دانید؟»

ببینید، سه دسته خانواده داریم که از این امکانات استفاده می‌کنند. یک دسته آن‌هایی هستند که نگهداری از فرزندانشان در تابستان برایشان مقدور نیست، دستهٔ دوم خانواده‌هایی هستند که صرفاً اوقات فراغت فرزندان خود را با مدرسهٔ تابستانه پر می‌کنند و دستهٔ سوم کسانی هستند که احساس می‌کنند مدرسه جای امنی برای فرزندشان است.

فرزندان من جزو افرادی هستند که مدرسهٔ تابستانه برای آن‌ها بسیار لذت‌بخش است و جمع‌بندی خوبی هم در زمینهٔ محتوای آموزشی دریافت خواهند کرد؛ چرا که در تابستان، اضطراب امتحان ندارند و با این رویکرد با آرامش بیشتری مشغول به یادگیری می‌شوند. یکی از دلایلی که دانش‌آموزان دوست دارند که از مدرسهٔ تابستانه استفاده کنند همین است که فشار مضاعف سال تحصیلی را ندارند و تفریح برایشان پررنگ‌تر است. مدرسهٔ تابستانه، برای روبرو شدن با اضطراب‌های سال جدید خیلی خوب است.

«اگر بخواهید پیشنهادی برای مدرسهٔ تابستانهٔ راه رشد بدهید، به چه نکاتی اشاره می‌کنید؟»

می‌توان زمانی را به انتخاب دانش‌آموزان برای رهاسازی روح و روان آن‌ها در نظر گرفت. می‌توان گزینه‌هایی را با توجه به علایق و امکانات طرح تابستانه در نظر گرفت تا دانش‌آموزان خودشان انتخاب کنند و در آن‌ها شرکت کنند. این فضا می‌تواند کلاس فرهنگی و هنری تا ورزش‌هایی از قبیل یوگا باشد تا با این کلاس‌ها بتوانند خود را تخلیهٔ روحی کنند؛ چرا که فقط مسئلهٔ درسی برای آن‌ها در اولویت نیست و آرامش جسمی و عاطفی آن‌ها نیز خیلی مهم است. اصلاً همین موضوع باعث می‌شود با انگیزهٔ بیشتری نیز در مدرسهٔ تابستانه شرکت کنند.





مریم تورجی

عضو انجمن اولیا و مربیان

انجمن اولیا آموزش کنترل احساسات و هیجان‌ات

در مدرسه تابستانه راه رشد

گفت و گو



دخترم از سه‌سالگی در راه رشد است. موفقیت‌های دخترم را به‌ویژه در آموزش زبان انگلیسی مدیون راه رشد هستیم. آوانیکا توانست نفر اول مسابقه «spelling bee» شود و بورسیه کینگز کالج لندن را دریافت کند. این موفقیت در حالی کسب شد که دختر من به‌هیچ‌وجه در کلاسی خارج از مدرسه راه رشد شرکت نکرد. هر آنچه هست با دپارتمان زبان راه رشد بوده است.

چه شد که تصمیم گرفتید از امکانات مدرسه تابستانه راه رشد استفاده کنید؟

به نظر من باید به این موضوع در سطح کلان‌تری نگاه کنیم. ما در سطح کشور مشکل آموزش در تابستان داریم. بچه‌ها را یک‌باره حدوداً چهار ماه رها می‌کنیم و همین بازه زمانی کافی است تا ذهن بچه‌ها به نقطه صفر آموزش بازگردد و دچار فراموشی شود. همیشه موفقیت و یادگیری نهایی با تمرین و ممارست به دست می‌آید. وقتی بچه‌ها آموزش داده می‌شوند صرفاً یک مبحث جدید را یاد می‌گیرند اما اینکه این مباحث در جایگاه‌های مغزی جایگزین شود تنها با تمرین کردن به دست می‌آید.

به نظر من چهار ماه خلأ آموزشی یک فاجعه است و ای کاش آموزش و پرورش ما به‌گونه‌ای بود که بین هر فصل بین ده تا پانزده روز تعطیلات داشتیم و بعد ادامه فرایند آموزش. من با شرکت دخترم در مدرسه تابستانه بازخورد خیلی خوبی گرفتم چون تابستان زمانی است که دانش‌آموزان فرصت دارند روی مهارت‌ها تمرکز کنند. کسب مهارت، هم در پیشرفت زندگی و هم برای حفظ آرامش و کنترل اضطراب ناشی از فشارهای زندگی روزمره بسیار مؤثر است. دختر من هر زمانی که احساس می‌کند فشاری به او وارد می‌شود، درس را برای مدتی رها می‌کند و شروع به نقاشی کشیدن می‌کند. هنر نقاشی را نیز مدیون راه رشد است چرا که به او یاد دادند که چگونه خود و احساسات و هیجان‌ات خود را با نقاشی کردن کنترل کند و دقیقاً بعد از نقاشی یک آدم جدید می‌شود و می‌تواند درس را ادامه دهد.

با حضور در مدرسه تابستانه، جدای از فرایند آموزشی که در طی سال تحصیلی در راه رشد اتفاق می‌افتد، چه تغییری در روحیات دختر شما ایجاد شد؟

مهم‌ترین تغییر این است که آوانیکا یاد گرفت زمانی که امتحان نیمسال دوم را تمام کرد، غمگین نباشد که ای وای مدرسه را از دست دادم و یا بیش از حد خوشحال نباشد که آخیش خلاص

شدم. این جمله اگر بر زبان دانش‌آموز بیاید نشان می‌دهد که بچه‌ها در طی نه ماه در فشار مضاعف قرار می‌گیرند و این جالب نیست. بچه‌ها باید از درس خواندن لذت ببرند و مدرسه تابستانه راه رشد به او کمک کرد که اولاً یاد بگیرد مدرسه زندان نیست و آن را خانه دوم خود می‌داند، دوماً توانست روابط اجتماعی خود را تقویت کند و ارتباط خوبی با بچه‌ها داشته باشد.

دختر من تک‌فرزند است و دوست داشتم بتواند ارتباط اجتماعی در او تقویت شود، چون در مدرسه تابستانه بازی و ورزش نیز در کنار فضایی برای مهارت‌آموزی در نظر گرفته شده است و این، ارتباطات را برای او خیلی زیاد کرد؛ به‌گونه‌ای که در طی سال تحصیلی مشکل ارتباطی با دانش‌آموزان نداشت.

چقدر حضور در مدرسه تابستانه را برای دانش‌آموزان راه رشد مفید می‌دانید؟

مدرسه تابستانه به نگرش بچه‌ها برای سال تحصیلی آینده جهت می‌دهد و روحیه بچه‌ها نیز جهت می‌گیرد. این مهم است که دانش‌آموز باید بداند با برداشتن قدم‌های کوچک است که به موفقیت می‌رسد و مدرسه تابستانه آغازی برای برداشتن قدم‌های بزرگ بعدی است.

فکر می‌کنید در مدرسه تابستانه راه رشد توازن بین تفریح و سرگرمی و کسب مهارت و دانش رعایت می‌شود؟

بله چون بر اساس سیاست‌های راه رشد، حتی در دوره نه ماهه سال تحصیلی که درس در اولویت است، دانش‌آموزان به‌صورت نامحسوس یادگیری را فرامی‌گیرند. آموزش در راه رشد چه در طول سال تحصیلی و چه در تابستان و شرکت در مدرسه تابستانه، نوین و خلاقانه است و این خیلی مفید بوده است.

ارزیابی شما از مدرسه تابستانه راه رشد چیست؟
از ده به آن نه می‌دهم و آن یک امتیاز هم به این دلیل است که شاید اطلاع‌رسانی به والدین درباره مدرسه تابستانه کم است.

اگر بخواهید برای مدرسه تابستانه برنامه‌ای پیشنهاد بدهید چیست؟

پیشنهاد من شناسایی ارائه درس‌هایی است که بچه‌ها ممکن است در آن ضعیف باشند و در کنار مدرسه تابستانه در آن دروس برای دانش‌آموزانی که ضعیف‌تر هستند کلاس جبرانی برگزار شود و این به نظر من بسیار کمک‌کننده خواهد بود.

انجمن اولیا یک رویکرد موفق تفریحی - آموزشی

گفت و گو



شریادیمی

عضو انجمن اولیا و مربیان

سارینا از زمان مهدکودک در راه رشد بود و حالا به کلاس یازدهم می‌رود. والدین او برای اینکه فرزندشان را در راه رشد ثبت‌نام کنند، مهدکودک‌های بسیاری را بررسی کردند و به گفته آن‌ها بهترین انتخابشان راه رشد بود و در تمام این سال‌ها از انتخاب خود راضی بوده‌اند. آن‌ها معتقدند سارینا خود را در راه رشد کشف و پیدا کرد و استعدادهای او در اینجا شکوفا شد چرا که راه رشد به این موضوع اهمیت می‌داد. راه رشد استعداد او در زمینه موسیقی را تشخیص داد و یا زمانی که فکر می‌کردند اینکه دخترشان با هر دو دست چپ و راست می‌نویسد یک مزیت است، مدرسه آن‌ها را به مجتمعی معرفی کرد تا تشخیص دهند که او راست‌دست است یا چپ‌دست.

درباره مدرسه تابستانه راه رشد توضیح دهید. دختر شما چقدر از امکانات آن استفاده کرده است و مدرسه تابستانه راه رشد را چطور ارزیابی می‌کنید؟

دختر من گاهی از آموزش زبان در تابستان استفاده می‌کرد. رویکرد مدرسه تابستانه خیلی خوب است. کلاس‌های زبان و ورزشی، اوقات فراغت دانش‌آموزان را پر می‌کند. از بچه‌ها به‌خوبی مراقبت می‌کنند و معتقدم اینجا نه تنها خانه دوم بلکه خانه اول دانش‌آموزان است.

با توجه به اینکه مدرسه تابستانه بچه‌ها را در تابستان نیز از مدرسه جدا نمی‌کند، در رویکرد آموزشی و اجتماعی آن‌ها چه تأثیری دارد؟

به‌طور کلی اگر فرایند آموزش در طی سال پیوسته باشد، رشد آن‌ها بیشتر است. دانش‌آموزانی که از مدرسه جدا نمی‌شوند و در تابستان نیز به مدارس تابستانه می‌آیند، مهرماه خیلی

بهتر سال تحصیلی را شروع می‌کنند و آمادگی بیشتری دارند. با اطمینان می‌گویم در مدرسه تابستانه این ذهنیت به دانش‌آموز منتقل نمی‌شود که فقط درس می‌خوانند و آن‌ها را از آموزش خسته کنند چون اوقات فراغت نیز به‌خوبی برایشان تنظیم شده است تا در این دوران به آن‌ها خوش بگذرد.

چه چیزی باعث می‌شود که بچه‌ها مجاب شوند در مدرسه تابستانه راه رشد شرکت کنند؟

یکی از دلایل این است که اجباری در کار نبود و دانش‌آموزان با حضور در مدرسه احساس خوشحالی می‌کنند. بعلاوه هر جا که به آن‌ها مسئولیت داده شد و آن‌ها را باور کردند، تأثیر آن را خواهند دید. در راه رشد به آن‌ها مسئولیت می‌دهند و این باور را در آن‌ها نهادینه می‌کنند که شما از پس این مسئولیت برمی‌آیید.

اگر بخواهید برنامه‌ای برای مدرسه تابستانه پیشنهاد دهید چیست؟

به نظرم نقش مشاوره می‌تواند پررنگ‌تر شود. به‌ویژه در مقطع متوسطه دوم که سال‌ها حساس است. وقتی دانش‌آموزان از هر چیزی خسته می‌شوند، یک مشاوره که از همین خانواده باشد و یک مأمور برای دانش‌آموزان باشد، کمک مؤثرتری خواهد بود. البته که دانش‌آموزان راه رشد دنبال الگو نیستند و این خیلی مهم است. در اینجا به کمک خانم اصلاح‌پذیر و دیگر مسئولان، فرزندان ما به‌گونه‌ای تربیت می‌شوند که فکر می‌کنند خودشان در آینده الگوی خوبی می‌شوند و تقویت اعتماد به نفس و عزت‌نفس به‌درستی در راه رشد رخ می‌دهد و در این مسیر اگر بخشی مثل مشاوره باشد که آن‌ها را هدایت کند تا احیاناً از این مسیر خارج نشوند بسیار خوب است.



آموزش در تابستان؛ تحقیقات چه می‌گویند؟

گزارش

در تابستان سال ۲۰۱۱، یازده جوان در یک برنامه آموزش تابستانه در مرکز طبیعت بوستون شرکت کردند. آن‌ها در زمین چمنی حاضر بودند، بادبادک‌های خود را طراحی و برای پرواز در آسمان راه‌اندازی کردند؛ اما شاهد بودند در عین حال که زیاد می‌دوند بادبادک‌ها ارتفاع کمی می‌گیرند. زمانی که بادبادک معلمشان شروع به ارتفاع گرفتن کرد، چشم‌ها بر یک نقطه متمرکز شدند. معلم از دانش‌آموزان خود خواست تا طناب بادبادک را کمی رها کنند. اندکی به آن‌ها کمک کرد و پس از ۴۵ دقیقه، آسمان مجموعه تا ارتفاعی بالاتر از ارتفاع درختان پر از بادبادک‌های رنگارنگ شده بود. او با این روش، موضوع ارتفاع و انرژی و نیروی پتانسیک را در کلاس ریاضی به دانش‌آموزان خود یاد داد. این تصویر بخشی از تحقیقی است که توسط یک گروه پژوهشی در یک مؤسسه ملی در ماساچوست انجام شده است. این مجموعه با همکاری مجموعه گسترده‌ای در سراسر شهرهای ایالت، کیفیت و شیوه‌های برنامه‌های یادگیری در تابستان را به‌منظور بررسی تأثیر آموزش تابستانی و زمینه‌های این آموزش بر رشد جوانان ارزیابی کرده است. در این تحقیق بیش از ده هزار

دانش‌آموز بررسی شدند و دوازده مدرسه در سراسر ماساچوست و رودآیلند همکاری داشتند. نتایج تحقیقات نشان داد که برنامه‌های تابستانی حداکثر تأثیر مثبت را برای جوانان دارند، به شرط آنکه شرایط زیر برای آن‌ها لحاظ شود:

- ۱- پنج تا شش هفته برنامه روزانه با سه الی چهار ساعت آموزش آکادمیک روزانه
- ۲- ساختاری که زمان کافی و حداکثری را برای انجام تکالیف تضمین می‌کند
- ۳- کلاس‌های کم‌جمعیت (حداکثر پانزده نفر)
- ۴- برنامه درسی‌ای که به‌خوبی با برنامه درسی سال تحصیلی هماهنگ است
- ۵- حضور پایدار و منسجم دانش‌آموزان در کلاس درس.

برای خواندن متن کامل این پژوهش می‌توانید اینجا را مشاهده کنید.

[https://www.wcwonline.org/pdf/ghall/Hall_et_summer_learning.pdf_\(۲۰۱۷\)_al](https://www.wcwonline.org/pdf/ghall/Hall_et_summer_learning.pdf_(۲۰۱۷)_al)

آموزش در تابستان آری یا نه؟

گفت‌وگو

شهرام طهماسبی، معلم اجتماعی دبستان و متوسطه دوره اول پسرانه راه رشد است. او حدود یازده سال است که در تعاونی فرهنگی و آموزشی راه رشد مشغول به تدریس است و آشنایی خوبی با سیستم آموزش در ایران دارد. نظر آقای طهماسبی را درباره آموزش در تابستان جویا شدیم که در ادامه می‌خوانید.



شهرام طهماسبی

معلم اجتماعی دبستان پسرانه
و متوسطه دوره اول پسرانه

سؤال اول را درباره آموزش تابستانه می‌پرسم؛ آموزش در تابستان آری یا نه؟

موافق آموزش به این صورت که شیوه مرسوم آموزش در سال تحصیلی را دوباره در تابستان نیز دنبال کنیم نیستیم. به این دلیل که دانش‌آموزان احتیاج دارند بعد از یک دوره طولانی تحصیلی، زمانی داشته باشند که بتوانند با انرژی بیشتری سال تحصیلی جدید را شروع کنند؛ اما برای اینکه بتوان دانش‌آموزان را همچنان در فضا نگه داشت، مدارس تابستانه خوب‌اند و می‌توان آموزش به‌صورت کلاسیک را از این فضا در تابستان حذف کرد و چهره عملی‌تری به آن داد. برای مثال کارگاه‌های آموزشی و عملی باید وزن بیشتری بگیرند و حضور در کلاس و کسب نمره کم‌رنگ‌تر باشد.

تابستان در دورانی که خودتان مشغول به تحصیل بودید، با تابستان در حال حاضر چه تفاوتی دارد؟ به‌ویژه اینکه امروزه اکثر خانواده‌ها تک‌فرزند هستند و ارتباطات و تعامل با همسالان متفاوت است. با این شرایط آیا این ضرورت احساس می‌شود که مدرسه تابستانه وجود داشته باشد؟

شرایط بسیار متفاوت است. در دهه‌های گذشته شرایط تحصیل و آموزش ما و کل کشور متفاوت بود. برای نمونه فضای شهری که ما داشتیم به‌گونه‌ای بود که دانش‌آموزان می‌توانستند در محله خود دور هم باشند و گذران اوقات فراغت کنند اما در شرایط کنونی چنین چیزی امکان‌پذیر نیست. خانه‌ها اکثراً آپارتمانی است، تعاملات همسایه‌ها متفاوت شده است و اگر دقت کنید مثل قدیم بچه‌ها را در خیابان و در حال بازی و تعامل با همدیگر نمی‌بینیم.

از این رو معتقدم بهتر است به سمت فعالیت‌های عملی رفت و همان کارها و فعالیت‌هایی که در تابستان‌های قدیم در محلات اتفاق می‌افتاد با توجه به ظرفیت‌های کنونی و به‌صورت

مهندسی شده، با برنامه و در قالب کلاس‌های متعدد و متنوع مانند ورزش، هنر، تجربه و... برگزار کرد. حتی اگر قرار است کلاس ریاضی و فیزیک و شیمی هم برگزار شود از مدل کلاس‌های مرسوم فاصله داشته باشد تا بازدهی بیشتری داشته باشد.

در همین رابطه، به‌ویژه در درس‌های تخصصی در آموزشگاه‌های خارجی مرسوم است که در پروژه مدرسه تابستانه، دانش‌آموزان را به اردوهای تابستانه و یا دانشگاه‌هایی می‌برند تا با رشته‌های تخصصی دانشگاهی و محیط آموزش در مقاطع بالاتر آشنا شوند تا برای انتخاب خود دید بهتری داشته باشند. فکر می‌کنید (با توجه به اقتضائات کشورمان) اگر ما نیز چنین اقدامی کنیم مناسب است یا نه؟

به‌طور کلی با اینکه ببینیم در کشوری دیگر چه کاری انجام می‌شود و همان کار را در ایران انجام دهیم مخالف هستیم. چرا که آن‌ها بر اساس مطالعات و پژوهش‌ها و نیازهای کشور و جامعه خود یک سیستم آموزشی را راه‌اندازی کرده‌اند. برای مثال سیستم آموزشی مدارس فنلاند، ژاپن و آمریکا، هر کدام با همدیگر متفاوت‌اند و این ارزیابی که کدام سیستم کارآمدتر است چندان قابل‌سنجش نیست چرا که هر کدام از این کشورها بر اساس درخواست و نیاز آن جامعه و چارچوب‌های حاکم و پژوهش، یک برنامه آموزشی در نظر می‌گیرند.

در کشور ما پژوهش منسجمی در کل سیستم آموزشی وجود ندارد و وارد کردن چارچوب آموزش کشورهای دیگر بیشتر باعث سردرگمی می‌شود. کار درست این است که ابتدا با توجه به سیاست‌های کلی کشور و امکانات و ظرفیت‌های موجود و درخواست اجتماعی خانواده‌ها، پژوهش‌های گسترده‌ای انجام دهیم و بر اساس این‌ها برنامه آموزشی خودمان را تدوین کنیم تا بتوانیم در آموزش فرزندانمان موفق باشیم.



علی حسینی

مسئول کمپ زبان

کمپ تابستانه راه رشد یک زندگی واقعی گفت و گو

کمپ زبان، یکی از سه کمپ تابستانه تعاونی فرهنگی و آموزشی راه رشد است که خانواده‌ها از آن استقبال کرده‌اند. فعالیت‌های متفاوت آموزشی در این کمپ از جمله دلالی است که فرزندان راه رشد را به ادامه فرآیند آموزش زبان در تابستان مشتاق می‌کند. با علی حسینی، مسئول کمپ زبان تعاونی فرهنگی و آموزشی راه رشد درباره کمپ تابستانه زبان گفت‌وگویی داشتیم که در ادامه می‌خوانید.

کمپ زبان

«ابتدا درباره کمپ تابستانه زبان انگلیسی توضیح دهید.»

این کمپ یک تفاوت آشکار با دیگر دوره‌های آموزش زبان دارد. کمپ ما یک زندگی واقعی است و بچه‌ها به مدت پنج ساعت با فعالیت‌های روزمره زندگی به زبان انگلیسی آشنا می‌شوند. در واقع ما یک دنیای واقعی از یک محیط خارجی را برای بچه‌ها فراهم می‌کنیم. برای مثال یک روز آموزش ما با محور کارهای آشپزخانه است، یک روز بر محور کمپینگ و پیک‌نیک، یک روز ورزش و امثالهم و همه این‌ها به زبان انگلیسی اجرا می‌شود و کودک ما خود را در یک موقعیت واقعی زندگی به زبان انگلیسی می‌بیند و تلاش می‌کند تا از آنچه یاد گرفته است و آنچه در طی روز به او آموزش داده می‌شود برای برقراری ارتباط استفاده کند.

«پشت این شیوه برگزاری کمپ تابستانه چه اهدافی قرار دارد؟»

ما اهداف متفاوتی را دنبال می‌کنیم. یکی از آن‌ها ایجاد علاقه و انگیزه برای زبان‌آموزی است. تجربیات ما نشان داده است آن کودکانی که حتی در طول سال تحصیلی مشارکت کمی دارند، پیشرفت‌های قابل‌توجهی در یادگیری زبان داشتند چرا که حتی با وجود علاقه نداشتن، از طریق بازی و سرگرمی آموزش دیده‌اند و این آموزش در ذهن آن‌ها نقش بسته است.

«تفاوت شیوه آموزش شما با دیگر مؤسسات و مراکز آموزشی زبان در چیست؟»

ما تدریس را از فرآیند آکادمیک خارج کردیم و از یک سالن مشترک برای آموزش استفاده می‌کنیم. یعنی بچه‌ها از قوانین آکادمیک و نشستن پشت نیمکت‌های درس فارغ هستند و استقلال بیشتری دارند. از آن‌ها خواسته می‌شود که برای رفع نیازهای خود در کلاس درس تلاش کنند و ارتباط بگیرند. برای مثال صبحانه را خودشان تهیه کنند و با این روش‌ها علاوه بر مهارت‌های گروهی، مهارت‌های فردی آن‌ها را چه در زبان‌آموزی و چه در زندگی روزمره تقویت می‌کنیم.

«در کمپ مسابقاتی هم برگزار می‌کنید. درباره آن‌ها و هدف از این مسابقات نیز لطفاً توضیح دهید.»

در مسابقات بیشتر روی مهارت‌های گروهی بچه‌ها کار می‌کنیم. همچنین توسعه مهارت‌های اجتماعی آن‌ها برای ما مهم است و با مسابقات گروهی، دوستیابی را نیز تقویت می‌کنیم.

«بچه‌ها هر روز بر روی محور مشخصی متمرکز هستند. درباره محورهای آموزشی و هدف از این مسابقات را توضیح دهید.»

ما هر روز زمینه (Theme) متفاوتی در نظر می‌گیریم. برای مثال در روز تکنولوژی علاوه بر آشنایی آن‌ها با مفاهیم تکنولوژی به زبان انگلیسی، داده‌ای نیز به ساعات پس از کمپ بچه‌ها اضافه می‌کنیم. ما یک سایت هوش مصنوعی را به خانواده‌ها معرفی کردیم که تصویر نقاشی بچه‌ها را به انیمیشن تبدیل می‌کند و این دنبال کردن ادامه ماجرای تدریس در کمپ در خانه، زبان را به خارج از ساعت برگزاری کمپ نیز گسترش دادیم.

روزی که زمینه (Theme) ما مربوط به علم مهندسی بود، ساخت سازه‌های ماکارونی را در دستور کار قرار دادیم و به آن‌ها یاد دادیم هر زمانی که بتوانید مسئله‌ای را ارزیابی، مهندسی و حل کنید، شما در واقع یک مهندس هستید. در روز موسیقی به بچه‌ها اجازه دادیم هر کسی ساز خود را بیاورد، بچه‌ها را در گروه‌ها گذاشتیم و هم اجرای کار گروهی را به آن‌ها آموزش دادیم و هم اعتماد به نفس آن‌ها را در پی اجرا در گروه همسالان خود تقویت کردیم.

«چه چیزی باعث می‌شود بچه‌ها مشتاق شوند و در کمپ تابستانه زبان شرکت کنند؟»

شخصاً فکر می‌کنم بچه‌ها احتیاج به فعالیت‌های تابستانی دارند و نیاز است که در آموزش تابستانه از مدل آموزش مدرسه به دور باشند و فکر می‌کنم این کمپ جایی است که باتری‌های آن‌ها را شارژ می‌کند تا آماده ورود به سال تحصیلی بعدی شوند.

«الگوهای آموزشی خود را چطور تقویت می‌کنید؟»

سعی می‌کنم مقاله و کتاب در زمینه بازی و خلاقیت مطالعه کنم و با الهام گرفتن از آن‌ها معمولاً ایده‌های آموزش را خودم خلق می‌کنم. ایده‌پردازی می‌کنیم که روی چه سوژه و هدفی قرار است آموزش بدهیم و بر مبنای همان سوژه، تمام برنامه‌ریزی‌ها را تعریف می‌کنیم.

«و سؤال آخر، شما از دانش‌آموزان راه رشد هم در آموزش به کودکان استفاده می‌کنید. با این کار چه هدفی را دنبال می‌کنید؟»

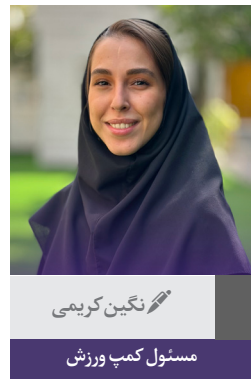
این موضوع چند بعد دارد. یک تجربه آموزش دادن به کودکان، آن هم در فضایی که خودشان آن را تجربه کردند. دانش‌آموزان به عنوان دستیار در کنار ما قرار می‌گیرند و علاوه بر آشنایی با تجربه آموزش، اعتماد به نفس آن‌ها بالا می‌رود، تابستان مفیدی دارند و در آینده نیز این تجربه‌ها برای آن‌ها مفید خواهد بود.





کمپ تابستانه راه رشد کشف استعداد های ناشناخته

گفت و گو



نگین کریمی

مسئول کمپ ورزش

نگین کریمی، مسئول کمپ ورزش دختران راه رشد است. او درباره مزایای برگزاری کمپ ورزش و انگیزه‌ای که در پی برگزاری این کمپ در دانش‌آموزان ایجاد شده است توضیح داده است که در ادامه این گفت‌وگو را می‌خوانید.

لطفاً درباره کمپ ورزش راه رشد توضیح دهید.

کمپ ورزش دخترانه دو روز در هفته برگزار می‌شود. ابتدا آمادگی جسمانی را در قالب بدن‌سازی و متناسب با سن دانش‌آموزان انجام می‌دهیم و هدف اصلی این است که عوامل اصلی آمادگی جسمانی را در دانش‌آموزان تقویت کنیم و زمینه و اساسی ادامه تمرین‌های تخصصی‌تر را در آن‌ها پایه‌گذاری کنیم و دانش‌آموزان عملکرد بهتری داشته باشند.

بعد از این بخش دانش‌آموزان یک استراحت کوتاه و فعالیت‌های تفریحی خواهند داشت و در ادامه در تمرین‌های کلاسی والیبال که یک تمرین توپی و گروهی است شرکت می‌کنند. در واقع در یک ورزش مهارتی و تخصصی که دانش‌آموزان را برای شرکت در این ورزش در سطوح حرفه‌ای آماده می‌کنیم و در کنار آن استعداد دانش‌آموزان نیز برای ورزش‌های فردی و گروهی ارزیابی می‌شود.

رویکرد و هدف شما از برگزاری کمپ ورزش چیست؟ با توجه به اینکه اکثر دانش‌آموزان حضور برای فعالیت ورزشی را بدون چون و چرا قبول می‌کنند، چه اقدامی کمپ ورزش راه رشد را از دیگر فعالیت‌های ورزشی متمایز می‌کند؟

استقبال دانش‌آموزان از کمپ ورزش خیلی خوب است. اینکه مهارتی را یاد می‌گیرند و در کنار ورزش کردن یک تفریح هم هست برای آن‌ها جذابیت دارد. رویکرد اصلی امسال ایجاد علاقه در دانش‌آموزان برای داشتن یک زندگی سالم‌تر و فعالیت بدنی منظم است که با علاقه آن را پیگیری کنند و در سال‌های بعدی زندگی خود هم ادامه دهند. یکی از مهم‌ترین رویکردها نیز استعدادیابی است و با کشف استعداد تلاش می‌کنیم تا مشوق

کمپ ورزش

آن‌ها باشیم که در رشته مشخصی که استعداد قابل قبولی دارند فعالیت خود را ادامه دهند و پیشرفت داشته باشند و علاقه و انگیزه حضور ورزش در زندگی روزمره آن‌ها تقویت شود. با توجه به تجربه‌ای که در این سال‌ها داشتیم اگر کمپ ورزش با مدیریت درست و برنامه‌ریزی دقیق و رویکرد سلامت‌محور پیش رود که در راه رشد همین بوده، باعث می‌شود مسیر مشخصی برای آن‌ها در سنین کم پدیدار شود و تمایزی با دیگر دانش‌آموزان خواهند داشت و مقاومت بدنی بالاتری دارند و فعالیت‌های بدنی خود را هدفمند پیش خواهند برد که این موضوع به آن‌ها اعتماد به نفس و انگیزه هم می‌دهد.

تفاوت کسانی که پیوسته ورزش می‌کنند و در کمپ تابستانه نیز هستند بسیار فاحش است. آن‌ها مقاومت بدنی بسیار بالایی دارند و در روند آموزش مهارتی آن‌ها نیز تأثیر بسیار مثبتی دارد.

مزیت‌های ورزش در تابستان در محیط مدرسه چیست؟

ورزش در تابستان و تعامل دانش‌آموزان در تابستان، آن‌ها را از محیط مدرسه دور نمی‌کند. همچنان در محیط آموزشی هستند و در کنار دوستان خود اوقات فراغت را می‌گذرانند و در کنار این‌ها، آموزش نیز داده می‌شود و دانش‌آموزان از مسیر آموزش خارج نمی‌شوند اما با ویژگی‌هایی که در طول سال وجود ندارد. روحیه دانش‌آموزان در کمپ ورزش بسیار بالا می‌رود و سال تحصیلی را با انگیزه و هیجان بیشتری شروع می‌کنند و عملکرد سال تحصیلی آن‌ها نیز بهتر می‌شود.

کمپ تابستانه راه رشد هنر آموزش اصالت ایرانی

گفت و گو



شیرین هاشمیان

مسئول کمپ هنر

درباره ایده شکل‌گیری کمپ هنر در تابستانی که گذشت توضیح دهید.

قبل از نورز کارگاهی با موضوع «ایران من» برگزار کردم که به پیشواز نوروز می‌رفتیم. در آن کارگاه‌ها به دانش‌آموزان مراسم نوروز و ریشه آن‌ها و گزیده‌ای از مراسم نوروزی در اقوام مختلف را تدریس کردیم. دلم می‌خواست که این کارگاه ادامه‌دار باشد و در ذهن آن‌ها ماندگارتر شود. استقبال از کارگاه خوب بود و دانش‌آموزان آموزش خود را به خانه هم منتقل می‌کردند و خانواده‌ها نیز به آن توجه کردند و لذا تصمیم گرفتم کارگاه «ایران من» را به کمپ تابستان ارتباط بدهم و همان محور را در تابستان نیز ادامه دهیم.

چه محتوای آموزشی از کارگاه «ایران من» در کمپ تابستان هنر آموزش داده می‌شود؟

در کارگاه یک نقشه ایران داریم که اقوام مختلف ایران را نشان می‌دهد و پوشش گیاهی مناطق مختلف ایران و حیوانات مناطق مختلف نیز نشان داده شده است. کمپ ما ابتدا با یک قصه آغاز می‌شود. قصه‌هایی از اقوام مختلف ایران که با ذکر نشانه‌هایی از اقوام مختلف قصه‌ها بازگو می‌شود تا با ادبیات فولکلور ایران آشنا شوند و ریشه اقوام و ادبیات اقوام در ایران را یاد بگیرند. در این مسیر بچه‌ها با میراث ملموس و ناملموس آشنا شدند و یاد گرفتند زمانی که یک قصه سینه به سینه بازگو می‌شود از کجا نشئت می‌گیرد و چه هدفی پشت آن است.

دانش‌آموزان ساخت دست‌سازه‌های هنری را نیز در این کمپ فرا می‌گیرند. هدف از این اقدام در کمپ هنر چه بود؟ بچه‌ها دست‌سازه‌هایی از اقوام مختلف را درست می‌کنند.

کمپ هنر

شیرین هاشمیان، مسئول برگزاری کمپ تابستان هنر در تعاونی فرهنگی و آموزشی راه رشد است. با او درباره این کمپ و برنامه‌های تابستانی که گذشت گفت‌وگو کردیم که در ادامه می‌خوانید.

عروسک‌های خمیری که لباس اقوام مختلف را به تن دارند که هم خلاقیت آن‌ها را تقویت می‌کنیم و هم هنر استفاده از دست‌ان خود برای خلق کردن یک اثر هنری را به آن‌ها آموزش می‌دهیم. ساخت گلیم نیز یکی دیگر از برنامه‌های ما بود و در تمام این مراحل تأکید می‌کردم استفاده از محصولات بازیافتی و دوباره به کار گرفتن مواد به‌جامانده از اثر هنری پیشین باید اجرایی شود و بچه‌ها به آن‌ها به‌خوبی توجه می‌کردند. آشنایی با موسیقی اقوام، نمایش ویدئویی از هنرهای نمایشی اقوام نیز از دیگر برنامه‌هایی است که در این کمپ اجرا می‌کنیم. در انتهای این کمپ قرار است یک عروسک نمایشی با همکاری همدیگر آماده کنند و لباس قومیتی را به تن داشته باشند که با شناخت و طراحی خود بچه‌ها آماده شده است. در پایان نیز نمایشگاهی از دست‌سازه‌های بچه‌ها در این مدت برگزار خواهد شد و می‌توانند به همراه خانواده‌ها از آثاری که خلق کردند بازدید کنند.

واژ تجربه خودتان در پی برگزاری این کمپ بگویید.

این کارگاه فقط ساخت و آموزش کاردستی نبود، کارگاهی بود که به ریشه‌های ایرانی وصل بود و در عین حالی که به دانش‌آموزان تکنیک‌های هنری یاد می‌دادیم، به آن‌ها درباره اصالت خودشان نیز آموزش می‌دادیم.

در کمپ، بازی‌های گروهی را نیز طراحی کردیم. بازی‌های ایرانی و سنتی قدیم و حتی بازی‌های جدید ایرانی را به آن‌ها یاد دادیم و با همدیگر بازی کردند و سعی کردیم با اجرای گروهی بازی‌ها، روحیه کار گروهی را در آن‌ها تقویت کنیم و تمرین کردیم که در گروه باید حواس ما به همدیگر باشد.





جابه‌جایی مقاطع تحصیلی

یک تغییر جدید، یک شروع دوباره

گزارش

یک تغییر جدید! یک شروع دوباره
توسعه یکی از اهداف و چشم‌اندازهای استراتژیک مجموعه فرهنگی و آموزشی راه
رشد است و در همین راستا توسعه دبستان‌ها و دریافت مجوز هنرستان در دستور
کار قرار گرفت و سیاست مجموعه بر آن شد که دبستان‌های دخترانه و پسرانه (با
حفظ تفکیک) کنار هم باشند.
ساختمانی درخور برای هر کدام از مراکز متوسطه اول و دوم دخترانه انتخاب شد
و به آنجا نقل مکان کردند و در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ شاهد اتفاقاتی نو و
شروعی جدید در راه رشد خواهیم بود.





کمپ تابستانه راه رشد مدرسه در دست بچه‌ها

گزارش

مدرسه در دست بچه‌ها یک پروژه مشارکتی است که هر ساله در تعاونی فرهنگی و آموزشی راه رشد با شور و هیجان خاصی برگزار می‌شود. دانش‌آموزان از هفته‌های قبل خود را برای این رویداد آماده می‌کنند و یک هفته یکی از خاص‌ترین تجربه‌های دوران تحصیل خود را رقم می‌زنند. برای همه سمت‌ها یک نقش تعریف شده است و هر دانش‌آموز منتخب، مسئول واقعی آن خواهد بود. البته که کادر اداری، همراهی و همفکری لازم را با آن‌ها خواهند داشت اما این یک فرصت متفاوت برای کشف دنیای ناشناخته درون خود و باز شدن دریچه‌های جدید آگاهی به روی دانش‌آموزان است. در اسفندماه سال ۱۴۰۲ نیز یک رویداد دیگر با همراهی همه دانش‌آموزان راه رشد برگزار شد و با هم و در کنار هم یکبار دیگر فرزندان راه رشد را به باور توانمندی رساندیم.





جشن الفبا



به شکرانه دانایی

حرف به حرف یاد گرفتند تا روزی برای بیان خود به دست‌هایی بلند و مطالبه‌گر برسند. ساکنان پله اول شهر دوستی، به شکرانه دانایی، در جشن الفبا شرکت کردند تا باسوادشدنشان را در کنار والدین و معلم‌های خود جشن بگیرند و بخشی از سوادهایی را که در طی یک سال آموزش یاد گرفتند در این روز شاد به نمایش بگذارند.



جشن نوروز

روز زمین پاک



روز درختکاری



جشن یلدا



جشن روز معلم



مجموعه‌ی دوازده جلدی نسل آلفا:

- * جلد اول، صحبتی پیرامون نسل‌ها
- # جلد دوم، تعریف نسل آلفا
- @ جلد سوم، دوران پاشکود استفاده از صفحه نمایش دیجیتال
- ^ جلد چهارم، نسل رفاه و بی‌زیستی
- // جلد پنجم، پرورش فرزندان نسل آلفا
- % جلد ششم، آموزش به نسل آلفا
- ~ جلد هفتم، آینده شغلی نسل آلفا
- = جلد هشتم، هدایت و رهبری نسل آلفا
- } جلد نهم، سبک زندگی نسل آلفا
- ! جلد دهم، رفتار مصرف‌کننده در نسل آلفا
- ؟ جلد یازدهم، دنیای نسل آلفا، پیش‌بینی آینده
- ؛ جلد دوازدهم، تجربه‌ی معلمان نسل آلفا



به بهانه رونمایی از کتاب «نسل آلفا»؛

فرزندانِ نسل استقلال و آزادیِ عمل

گزارش

در سال‌های اخیر ما با کودکان و نوجوانانی روبرو شده‌ایم که زاده‌ی قرن ۲۱ هستند؛ قرن تکنولوژی، هوش مصنوعی و دنیای ارزهای دیجیتال. آن‌ها زاده‌ی نسل آلفا هستند و در بستری کاملاً متفاوت از کودکان و نوجوانان قرن‌های دیگر رشد یافته‌اند. نسل استقلال و آزادی عمل که به راحتی نظرات خود را بیان می‌کنند، نقد می‌کنند و موافقت و مخالفت خود پیرامون پدیده‌ها را به صراحت ابراز می‌کنند. اگرچه در دوران همه‌گیری کرونا، سبک زندگی آن‌ها به کلی تغییر یافته است اما همین محدودیت، آن‌ها را به خوبی تاب‌آور کرده است و سازگاری و تعامل مثبت با ناملایمات به‌درستی در این نسل پرورش یافته است.

در تعاونی فرهنگی و آموزشی راه رشد به‌درستی به نسلی که پس از این پیش‌برنده جهان فردا خواهند بود توجه شده است و کتابی با همین موضوع به‌منظور آشنایی خانواده‌ها، کادر آموزش و مدیریت راه رشد تدوین و گردآوری شد. کتاب «نسل آلفا» نوشته‌ی مارک مکریندل و اشلی فل (با همکاری سم باکرفیلد) توسط گروه مترجمان ترجمه و سال گذشته از سوی تعاونی فرهنگی و آموزشی راه رشد رونمایی شد.

«این بچه به چه کسی رفته! نه من و نه پدرش هیچ‌کدام چنین ویژگی‌هایی نداریم و حتی در فامیل هم کسی چنین

ویژگی‌هایی ندارد.» این جمله سخن آغازین منتشر شده در این کتاب و در گفت‌وگو با اولیاست. جملاتی که در مواجهه با نسل‌های جدید فراوان تکرار می‌شود اما باید به دلایل این تکرار و شیوه مواجهه با آن‌ها آگاه بود. کتاب نسل آلفا در تلاش برای ترمیم شکاف بین نسل‌ها و ایجاد فضای همدلانه‌تر با نسل جدید است. این کتاب در مورد ویژگی‌ها و توانایی‌های نسل آلفا به ما می‌گوید و می‌کوشد تا نسل قبل یعنی والدین و معلمان را برای رسیدن به درک مشترک با آنان و ساختن فضای تعاملی و جهان بهتر و پایدارتر هدایت کند.

«مردم دوست دارند درباره نسل‌های مختلف حرف بزنند.» همین جمله می‌تواند خواننده را به دنبال کردن این کتاب ترغیب و مشتاق کند. در بخش نخست این کتاب شرحی بر انواع نسل‌ها شامل نسل خاموش، نسل پر نوزاد، نسل X، نسل Y، نسل Z و نسل آلفا نوشته شده است و درباره نام‌گذاری نسل جدید به نام آلفا، افسانه‌های مربوط به این نسل و ویژگی‌های آن متمرکز شده است. در ادامه نیز در مورد سبک‌های فرزندپروری، سنت‌ها و ترندهای نام‌گذاری کودکان این نسل و برخی نکات کلیدی دیگر بحث شده است.

درباره‌ی نسلی که می‌خواهد تلاشش دیده شود

گفت‌وگو



فاطمه مشیدی

معلم کلاس اول دبستان پسرانه

فاطمه مشیدی، معلم کلاس اول است. او حدود بیست سال است که مشغول تدریس و آموزش است و در فرآیند تدریس، تفاوت‌های نسل‌های مختلف را به خوبی دیده است و با تغییرات نسل‌ها آشناست. حالا چند سالی است که مخاطبان کلاس‌های او کودکانی از نسل آلفا هستند. او در گفت‌وگو با مجله نیمکت سفید از این نسل، ویژگی‌های آن‌ها و نحوه تعامل با آن‌ها در راه رشد سخن می‌گوید.

مثبت و چه منفی خوششان نمی‌آید. در نتیجه این نسل به ما دیکته می‌کند که ما باید برای تلاش آن‌ها ارزش قائل شویم و نه ویژگی‌های اکتسابی‌ای که خودشان در ایجاد آن نقشی نداشتند.» خانم مشیدی در ادامه درباره کتاب نسل آلفا و تأثیر آن در تعامل به صورت کامل آشنا شدیم. این شناخت به معلم‌ها کمک می‌کند تا بدانند باید چه رفتاری با کودکان و نوجوانان این نسل داشته باشند تا هم فرآیند آموزش تسهیل شود و هم بتوانیم تعامل بهتری با آن‌ها برقرار کنیم. اینکه بدانیم محیط‌زیست خود را چگونه می‌بینند به ما کمک خواهد کرد که با جهان‌بینی آن‌ها کلاس درس خود را تنظیم کنیم و آموزشی با کیفیت مطلوب داشته باشیم.»

او تأکید دارد که این نسل عاشق محیط‌زیست هستند و قدر محیط‌زیست و طبیعت را به خوبی می‌دانند و اهمیت حفظ جهان برای نسل خود و دیگر نسل‌ها برای آن‌ها روشن است و درباره آگاهی تعاونی فرهنگی و آموزشی راه رشد از آشنایی بیشتر با این نسل توضیح می‌دهد: «راه رشد به‌درستی و جلوتر از دیگر مدارس و حتی سیستم آموزش کشور این نسل و ویژگی‌های آن را شناخت و با برگزاری کلاس‌های آموزشی درباره این نسل ما را نسبت به آن‌ها آگاه‌تر کرد.»





مروری بر ارائه سواد سلامت در تعاونی فرهنگی و آموزشی راه رشد

سلامت سواد دارد

گزارش

اختصاص داده شده است؛ سلامت جسم و روح. راه رشد سواد سلامت را به‌عنوان یکی از سوادهای پنج‌گانه آموزشی خود نیز قرار داده است. هدف راه رشد از این اقدام آشنایی دانش‌آموزان با مباحث بهداشتی ریز و درشت، آگاهی از بدن خود و راه‌های مراقبت از خود، آشنایی با غذاهای سالم، بیماری‌های واگیردار و... است.

فضای سبز، گل‌دان‌های طبیعی و مراقبت از این گیاهان و طبیعت، بخشی از برنامه سلامت است. راه رشدی که از آغاز با شنای کودکانش آغاز شد، ورزش را اصلی قابل‌اعتنا می‌داند. ورزش در راه رشد موقعیتی است که فرزندان این آب و خاک فارغ از دغدغه‌ها، زندگی را بازی و تمرین کنند و برای درک وقایع غیرمنتظره زندگی واقعی، آماده شوند.

فرزندان راه رشدی از سال ۱۳۷۶ برای رفتن به استخر با دوستان و هم‌کلاسی‌هایشان، گزینه دیگری هم داشتند؛ مدرسه‌شنای راه رشد! این مدرسه طی سال‌ها، محدوده فعالیت خود را توسعه داد و هم‌اکنون پذیرای کودکان و دانش‌آموزان از مهدکودک تا مقطع متوسطه دوم است. آموزش در این مدرسه از اصول اولیه همچون آشنایی با آب شروع می‌شود و با کلاس‌های آموزش چهار شنای اصلی (کرال سینه، کرال پشت، قورباغه و پروانه)، کلاس‌های آموزش نجات‌غریق، کلاس‌های آموزش سینکرونایز (حرکات موزون در آب، ویژه دختران) و کلاس‌های آموزش واترپلو در سطوح مختلف ادامه پیدا می‌کند.

اصطلاح سواد سلامت به مفهوم یک مهارت شناختی و به‌عنوان مسئله‌ای مهم و تأثیرگذار در نظام مراقبت سلامت، نخستین بار در سال ۱۹۷۴ در یک رویداد آموزشی در مورد آموزش بهداشت، مطرح شد. اهمیت سواد سلامت در تأثیر بر نتایج سلامتی بیماران به‌خوبی شناخته شده است و نقش مهمی در تصمیم‌گیری افراد در مورد نیازهای حوزه سلامت خود ایفا می‌کند.

سواد سلامت به‌عنوان یک مهارت اجتماعی و شناختی، ابعاد مختلفی از قبیل کسب (access)، پردازش (appraising)، فهم (understanding) و اجرای دانش و اطلاعات سلامت به‌دست‌آمده (apply) دارد که توانایی فهم مفاد آموزشی به‌عنوان یکی از ابعاد آن، در بیماران اهمیت مضاعف دارد. در سال‌های اخیر سواد سلامت به‌عنوان یک مهارت مهم شناخته شده است. برای آموزش افراد معمولاً به سطح سواد عمومی افراد و نه لزوماً سواد سلامت آن‌ها توجه می‌شود. حال آنکه تفاوت بارزی بین سواد سلامت و سواد عمومی وجود دارد. سواد عمومی شامل توانایی خواندن، نوشتن و داشتن مهارت‌های پایه‌ای است. در مقابل، سواد سلامت به‌عنوان یک مهارت شناختی و اجتماعی تعریف می‌شود که توانایی افراد را در دستیابی و فهم و استفاده از اطلاعات در راستای ارتقای سلامت تعیین می‌کند.

تعاونی فرهنگی و آموزشی راه رشد نیز بر همین باور است که سلامت عاطفی و جسمی فرزندانمان اهمیت ویژه‌ای دارد تا جایی که یکی از ارزش‌های ده‌گانه راه رشد نیز به این عنوان

گفت‌وگویی به بهانه تدریس درس آینده‌پژوهی در راه رشد؛ پژوهشگران امروز و دنیاسازان آینده

گفت‌وگو



سوگل دانایی

معلم درس آینده‌پژوهی

«آینده‌پژوهی» عنوان درسی است که در تابستان سالی که گذشت به‌عنوان یکی از منابع آموزشی مقطع متوسطه در تعاونی فرهنگی و آموزشی راه رشد تدریس شد. درسی که قرار است بازتاب‌دهنده چگونگی زایش واقعیت «فردا» از دل تغییر (یا ثبات) «امروز» باشد. از همین رو گفت‌وگویی با سوگل دانایی، معلم این درس داشتیم که در ادامه می‌خوانید

لطفاً در ابتدا مختصری از خودتان بگویید.

من سوگل دانایی هستم، روزنامه‌نگار و مدرس ترم تابستان درس آینده‌پژوهی در مدرسه راه رشد

آینده‌پژوهی؟ این درس دقیقاً شامل چه مواردی است؟

خب این درس به‌تازگی به برخی از پایه‌ها اضافه شده است و رشته تلفیقی به حساب می‌آید. جالب است بدانید که ما در دانشگاه هم رشته آینده‌پژوهی داریم و برخی از کسانی که علوم پایه یا حتی مهندسی خوانده‌اند، می‌توانند در مقطع ارشد یا دکترا این رشته درسی را بخوانند.

دانش‌آموزان پایه هشتم و نهم در راه رشد چه چیزهایی می‌خوانند؟

ببینید ما طراحی درسی متفاوتی برای این رشته داشتیم. وقتی از آینده صحبت می‌کنیم شاید برخی یک تصویر از فیلم‌های ابرقهرمانی در ذهنشان تداعی شود یا برخی گمان کنند که مثلاً قرار است دنیا با ربات‌ها یا هوش مصنوعی احاطه شود. خب این تصاویر برای برخی ترسناک است و برای برخی دیگر احتمالاً جذاب. واقعیت اینجاست که تکنولوژی با سرعت سرسام‌آوری این روزها در حال گسترش و توسعه است و ما برای اینکه از این سرعت عقب نمانیم باید کمی مدام بخوانیم و علم خود را به‌روز کنیم.

یعنی بچه‌ها در این دوره درسی با هوش مصنوعی آشنا می‌شوند؟

هم بله هم خیر. ما در این درس چند طرح درس متفاوت برای جلسات مختلف دانش‌آموزان داشتیم. جلسه اول کمی از رشته آینده‌پژوهی با دانش‌آموزان صحبت کردیم و از پیش‌بینی گفتیم. واکنش دانش‌آموزان در جلسه اول برای من بسیار جالب بود. بسیاری از دانش‌آموزان تا حرف پیش‌بینی می‌شد آن را با پیش‌گویی اشتباه می‌گرفتند و از فال می‌گفتند. برخی از تجربیات فال قهوه صحبت می‌کردند. در جلسه اول از راه و روش درست پیش‌بینی آینده صحبت کردیم و این پرسش را در ذهن دانش‌آموزان ایجاد کردیم که آیا اصلاً آینده قابل پیش‌بینی است؟ در ادامه برایشان از روش‌های پیش‌بینی آینده در گذشته گفتیم. اینکه گذشتگان ما از روش‌هایی مانند «آسترلوژی» استفاده می‌کردند برایشان جالب بود. از رسانه‌ها گفتیم و از اینکه هر کدام از چه روشی برای پیش‌بینی و تخمین آینده استفاده می‌کنند.

و جلسات بعد؟

یکی از مهم‌ترین جلسات ما تأثیر هوش مصنوعی در مشاغل آینده بود. طبیعتاً انتخاب رشته و انتخاب شغل همواره ذهن دانش‌آموزان را به خود مشغول می‌کند. ما این پرسش را در ذهن دانش‌آموزان ایجاد کردیم که در عصر پیشرفت تکنولوژی چه مشاغلی می‌تواند همچنان مورد استقبال باشد یا اصطلاحاً همچنان بازار کار داشته باشد؟ بحث‌هایی که در کلاس شکل می‌گرفت واقعاً بی‌نظیر بود. برخی اطمینان صد درصد به پیشرفت تکنولوژی داشتند و تصور می‌کردند که در آینده نزدیک همه بیکار می‌شوند. برخی دیگر اما فکر می‌کردند که همچنان رشته‌های مرتبط با خلاقیت کارآمد هستند.

من در این جلسه از هوش مصنوعی پرسیدم که توصیه‌اش به دانش‌آموزان ایرانی در عصر پیشرفت تکنولوژی چیست و جالب است که هوش مصنوعی هم معتقد بود که رشته‌های هنر یا رشته‌هایی که به روابط انسانی ارتباط دارد همچنان به‌اصطلاح عامیانه «روی بورس» است.

برای بچه‌ها از رشته علوم داده گفتیم و آن‌ها را ترغیب به تفکر در رشته‌های تازه کردم. از آن‌ها می‌خواستم که فیلم‌های ابرقهرمانی ببینید یا داستان‌هایی در این حوزه بخوانند و در کلاس تعریف کنند.

اما یکی از جلساتی که برایشان بسیار جالب بود آشنایی با هوش مصنوعی و ابزارهای آن بود. اینکه چطور می‌توانند از هوش مصنوعی برای پیشبرد کارهایشان استفاده کنند و چطور تشخیص دهند که متنی یا تصویری با هوش مصنوعی ساخته شده است.

و به‌عنوان سؤال آخر واکنش دانش‌آموزان به این درس تازه چه بود؟

اولین روزی که سر کلاس رفتم همه با تعجب می‌گفتند این درس دقیقاً چیست؟ چطور آینده صاحب تاریخ می‌شود! در جلسه آخر یکی از دانش‌آموزان گفت که از وقتی در این کلاس شرکت کرده است به این موضوع هم توجه کرده است که رشته دانشگاهی‌اش باید در عصر پیشرفت هوش مصنوعی همچنان بازار کار داشته باشد. موضوعی که قبلاً به آن فکر نکرده بود! از این موارد باز هم شنیدم و به‌نظم همین جملات یعنی این درس و این کلاس رسالت خود را انجام داده است.





برای سلامتی فرزندان راه رشد

گفت‌وگو



پریسا عابد

معلم سواد سلامت

اهمیت سلامت و شادابی دانش‌آموزان موجب شد تا سواد سلامت به عنوان یکی از سوادهای پنج‌گانه در تعاونی فرهنگی و آموزشی راه رشد تدریس شود. در همین رابطه با پریسا عابد، معلم درس سواد سلامت گفت‌وگویی داشتیم که در ادامه می‌خوانید.

دهکده در مدرسه؛

تجربه‌های جدید در کنار مادر بزرگ‌ها و پدر بزرگ‌ها

گزارش



و سالم تهیه کنند. این رویداد علاوه بر اینکه پیوند میان نسل‌ها را تقویت کرد، به دانش‌آموزان ما کمک کرد تا مهارت‌های بنیادینی را که در کتاب‌های درسی آموزش می‌بینند تقویت کنند و نیز سواد سلامت آن‌ها ارتقا یابد. دانش‌آموزان ما در پایان از مادر بزرگ‌ها قدردانی کردند و گواهی‌نامه حضور در رویداد «دهکده در مدرسه» هم دریافت کردند.

اینجا آشپزخانه راه رشد است و امسال میزبان رویداد ویژه‌ای بودیم؛ رویداد «دهکده در مدرسه»! پدر بزرگ‌ها و مادر بزرگ‌ها تسهیلگر این رویداد بودند و حضور آن‌ها در کنار کودکان، یک تجربه شیرین و شگفت‌انگیز رقم زد. کودکان ما در این دوره یاد گرفتند ماست خانگی تهیه کنند، خیار شور و مربا آماده کنند و محصولات خانگی را به صورت ارگانیک



دهکده در مدرسه
VILLAGE AT SCHOOL

مشارکت دانش‌آموزان در این درس و اشتیاق آن‌ها برای یادگیری مباحث درس سلامت چطور بود؟

من از سطح کلاس راضی بودم ولی مطمئناً این موضوع خیلی به فضای کلاس، پرسش و پاسخ از دانش‌آموزان و مشارکت آن‌ها و راحت بودن دانش‌آموزان برای گفت‌وگو درباره مباحث مرتبط است. مثلاً در مورد عدم علاقه دانش‌آموزان به شیر و تشریح اهمیت مصرف شیر در کلاس یا مسواک نزدن دانش‌آموزان در شب، یک بحث کلی می‌کردیم و ضمن گفت‌وگو با دانش‌آموزان، آموزش می‌دادیم که چرا توجه به این موارد مهم است و تأثیر این گفت‌وگوها را نیز در دانش‌آموزان می‌دیدیم.

برای دانش‌آموزان کلاس اول یک نمایش عروسکی (راپاپامپا) را انتخاب کرده بودند که یکی از دلایلی این بود که مباحث سواد سلامت را به دانش‌آموزان آموزش بدهند. فکر می‌کنید این نمایش چقدر بر ذهنیت دانش‌آموزان تأثیرگذار بوده است؟

سال پیش نمایش ما درباره کوله‌پشتی بود و هم والدین و هم دانش‌آموزان راضی بودند و از آن استقبال کردند. پارسال نمایش جوراب‌ها بود که به بهداشت فردی و بهداشت جوراب‌ها تأکید می‌کرد و چون به شکل موزیکال بود دانش‌آموزان خیلی از آن استقبال کردند و دوست داشتند.

هدف نمایش کوله‌پشتی چه بود؟ آموزش کوله‌پشتی و دانش‌آموزان طی سال یاد گرفتند که برای انتخاب کوله‌پشتی چه باید بکنند و صرفاً اگر به خاطر شکل و حجم از یک کوله‌پشتی خوششان آمد بدانند که نباید حتماً آن را انتخاب کنند و مؤلفه‌های مختلفی در انتخاب کوله‌پشتی وجود دارد.

بعد مباحث استفاده از کوله‌پشتی را مطرح کردیم؛ مثلاً دانش‌آموز کوله‌پشتی را یک طرفه نندارد و از کوله چرخ‌دار استفاده نکند چرا که تردد با این کوله‌ها از پله‌ها سخت است. یا اینکه وسایل اضافی در کوله قرار ندهد و اگر بطری آب در پایان ساعت مدرسه هنوز پر است خالی کند.

و نکته پایانی؟ یکی از اقدامات خوب راه رشد توجه به موضوع سلامت و ورزش است که فکر می‌کنم در کلاس سواد سلامت به‌درستی به آن توجه می‌شود و امیدوارم باعث شود دانش‌آموزان آگاه‌تری نسبت به بدن و سلامتی خود با این کلاس پرورش دهیم.

در مورد کلاس سواد سلامت و تجربه خودتان در این کلاس توضیح بدهید.

تابستان دو سال پیش بود که کلاس‌هایی در مدرسه گذاشتند و چند تا از معلم‌هایی که برای سواد سلامت انتخاب شده بودند آموزش دیدند. بعد از آن قرار شد برای دانش‌آموزان، مناسب بارده سنی طرح درس تولید کنیم و یک ساعت آموزشی با عنوان سواد سلامت انتخاب شود و آموزش دهیم.

در کلاس سواد سلامت چه مباحثی را تدریس کردید؟ موضوعات مختلفی بود، مثلاً مراقبت از چشم، بهداشت کوله‌پشتی، بهداشت دهان و دندان و در کنار آن ورزش و خیلی از مباحث دیگر را آموزش دادیم. قاعدتاً همه دانش‌آموزان، مباحث اولیه خیلی از این موارد را از طریق خانواده می‌دانستند اما به مرور زمان اطلاعات بیشتری به آن‌ها می‌دادیم و همین موضوعات باعث می‌شد که آن‌ها هم تجربیات خودشان را در کلاس مطرح کنند و به این ترتیب هم یادگیری در کلاس اتفاق می‌افتاد و هم اگر موردی بود که نیاز به اصلاح داشت، اصلاح می‌شد.

اطلاعات اضافه‌ای که آموزش می‌دادید شامل چه مواردی بود؟

خب ما کلاس‌های مختلفی را با اساتید مختلف گذرانده بودیم و مباحث کلی در این کلاس‌ها مطرح می‌شدند و باید این مباحث را متناسب با سن دانش‌آموزان و پایه تحصیلی گلچین می‌کردیم. مثلاً برای آنفولانزا و راه‌های انتقال و پیشگیری، خیلی از دانش‌آموزان فکر می‌کردند (به خاطر تجربه کرونا) که اگر صرفاً کنار هم بنشینند و فقط عطسه و سرفه نکنند امکان انتقال ویروس آنفولانزا وجود ندارد.

در این کلاس توضیح دادیم که اگر از مداد یا پاک‌کن دوستان استفاده کنید و همان دست را به چشم یا دهان یا بینی بزنید ممکن است که ویروس به شما هم منتقل شود. علاوه بر این توضیحات، ناهنگ‌های (کلیپ) آموزشی برای دانش‌آموزان پخش می‌کردیم و انیمیشن‌های جذابی را که خودشان دوست داشتند نمایش می‌دادیم.

در بعضی مباحث مثل جداسازی زباله تر و خشک، با کاردستی آموزش را نهاده می‌کردیم. من از آن‌ها خواسته بودم با وسایل دورریز، کاردستی پلاستیکی درست کنند و خودشان خیلی خلاقیت داشتند.



پروژه‌های علمی و فرهنگی و هنری راه‌رشد روایت پروژه‌ها؛ آغاز یک راه بی‌پایان

گزارش

آموزش در این خانه با تجربه کردن معنا می‌شود و چه بستری بهتر از پروژه‌های علمی و فرهنگی و هنری راه‌رشد که از سال ۱۳۸۳ همراه آموزش، مسیر یادگیرنده بودن را برای خانواده بزرگ راه‌رشد هموارتر ساخته است.

پروژه‌ها بستری هستند برای توسعه مهارت‌های فردی دانش‌آموزان و فضای مغتنمی برای یادگیری‌های شخصی‌سازی‌شده و انتخابی فراهم می‌کنند.

در این مسیر با هدف تقویت مهارت تفکر انتقادی، حل مسئله، مشارکت، کار گروهی و مسئولیت‌پذیری، ابتدا پروژه‌ها بر اساس پایه‌های تحصیلی و گروه‌های علمی تقسیم‌بندی می‌شوند. در این بخش تلاش می‌شود با در نظر داشتن موضوعات به‌روز علمی و پژوهشی و با کاربرد اساتید متخصص، پروژه‌های کاربردی و جذاب طراحی شود.

در مرحله بعد مدرسه مملو از غرفه‌های انتخاب می‌شود. تسهیلگران و اساتید موضوعات و مراحل مختلف پروژه‌ها را برای دانش‌آموزان توضیح می‌دهند و سپس فرزندان ما با مشورت خانواده و مشاوران مدرسه موضوع موردعلاقه خود را انتخاب می‌کنند. اینجا همه دست به دست هم می‌دهند تا این انتخاب فرصتی برای جرئت‌مندی، تجربه ناشناخته‌ها و علاقه‌مندی‌های دانش‌آموزان باشد.

حالا هر کدامشان پروژه موردنظر را پیدا کرده‌اند. از اینجا به بعد هر هفته کلاس‌های آموزشی و تخصصی برگزار می‌شود. شور و حال و هیجان، کار گروهی، تعیین هدفی مشترک، مدیریت فعالیت‌ها، چارچوب‌بندی آموزش، رهبری، طراحی و برنامه‌ریزی... این‌ها تجربه‌های نابي هستند که در فضای مدرسه جاری می‌شوند!

به نیمه‌های آذر که می‌رسیم زمان ارزشیابی و داوری فرامی‌رسد. دانش‌آموزان به‌صورت گروهی در برابر داوران که متشکل از اولیا، مربیان و متخصصان مربوط به پروژه هستند می‌ایستند و از پروژه خود دفاع می‌کنند.

این مرحله همان نقطه‌ای است که اهداف مشترک، کار گروهی و طراحی و برنامه‌ریزی، خود را به‌خوبی نشان

می‌دهد و فرصت مناسبی برای تمرین است.

فرزندان راه‌رشد هر ساله با تمرکز بر پروژه‌های مختلف که در چند شاخه اصلی علوم پایه (زیست، شیمی، فیزیک)، هنر، علوم انسانی، علوم فنی و رشته‌ای و علوم میان‌رشته‌ای تعریف شده‌اند در مسابقات داخلی و بین‌المللی متنوعی شرکت و مقام و مدال‌های خوش‌رنگ کسب می‌کنند.

جشنواره!

و اما پایان کار پایان راه نیست و این آغاز یک مسیر است که در کنار فرزندانمان برای رسیدن به خرسندی طی می‌کنیم. حالا نوبت نمایش تلاش دانش‌آموزان است و مدرسه کم‌کم آماده برپایی جشنواره می‌شود. از چند هفته قبل دانش‌آموزان پایه یازدهم که عهده‌دار مسئولیت جشنواره هستند، «ستاد جشنواره» را تشکیل می‌دهند. جلسات هماهنگی، فضاسازی، تبلیغ، طراحی پوستر، تنظیم دعوت‌نامه، پلان‌بندی غرفه‌ها و هر چه باید در یک رویداد مهم در نظر گرفته شود، در نظر گرفته می‌شود.

روز موعود فرامی‌رسد!

افتتاحیه!

در مراسمی رسمی، با حضور اعضای هیئت‌مدیره تعاونی راه‌رشد، مدیران، معلمان و دانش‌آموزان جشنواره آغاز می‌شود و پس از افتتاحیه، گروه‌های مختلف در غرفه‌های خود حاضر می‌شوند و آماده ارائه کار به دعوت‌شدگان محترم. افراد هر گروه آماده و مسلط به موضوع پروژه خود، محصول خود را معرفی و مراحل انجام پروژه را برای همه توضیح می‌دهند.

و اما اختتامیه...

یک روز پر انرژی به پایان خود می‌رسد و حالا دانش‌آموزان که خود گردانندگان اصلی این پروژه بزرگ در طی سال تحصیلی بودند، فرصت مغتنم ارتباط با دنیای علم و دانش را به مرحله عمل رساندند و نیازی را که خود کشف کردند در قالب پروژه‌ها حل کردند و اندکی از این راه بی‌پایان را به مقصود رساندند.

دانش‌آموزان راه‌رشد در سالی که گذشت با پروژه‌های خود موفق به کسب رتبه دوم مسابقات فیزیک کشوری کفا، مدال نقره مسابقات فیزیک کشوری IYPT، مقام سوم مسابقات کشوری کمیکار و مقام اول کشوری مسابقات هوافضا شدند.



ستاد اجرایی جشنواره پروژه‌های راه‌رشد در سال ۹۶؛

چندپله بالاتر

گفت‌وگو



پاریناز عصاره از کلاس اول عضو خانواده راه‌رشد شد. در رشته ریاضی تحصیل کرده است و در دانشگاه صنعتی شریف و در رشته علم مواد، مشغول به تحصیل است. دختر هوشمند راه‌رشدی که هوش خود را فقط برای درس به کار نگرفته است و با حضور در برنامه‌های گروهی راه‌رشد، مهارت‌های اجتماعی خود را نیز تقویت کرده است. پاریناز در پایه یازدهم در ستاد برگزاری جشنواره پروژه‌های راه‌رشد حضور داشته است و تجربه‌هایی به دست آورده است که او را چند پله از هم‌سالانش بالاتر برده است.

درباره تجربه حضور در ستاد جشنواره پروژه‌های راه‌رشد لطفاً توضیح دهید.

ما یک سال (سال ۹۶) ستاد برگزاری جشنواره پروژه‌ها بودیم. بچه‌های ورودی ما خیلی مشتاق برگزاری جشنواره بودند. من و چند تا از دوستانم همیشه در این کارها بودیم و سرمان برای این کارها درد می‌کرد. قرار شد که ما برنامه بچینیم و کارها را بین بقیه دانش‌آموزان تقسیم کنیم. با توجه به اینکه همه دانش‌آموزان پایه یازدهم می‌توانند در ستاد اجرایی باشند، از دانش‌آموزان اجازه گرفتیم و به چند گروه تقسیم شدیم و برای هر گروه یک سرپرست در نظر گرفتیم. خودم سرپرست گروه رسانه (Media) بودم، یک نفر سرپرست گروه طراحی پلاکاردها بود و یک نفر سرپرست گروه هماهنگی بود.

بعد برای هر نفر وظیفه تعیین کردیم؛ مثلاً وظیفه یک نفر این بود که به مهمان‌ها خوش‌آمد بگوید، یک نفر آن‌ها را به سمت محل برگزاری مراسم افتتاحیه هدایت می‌کرد، یک نفر مسئول ثبت تصاویر و عکس‌ها بود، یک نفر هماهنگی با مدرسه را انجام می‌داد. عده‌ای مسئول کارهای خدماتی بودند و هر کسی کارهای مختلف انجام می‌داد و ما سرپرست گروه‌ها دور هم جمع می‌شدیم، یک به‌روزرسانی از فعالیت‌ها می‌کردیم و به همدیگر اطلاع می‌دادیم و یک گفت‌وگو می‌کردیم و به هم ایده می‌دادیم و می‌رفتیم دنبال کارهای خود.

چه کار خاصی برای جشنواره در سالی که شما مسئول برگزاری بودید انجام دادید که خیلی برایتان لذت‌بخش بود؟

ما یک زمینه (Theme) برای جشنواره آن سال در نظر گرفتیم. زمینه ما برق و مضمون‌هایی (Motif's) بود که به برق و انرژی مربوط بودند؛ مثلاً یک تابلو طراحی کرده بودیم که پدر و مادرها با یک قلم‌مسی روی پروژه فرزند خودشان می‌زدند، پروژه روشن می‌شد و محل پروژه را نشان می‌داد و این خلاقیتی که به کار گرفتیم خیلی هیجان‌انگیز بود.

اینکه مدرسه به شما یک مسئولیت داده بود و امکان کار مشارکتی را برایتان فراهم کرد، یک مزیت می‌دانی؟

بله، صد درصد. این اعتماد به نفسی را که من دارم مدیون شرکت در ستاد اجرایی جشنواره پروژه‌ها می‌دانم. من هیچ‌وقت از اینکه در دانشگاه و در یک کلاس بزرگ اجرا کنم نترسیدم و

در سال‌های مدرسه و حتی بعد از مدرسه هم مجری برنامه‌های مختلفی بودم و این اعتماد به نفسی که به من داد خیلی برایم مهم بود.

نحوه تعامل در گروه نیز نکته مهم دیگری بود که در آن مدت یاد گرفتیم. اینکه چطور صحبت کنم و چگونه با یک گروه تعامل داشته باشم. کار گروهی به ما یاد داد با خلق‌وخوی هم کنار بیاییم و روابطمان را تنظیم کنیم. با توجه به اینکه در سن بلوغ بودیم، گاهی با هم به مشکل می‌خوردیم و حرف‌همدیگر را قبول نمی‌کردیم اما اهل تعامل و چاره‌جویی بودیم و از مسئولان تیم پروژه برای اینکه مشکلمان را برطرف کنیم سؤال می‌پرسیدیم و این اعتماد به نفس را داشتیم که مشکلمان را مطرح کنیم و راهنمایی بخواهیم.

مدرسه در حل مسئله‌های شما (به‌ویژه زمانی که دچار چالش می‌شدید) چه نقشی داشت؟ اینکه بتوانید تعامل و گفت‌وگو کنید و راه‌حلی برای مشکلاتتان پیدا کنید.

مدرسه هم این‌طور نبود که ما را به حال خودمان رها کند. مسئولان مدرسه همراه ما بودند، حل مسئله می‌کردند و به ما یاد می‌دادند که چطور با هم گفت‌وگو کنیم و به همدیگر زمان بدهیم و کنترل خشم کنیم و این خیلی برای ما با ارزش بود و بعدها در دانشگاه خیلی به کمک من آمد. مدرسه در واقع به ما مهارت‌هایی را یاد داد که شاید هر جایی نمی‌توان به‌راحتی این مهارت‌ها را یاد گرفت و ما را چند قدم از هم‌سالانمان جلوتر برد و این خیلی با ارزش بود.

پس راه‌رشد در تربیت فردی و گروهی شما موفق عمل کرده است.

بله، قطعاً! کاری که مدرسه برای ما کرد این بود که از همان سن بلوغ و زمانی که دیدند می‌توانیم از عهده خودمان برآییم، به ما دیکته نمی‌کردند که چه کار کنیم. در واقع کنار ما بودند و کمک می‌کردند که راهی برای اینکه چطور کارها را مدیریت و اجرا کنیم پیدا کنیم و این خیلی مهم بود. آن آزادی عملی که می‌دادند تا خودمان دنبال حل موضوعات باشیم تحسین‌برانگیز بود. اگر هم راه‌حلی پیدا نمی‌کردیم در نهایت به ما کمک می‌کردند و راهکار را نشان می‌دادند. این حس که ما به شما اعتماد داریم، هم به رشد ما خیلی کمک کرد و هم مانع بروز خلاقیت‌های ما نشد.

به بهانه روز جهانی اهدای کتاب در راه رشد؛ پیشکش دانایی

گزارش

راه رشد از نوگامی تا همیشه به دنبال خلق معنا در جهان بزرگ اطراف خود بود. اگر از بد حادثه، گوشه‌ای از این سرزمین کهن لرزید و یا غرق آب شد، یا از اقبال بلند، زمینی خالی در آرزوی مدرسه شدن و چشم به راه فرزندان این آب و خاک شد و یا مداد و کتاب و دفتری، مشتاق رسیدن به دستان دانش‌آموزی بود، به دنبال راهی بودیم برای رشدی همگانی و این فرهنگ ما بود که اگر دستی برای نیاز بالا بیاید نباید بی‌پاسخ بماند.

از همین روی بود که پس از تجربه‌های موفق و اثرگذاری که در راستای مسئولیت اجتماعی برای همیاری رساندن به زنان و دختران بلوچ، کودکان کار، اهالی دشتیاری، مردمان لرستان و کرمانشاه و... داشتیم، تصمیم گرفتیم یک خیر جمعی دیگر را رقم بزنیم. به بهانه روز جهانی اهدای کتاب (۱۴ فوریه) با مشارکت دانش‌آموزان راه رشد، اهدای کتاب به مناطق محروم را به اجرا رساندیم. در این کار خیر اجتماعی، با مشارکت دانش‌آموزان راه رشد بیش از ۶۵۰ جلد کتاب جمع‌آوری و به کودکان و نوجوانان مناطق کم‌برخوردار سیستان و بلوچستان اهدا شد. این کتاب‌ها در واپسین روزهای سالی که گذشت رهسپار شدند تا قصه‌گو و چراغ راه خانه‌های دیگری باشند.



قصه آقای قیومی

مرد خندان راه رشد

گزارش

من و بقیه نیست.»

در دانشگاه تحصیل کرده است و می‌گوید راه رشد من را یاد خاطرات زمان دانشگاه می‌اندازد. مطالعه را دوست دارد اما وقت آزادی برای خواندن ندارد. پیاده‌روی و دوچرخه‌سواری را دوست دارد و عاشق والیبال است و تلاش می‌کند تا سلامتی خود را با ورزش حفظ کند؛ «چون اینجا جای فرهنگ و ادب است احساس خوبی می‌کنم. اینکه با انسان‌های مؤدب و با علم و دانش سر و کار دارم حالم خوب است.»

خاطره‌ای تعریف می‌کند که حالش را به قول خودش خوش می‌کند؛ «به حسابداری گفته بودم که امضا کردن بلد نیستم و زمانی که استمپ را به من دادند تا اثر انگشتم را بزنم، قلم را بر داشتم و روی برگه امضا زدم و تحویل دادم، خانمی که آن زمان حسابدار راه رشد بود، امضا را که دید تعجب کرد، بعد برگه را بلند کرد و به همه نشان داد و گفت مثل رئیس کل بانک مرکزی امضا زده است.»

نگران بچه‌هاست و حواسش به احوالاتشان است. آن‌ها را نصیحت می‌کند که مواظب وسائل خود باشند، چیزی را جا نگذارند تا دچار سرگردانی نشوند: «وقتی از کلاس بیرون می‌آیند تذکر می‌دهم که وسایل خود را چک کنند و چیزی را جا نگذارند، موبایل خود را تحویل بگیرند و بعداً مجبور نشوند دنبال چیزی بگردند. همه این‌ها دختران خود من هستند.»

زرشک پلو با مرغ را بیشتر از همه غذاها دوست دارد و بعد عدس پلو را می‌پسندد: «خانم صدایی مسئول غذا بود، تا آن زمان که اینجا بود همیشه من را صدا می‌کرد که غذایت اینجا است و یک چای به من می‌داد.» آخرین مرحله کارش در آشپزخانه است که یک چای می‌خورد، خستگی در می‌کند و رهسپار خانه می‌شود تا فردایی دیگر.

وقتی همه می‌روند و مدرسه از حضور خالی می‌شود، نوبت آقای قیومی است که امنیت و سلامت را برای راه رشد برقرار کند. مرد خندان راه رشد که توجه راه رشد به احترام و ادب را در طول مصاحبه بارها یادآوری می‌کند. چهار فرزند دارد که در آلمان و بلژیک ساکن هستند و خودش اینجا را برای زندگی انتخاب کرده است.

تقریباً ده سال است که در راه رشد امور مربوط به نظم و ترتیب و خدمات راه رشد را انجام می‌دهد؛ «گلدان‌ها را آب می‌دهم، هفته‌ای دو روز، شنبه‌ها و چهارشنبه‌ها. تمام کلاس‌ها را مرتب می‌کنم، پنکه‌ها و کولرها و لامپ‌ها را خاموش می‌کنم و کارهای خدماتی مربوط به مدرسه را انجام می‌دهم.»

کارش تازه با رفتن همه از مدرسه شروع می‌شود. از طبقه آخر شروع می‌کند، اول چراغ‌ها را بررسی می‌کند، وسیله اضافه‌ای در برق نباشد و کولری روشن نمانده باشد. سلامت گلدان‌ها را بررسی می‌کند و آبیاری‌شان می‌کند.

زباله‌های بر زمین مانده را برمی‌دارد و دستی به جارو می‌برد و طبقه را مثل یک دسته گل به دل سکوت می‌سپارد و آنجا را به مقصد طبقه پایین‌تر ترک می‌کند و تا همکف، همه این کارها را تکرار می‌کند.

روزهای سخت کاری را روزهای برگزاری جشنواره‌ها می‌داند که مدرسه شلوغ است و کار او و همکاران دیگرش چندین برابر می‌شود، اما هم از دانش‌آموزان رضایت دارد و هم از مسئولان مدرسه.

از کار خود راضی است و دائم محبت‌هایی را که به او می‌شود یادآوری می‌کند. ادب راه رشد را بسیار می‌پسندد و می‌گوید انسانیت در اینجا جاری است و از برخورد آن‌ها با خود بسیار راضی است؛ «احترام خاصی برای من قائل هستند. از مقام بالا تا پایین همه احترام من را دارند و حواسشان به من هست و هیچ فرقی بین

نوجوانی، دوران فرصت ها

گزارش

کیان تقی‌زاده، امیررضا ناده‌علی‌زاده، سید یزدان سیدمحسنی، امیرمحمد پورمحمد و آراد بیانی دانش‌آموزان پایه یازدهم و دهم متوسطه پسرانه راه رشد هستند که در سال تحصیلی گذشته، هم‌گروه و هم‌شاگردی و همکارهای پروژه IYPT بودند. آن‌ها یکی از تیم‌های راه رشد در این پروژه بودند که موفق شدند در مسابقه کفا، رتبه برتر را بین تیم‌های شرکت‌کننده کسب کنند و حالا دور یک میز با آن‌ها جمع شدیم تا از این پروژه و تجربه‌های جدیدی که در آن به دست آوردند بگویند.

همه با هم برای یک هدف

ابتدا از یکی از دانش‌آموزان می‌خواهم که به نمایندگی از بقیه شرحی کلی از پروژه بدهد. به اتفاق، کیان را انتخاب می‌کنند. او فن بیان خوبی دارد و اول از هدفی که برای شرکت در این پروژه انتخاب کردند می‌گوید که سال گذشته و شرکت در IYPT،PYPT انگیزه‌ای شد تا یک‌بار دیگر در این مسابقه شرکت کنند چرا که نتیجه دلخواه خود را نگرفتند و می‌خواستند به خودباوری برسند و راهی را که هم‌قسم شده بودند به سرانجامی خوش برسانند و با تلاشی مجدد به هدف خود برسند. هدف این بود که در مسابقه IYPT،PYPT و با کفا جزء تیم‌های برتر باشند.

کیان می‌گوید پروژه‌ای که امسال انجام دادند با سال گذشته فرق داشت و دلیل آن را تعداد بیشتر دانش‌آموزهایی که در پروژه شرکت کردند می‌دانست و کار تیمی قوی‌تری که در پی آن شکل گرفت و انگیزه بیشتری که به آن‌ها داد. برقراری ارتباط با دیگر پایه‌ها و تلاش برای به نتیجه رساندن پروژه در یک کار تیمی گسترده، مواجه شدن با اختلاف‌ها و توانایی مواجهه و مدیریت این اختلاف‌سلیقه‌ها و رشد مهارت‌های اجتماعی آن‌ها در قالب یک کار گروهی، نکات مثبتی است که کیان در صحبت‌هایش به آن‌ها اشاره می‌کند.

نفرات اول پروژه کفا؛ تلاش ما نتیجه داد

در صدای کیان هیجانی است که گویی هنوز در فضای پروژه است و معلوم است از اینکه توانسته است در کنار هم‌تیمی‌هایش با وجود اختلاف‌نظرها و اختلاف‌سلیقه‌ها به آنچه با هم قول داده بودند برسند رضایت دارد. او روند پروژه و آنچه آن‌ها را به موفقیت رساند، این‌گونه شرح می‌دهد:

«ما دو تیم بودیم. اول سال کمک‌هایی از سمت تیم‌های دیگر به ما می‌شد و ما هم به بقیه کمک می‌کردیم اما هرچقدر جلوتر می‌رفتیم و کمک‌ها بیشتر و بیشتر می‌شد، با همراهی همدیگر با سرعت بیشتری توانستیم پروژه را پیش ببریم و در آخر تا بهمن‌ماه تیم ما در اوج پیشرفت خود بود و در نهایت در مسابقه شرکت کردیم. در مسابقه PYPT شانس ما بد بود و قرعه سختی به ما افتاد و نتیجه دلخواه‌مان را به دست نیاوردیم؛ اما متوقف نشدیم و دوباره دلایل این اتفاق را بررسی کردیم و دوباره جمع‌بندی و اواخر اردیبهشت‌ماه در مسابقه کفا شرکت کردیم. در آن مسابقه که آخرین مسابقه بود خیلی تلاش کردیم و کار تیمی را به حداکثر رساندیم و صد خودمان را گذاشتیم. هفت تیم در مسابقه شرکت کردند که دو تیم از راه رشد (دخترانه و پسرانه) بودند. در

یک روایت دانش‌آموزی از مشارکت در پروژه گروهی IYPT؛

آن مسابقه قرعه بهتری داشتیم و بعد از تلاش فراوان، توانستیم نتیجه دلخواه را به دست آوریم و در بین هفت تیم، اول شدیم.»

کیان در ادامه آنچه را در پروژه اجرا کردند شرح داد:

«روند شرکت در این مسابقات این‌طوری است که هر سال سیزده سؤال را منتشر می‌کنند که در زمینه‌های مختلفی از جمله اپتیک، مکانیک، مکانیک سیالات، مکانیک کوانتوم و... است. هر تیم باید به پنج سؤال پاسخ دهد و ما برای پاسخ دادن، روش آزمایش و رسم نمودار و سیر تکاملی تغییر متغیرها را انتخاب کردیم.

ما اول سؤال‌ها را مشخص کردیم بعد آن‌ها را آزمایش کردیم و برای آمادگی حضور در مسابقه، جواب‌ها را شبیه‌سازی کردیم. این روند را از آخر تا بهمن‌ماه ادامه دادیم و بین این فرآیند، روزهای پنجشنبه و جمعه ارائه‌های تخصصی داشتیم. چند استاد مطرح می‌آمدند و ارائه ما را نگاه می‌کردند و نکاتی را به ما می‌گفتند تا بتوانیم آزمایش‌های خودمان را بهتر کنیم.»

بعد از آنکه کیان، فرآیند پروژه‌ها را توضیح داد، از هر کدام از دانش‌آموزان سؤال‌اتی پرسیدم. از امیررضا درباره جذابیت‌های حضور در یک کار مشارکتی پرسیدم. از نظر او آشنایی با کسانی از پایه‌های تحصیلی دیگر، اولین جذابیت بود چرا که باید سر پاسخ‌ها به سؤالات مشترک، با همدیگر تعامل می‌کردند و این را که چگونه با همدیگر تعامل کنند جالب می‌دانست؛

«من و هم‌تیمی‌ام باید با هم سؤال را از جنبه‌های مختلف بررسی می‌کردیم و این کمک می‌کرد که من سؤال را از دیدگاه یک نفر دیگر نیز بشنوم و این هم به کار من کمک می‌کرد و هم به کار او.»

جذاب‌ترین بخش پروژه IYPT

یزدان، پسر آرام جمع است. از او درباره حل مسئله و تأثیری که روی بقیه درس‌های آن‌ها داشت می‌پرسم. در پاسخ می‌گوید:

«بعضی از سؤالات آن قدر سنگین بودند که استاد ما می‌گفت این‌ها در سطح دانشگاه‌اند در صورتی که ما تازه پایه نهم بودیم و مطالب برایمان سنگین بود. وقتی به وسط‌های سال نهم رسیدیم با معادله خط آشنا شدم و در آن فرآیند بود که روند حضور در IYPT برایم راحت‌تر شد و در درس‌های فیزیک و ریاضی به من خیلی کمک کرد.» امیرمحمد با دقت به سؤال‌ها و پاسخ دوستانش گوش می‌دهد و حالا نوبت اوست که از اتفاقات جذاب شرکت در این پروژه و انجام یک کار تیمی بگوید:

«جذاب‌ترین حس را اگر بخواهم در یک کلمه بگویم آن حسی است که پژوهش به آدم می‌دهد. به خاطر اینکه احساس می‌کنی خب، یک سؤال سخت داری و جوابی هم برای آن در اینترنت نیست و تو قرار است به‌عنوان یک پژوهشگر راجع به آن سؤال پژوهش کنی و جوابش را پیدا کنی. به نظر من این جذاب‌ترین چیزی بود که به دست آوردم. اما اگر بخواهم از حس‌های دیگر بگویم، قرار است حجم زیادی از مطالب سال‌های بالاتر را در یک سال یادگیری با وجود اینکه هیچ پیش‌زمینه‌ای از آن‌ها نداری و باید خود را با این شرایط وفق بدی.»

پروژه و تأثیر آن بر علایق دانش‌آموزان

حالا یک سؤال مشترک از همه دانش‌آموزان می‌پرسم؛ اینکه شرکت در پروژه IYPT بر نظر آن‌ها نسبت به رشته‌ای که انتخاب کردند تأثیرگذار بوده است یا نه.

امیرمحمد: دو سال قبل که در مسابقه شرکت کردیم سؤال ما مرتبط با مکانیک سیالات بود. از آنجا فهمیدم که من به مکانیک سیالات هم علاقه دارم اما چون علاقه اصلی‌ام الکترونیک و کامپیوتر بود، سال بعد سؤال‌را در همین زمینه انتخاب کردم و معلوم شد علاقه اصلی من همین الکترونیک است؛ اما با توجه به موضوعی که انتخاب می‌کنیم و در یک سال انجامش می‌دهیم ممکن است نظر بعضی‌ها عوض شود.

یزدان: من در روند IYPT کلاً به فیزیک علاقه‌ای نداشتم ولی رفته‌رفته که به پایه نهم رسیدیم و پروژه‌ها شروع شد فهمیدم که فیزیک و ریاضی یکی از بهترین رشته‌هایی است که می‌توانم انتخاب کنم و IYPT جایی بود که من را به رشته ریاضی و فیزیک علاقه‌مندتر کرد.

امیررضا: من وقتی که وارد این پروژه شدم و کارهای پژوهشی

و آزمایشگاهی را انجام می‌دادم فهمیدم که در کارهای عملی نسبت به کارهای تئوری ضعیف‌تر هستم و این باعث شد که بیشتر به سمت کارهای تئوری در فیزیک و ریاضی بروم و بیشتر به مسائل فکری بپردازم تا مسائلی که نیاز به کار عملی دارد.

کیان: من قبل از شرکت در این پروژه هم به فکر دانشگاه بودم اما نمی‌دانستم به چه رشته‌ای علاقه دارم. تا اینکه با IYPT آشنا شدم و از صمیم قلب پروژه را دوست داشتم و همین باعث شد تصمیم بگیرم در دانشگاه رشته فیزیک کاربردی بخوانم.

سؤال دیگر را هم از کیان پرسیدم. اینکه زمانی که خسته می‌شدند و پروژه پیش نمی‌رفت چه کار می‌کردند که به شرایط عادی برگردند. کیان توضیح می‌دهد:

کیان: اوایل که پروژه پیش نمی‌رفت اعصابم خرد می‌شد و کار را رها می‌کردم و می‌رفتم در حیاط و بسکتبال بازی می‌کردم تا آن فضا از ذهنم خارج شود و دوباره برمی‌گشتم سر پروژه. کمی هم سعی می‌کردیم با هم شوخی کنیم و زمان بگذرد تا جایی که مسئله ما حل شود



یزدان از پیش‌دبستانی فرزند راه رشد بوده است و این‌گونه توضیح می‌دهد

«فضای زندگی من به خانه و راه رشد خلاصه می‌شد. به خاطر همین اینجا حس خانه را برای من داشت و احساس راحتی می‌کردم. اما بعد از شرکت در پروژه اینکه با هم‌تیمی‌های بیشتری رابطه برقرار کردیم و پیشرفت کردیم یک حس راحتی بیشتر در درس‌ها و کلاس‌ها هم داشتم.»

امیرمحمد:

«راه رشد همیشه در تبلیغات خود راجع به خانواده صحبت می‌کند و به‌عنوان کسی که از مهدکودک در راه رشد بزرگ شدم اینجا قشنگ برایم مثل یک خانه شده است و حسی که در آن دارم حس یک خانواده است. اگر در اینجا یک تیم برنده شود کل خانواده خوشحال می‌شود و اگر تیمی ببازد کل خانواده ناراحت است و در مجموع حس خانواده است که در راه رشد مهم است.»



فرهنگ ما این است؛ «با مطالعه گروهی و به اشتراک گذاشتن اطلاعاتمان در حلقه مطالعاتی هفتگی، سطح یادگیری خود و اطرافیانمان را ارتقا می‌دهیم.»

حلقه مطالعاتی یکی از شاخه‌های سفر یادگیری است که تاریخی به قدمت راه رشد دارد.

این حلقه با حضور مدیران، معلمان و کارکنان هر هفته در مجتمع برگزار می‌شود.

اعضای حلقه، یک کتاب را انتخاب می‌کنند و با مطالعه گروهی به بحث و تبادل نظر در باب موضوع می‌پردازند.

«در تمنای یادگیری» یکی از این کتاب‌ها بود که جلسه بحث و تبادل نظر پیرامون آن با حضور نویسنده کتاب، جناب آقای محمدرضا سرکار آرانی برگزار شد.

مروری بر حلقه مطالعاتی راه رشد؛

تمرین تاب‌آوری با تمنا برای یادگیری

گزارش

فیلم‌گپ؛

بخوان

گزارش

در باشگاه فیلم‌گپ راه رشد، بعد از تجربه موفق نمایش فیلم‌های «بره به سلاخی» از مجموعه «آلفرد هیچکاک تقدیم می‌کند»، این بار نمایش فیلم «بخوان» را برای فرزندانمان در راه رشد تدارک دیدیم. این فیلم در اردیبهشت ماه سالی که گذشت برای دانش‌آموزان به نمایش درآمد. بخوان فیلمی کوتاه در دوران کودکی دختری است که در دهه ۱۹۹۰ در بوداپست مجارستان اتفاق می‌افتد. این فیلم با الهام از یک داستان واقعی ساخته شده که در آن یک گروه کر از مدرسه‌ای برنده جایزه می‌شود و به شهرت می‌رسد و دختر جدیدی در این کلاس داستان پشت این شهرت را کشف می‌کند.



کتاب‌گپ؛

قسمت اول؛

کتاب، دوربین، حرکت...

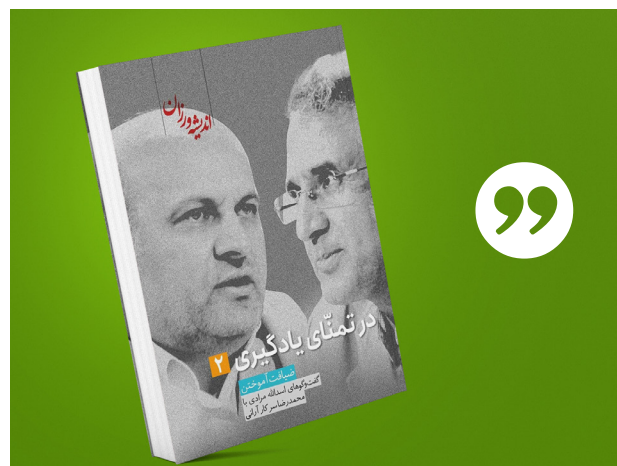
گزارش

کتاب‌گپ مجالی است برای گفتن و شنیدن از کتاب و کتاب‌خوانی! گفت‌وگو با کسانی که از پرسه در جهان کتاب‌ها شروع کرده‌اند و امروز مقیم جهان کتاب‌ها شده‌اند! کتاب‌گپ نمای ساده و صمیمی آدم‌های کتاب‌خوان و روایت نگاه آن‌ها به کتاب‌خوانی است.

«فیلسوف بزرگی به نام هگل، جمله مشهوری دارد و کتاب بزرگ فلسفه خود را با آن شروع می‌کند؛ می‌گوید کودکی که به دبستان می‌آید در کیف خود تمام تمدن بشر را حمل می‌کند! و در کیف بچه غیر از کتاب چیزی نیست و ما تمام تمدن خود را در کتاب ضبط کرده و نگه داشتیم.» این بخشی از نخستین گفتار کتاب‌گپ، با بهمن اصلاح‌پذیر، معلم ارشد تهران، مؤلف کتب درسی، مترجم و مؤلف کتب فلسفی و ادبی و معلم ده‌ها نفر از برندگان مدال طلای المپیاد ریاضی است. اگر شما هم مثل ما در جهان کتاب‌ها پرسه می‌زنید، می‌توانید کتاب‌گپ را از شبکه‌های اجتماعی راه رشد تماشا کنید!



آن ویژگی تاب‌آوری دقیقاً چیست که آدم‌ها را در طول زندگی پیش می‌برد. پذیرش بی‌کم‌وکاست واقعیت؛ داشتن باوری عمیق به اینکه زندگی معنادار است و توانایی غیرعادی و رموز برای بدیهه‌پردازی، سه ویژگی مهم افراد تاب‌آور است.



این تابلوهای بکن‌نکن را کم کنیم و اجازه بدهیم فرزندانمان با مسئله‌های زندگی روزمره مواجه شوند. آزادشان بگذاریم که به مسائلشان فکر کنند. مشاهده چشم‌غره‌رفتن‌های ما یا لب‌گزیدن‌های ما و حتی بعضی وقت‌ها نگاه عاقل‌اندر سفیه‌ما به فرزندانمان، به آن‌ها آرامش نمی‌دهد.



تجربه‌های جهانی تعاونی راه رشد گزارش

گردهمایی سالانه سیکوپا با حضور سرکار خانم آناهیتا اصلاح‌پذیر، مدیرعامل تعاونی فرهنگی و آموزشی راه رشد و دیگر تعاونی‌های عضو، ۲۸ خردادماه سال جاری (۱۷ ژوئن ۲۰۲۴) برگزار شد. در این گردهمایی سالانه، نمایندگان تعاونی‌ها ضمن ارائه برنامه‌های صورت گرفته در تعاونی مطبوع خود، از تجربیات و رویکردها و دستاوردهای سایر تعاونی‌ها نیز بهره‌مند خواهند شد.

حضور راه رشد در

گردهمایی سالانه سیکوپا



عضویت راه رشد در شبکه جهانی جوانان ICA



حضور راه رشد در گردهمایی سالانه ICA

تعاونی فرهنگی و آموزشی راه رشد به شبکه جهانی جوانان اتحادیه بین‌المللی تعاونی‌ها، ICA پیوست. راه رشد پیش از این عضو بخش آسیایی کمیته جوانان ICA بود. خانم‌ها لیلی شیرزاد و دایانا موتقی نمایندگان کنونی راه رشد در کمیته جوانان هستند. آن‌ها سال گذشته در گردهمایی کمیته جوانان که در کشور مالزی برگزار شد نیز حضور فعالی داشتند. در پی این حضور و تعامل سازنده آن‌ها با کمیته جوانان، مسئولیت شبکه‌های اجتماعی این کمیته در لینکدین به تعاونی راه رشد واگذار شد. حال تعاونی فرهنگی و آموزشی راه رشد به عضویت شبکه جهانی جوانان ICA درآمده است. با پیوستن راه رشد به این شبکه جهانی امکان عضویت بیست جوان راه رشدی دیگر در کمیته جوانان فراهم شده است.

انتخاب راه رشد برای شرکت در اجلاس مدیران عامل زن در تعاونی‌ها در ویتنام

علیه زنان وجود دارد بیشتر می‌شود. از همین رو این اجلاس رهبری زنان را هدف قرار داد چرا که زنان همواره در خط مقدم فعالیت‌های تعاونی‌ها قرار داشته‌اند. اجلاس ویتنام یک فضای انحصاری برای گفت‌وگو بین رهبران زن تعاونی‌ها را فراهم کرد و در آن به بیان موضوعات مشترکی که بیشتر زنان را درگیر می‌کند پرداختند. هدف دیگر این اجلاس توانمندی زنان با دانش قوی و راهبردی تعاونی‌ها بوده است. از همین روی چهل نفر از مدیران عامل زن در تعاونی‌های آسیا و اقیانوسیه انتخاب شدند تا تجربه‌های خود را به اشتراک بگذارند و مهارت و دانش خود را افزایش دهند.

اجلاس مدیران عامل زن تعاونی‌ها در اتحادیه بین‌المللی تعاونی‌ها با موضوع «توانمندسازی قدرت رهبری زنان؛ هدایت آینده تعاونی‌ها به رهبری مدیران عامل زن» در ویتنام برگزار شد. زنان در سطوح مختلف فردی و اجتماعی با برچسب‌های متعددی در جامعه حضور پیدا می‌کنند. یکی از مهم‌ترین عرصه‌های حضور زنان در تعاونی‌ها است. آن‌ها به عنوان مدیران عامل و رهبران مشاغل تعاونی‌ها، تصمیم‌های تجاری و تعاونی‌ها را هدایت می‌کنند و چهره اصلی تعاونی‌ها در بین اعضا و همچنین ذی‌نفعان خارجی هستند. آن‌ها نیز مانند مردان در محل کار با چالش‌های متعددی روبرو هستند اما چالش زنان به دلیل بسیاری از انتظارات اجتماعی و فرهنگی و کلیشه‌هایی که



در گرامیداشت روز جهانی تعاون مطرح شد؛

تعاونی راه رشد؛ بستر مادرانه وطن‌وار

گزارش

مدیرعامل تعاونی فرهنگی و آموزشی راه رشد با اشاره به ویژگی‌های منحصر به فرد تعاونی راه رشد گفت: یک نیروی جمعی در بطن تعاونی راه رشد وجود دارد که همواره این مجموعه را به پیش می‌برد و اصل تعاونی همواره در این مجموعه پابرجاست. ما با علم به اینکه اسم تعاونی در دنیا و ایران اندکی مستعمل شده است تلاش کردیم ادبیاتی ایجاد کنیم تا هویت تعاونی در آن حفظ شود و به همین دلیل به ادبیات «کار مشارکتی» رسیدیم چرا که این امر مشارکت است که ارزش تعاونی را برجسته می‌کند و من بسیار خرسندم افرادی که در راه رشد هستند در اینجا تحت تأثیر امر مشارکتی قرار می‌گیرند و یک احساس جمعی بین همه منتقل می‌شود و به همین دلیل است که همه همکاران ما دچار ویروس تعاونی و یا کار مشارکتی شده‌اند. راه رشدی‌ها جان خود را از نیروی ماندگار مشارکت به دست می‌آورند و این بزرگ‌ترین دستاوردی است که هویت تعاونی راه رشد به ما بخشیده است.

گفتنی است در ادامه این مراسم از مرحله دوم رویداد «کوپ‌تاک» رونمایی شد. کوپ‌تاک رویدادی است که با الهام از رویداد «تیچرتاک» در سال ۱۴۰۰ توسط تعاونی راه رشد شروع به کار کرد. پس از اجرای یک مرحله از این رویداد و معرفی و ارائه آن در مجامع بین‌المللی، همزمان با روز جهانی تعاون، مرحله دوم «کوپ‌تاک» با ارائه‌هایی از سرکار خانم آناهیتا اصلاح‌پذیر، مدیرعامل تعاونی فرهنگی و آموزشی راه رشد، سمیرامیس شاه‌اسماعیلی، عضو تعاونی و مسئول اجرایی کوپ‌تاک، سمیه صانعی مدیر دبستان دخترانه راه رشد و مهدی نیلاش، مدیر متوسطه دوره اول پسرانه راه رشد و آزاده آشوری، مسئول بخش آموزش راه رشد برگزار شد.

تعاونی‌های سراسر جهان ششم جولای، برابر با شانزده تیرماه را به مناسبت روز جهانی تعاون و با موضوع «تعاونی‌ها، آینده‌ای بهتر برای همه می‌سازند» جشن گرفتند. کارکنان و اعضای تعاونی فرهنگی و آموزشی راه رشد نیز این روز را گرامی داشتند. آناهیتا اصلاح‌پذیر، مدیرعامل تعاونی فرهنگی و آموزشی راه رشد در این مراسم ضمن یادداشت روز جهانی تعاون، به تشریح هویت تعاون در مجموعه راه رشد پرداخت. وی با تأکید بر قدرت نیروی جمعی که در تعاونی راه رشد معنا پیدا کرد و منجر به رشد و توسعه آن در طی این سالیان شد در توضیحات خود گفت: مفهوم تعاونی یک موجودیت در راه رشد گرفت و همواره کنار ما بود که این دستاورد با همکاری همه اعضا، شکل واقعی به خود گرفت. ابتدا داشتن یک هویت مشخص برای ما مهم بود و من در بررسی‌های خود به این فکر می‌کردم که اگر بخواهیم یک فردیت برای تعاونی در نظر بگیریم، پس تعاونی کیست؟

وی در ادامه توضیحات خود گفت: در ابتدا کسی نبود که این موضوع را برای ما توضیح دهد، اما در گروه پژوهش به دنبال آن بودیم که یک سند آموزشی خلق کنیم و به دنبال اسمی ماندگار و متناسب با تلاش سی و چندساله خود باشیم و در ادامه این تلاش به یک نام خانوادگی مشترک با نام تعاونی رسیدیم و هیچ چیز مانند شجره یک فرد نمی‌تواند هویت او را نشان دهد و ماندگار کند. اصلاح‌پذیر تأکید کرد: تعاونی یک بستر زنانه مادرانه وطن‌وار بود و ما نام خانوادگی خود را از این هویت زنانه دریافت کردیم و خودمان را دوباره در تعاونی تعریف کردیم و دیدیم که اصول آموزشی و اخلاقی و فرهنگی ما با شش اصل تعاونی همسان بود.



آزاده آشوری

مسئول آموزش

آموزش تعاون با آزمون مشارکتی

اسم تعاون، مفهوم همیاری و همکاری را برای ما تداعی می‌کند. موضوعی که در تعاونی فرهنگی و آموزشی راه رشد به‌خوبی به آن توجه و پرداخته شده است. در راه رشد سعی بر این است که همه فعالیت‌ها با مفهوم تعاون و همکاری بین کارکنان و دانش‌آموزان گسترش پیدا کند. در همین راستا «آزمون مشارکتی» برای درک مفهوم تعاونی و کار مشارکتی برای دانش‌آموزان در نظر گرفته شده است. نام این آزمون یک تناقض با خود دارد چرا که معنای آزمون یک بازنده و برنده را تداعی می‌کند در حالی که مشارکت، مفهوم همکاری و همراهی و برد-برد را به دنبال دارد. در مقطع دبستان سالانه دو آزمون مشارکتی برگزار می‌شود. سؤالات به‌گونه‌ای طراحی می‌شود که نیازمند استفاده از توانایی‌های مختلف است.

با علم به این موضوع دانش‌آموزان با توانمندی‌های مختلف در گروه‌های پنج‌نفره قرار می‌گیرند و مهارت‌های خود را در مشارکت با همدیگر برای حل سؤالات آزمون به کار می‌گیرند. در واقع دانش‌آموزان به توانمندی‌های همدیگر برای پاسخ به سؤالات آزمون وابسته هستند و ارزش وجودی همدیگر را درک می‌کنند. این مشارکت به‌علاوه احساس خودباوری و توانا بودن را در آن‌ها تقویت می‌کند و همین مسئله باعث تقویت اعتماد به نفس و شادکامی آن‌ها می‌شود که مؤثر واقع شده‌اند. در واقع ما آنچه را قرار است در آینده در جامعه بزرگ‌تر لمس کنند شبیه‌سازی می‌کنیم و دانش‌آموزان راه رشد به‌واسطه «آزمون مشارکتی»، مفهوم تعاون و همیاری و همکاری را به‌خوبی درک می‌کنند.



سمیه صانعی

مدیر دبستان دخترانه

نهادینه‌سازی تشویق مشارکتی

من یک دانش‌آموز ساکت و آرام بودم و ویژگی‌های من باعث می‌شد که بیشتر مورد توجه معلمان قرار بگیرم. موضوعی که برای برخی از بچه‌ها خوشایند بود اما من خاطره خوشی از آن نداشتم چرا که باعث شده بود بچه‌ها ارتباط خوبی با من برقرار نکنند. آن‌ها فکر می‌کردند من نورچشمی معلم‌ها هستم. این حس با من باقی بود تا اینکه معلم شدم و خوشبختانه در مدرسه‌ای معلم شدم که ماهیت تعاونی داشت و در آن با واژه‌هایی آشنا شدم که تا پیش از آن تعریف دیگری از آن‌ها داشتم؛ واژه‌هایی همچون هیئت‌مدیره و مدیرعامل که در ذهنم تعریف دیگری داشت اما در راه رشد با تعریف جدیدی روبرو شدم. در راه رشد می‌دیدم که مدیرعامل و اعضای هیئت‌مدیره با معلم‌ها و همکاران با همراهی، همکاری و همدلی در کنار هم امور را پیش می‌برند، از غم همدیگر غمگین می‌شوند و از شادی همدیگر دل‌شاد هستند و این‌ها برای من بسیار جذاب و زیبا بود. همین روحیه منجر به این شد تا برنامه‌ای را به نام «جدول تشویق مشارکتی» طراحی و در سیستم آموزشی درج کنیم. موضوعی که از تعاونی و روحیه مشارکت‌پذیری در آن نشئت گرفته و وارد آموزش شده است. همیشه دوست داشتم این رویکرد را در کلاس درس خودم اجرا کنم اما با توجه به وجود اتاق فکر و پژوهش در راه رشد این برنامه به سیستم آموزش راه رشد نیز وارد شد. «جدول تشویق مشارکتی» به شکل یک ماز طراحی شده و به‌صورت خانه - خانه است و بر اساس آن اگر قرار است دانش‌آموزی تشویق شود، این تشویق به‌تنهایی برای او نیست بلکه بر مبنای یک منفعت و سود جمعی است. به این معنی که هم به فردیت و تفاوت‌های فردی دانش‌آموز توجه می‌شود و هم اینکه دانش‌آموزان به‌صورت گروهی و جمعی از این تشویق بهره‌مند می‌شوند.

در مقطع دبستان که دوران طلایی آموزش است تلاش کردیم فرزندان ما به‌صورت عینی و ملموس این تجربه را داشته باشند و این تجربه برای آن‌ها درونی‌سازی می‌شود. امیدوارم این مشارکت و همدلی گام بسیار مهم و مؤثری برای همه فرزندان راه رشد و ایران زمین و گام بسیار مؤثری در زندگی آن‌ها باشد و با همه خلق‌و‌خوهای آن‌ها و برای داشتن یک زندگی و آینده بهتر عجین شود.



مهدی نیلاش

مدیر متوسطه ۱ پسرانه

آموزش اصولی هنر مشارکت‌ورزی

ابتدا گریزی به کتاب «پوست در بازی» اثر نسیم طالب می‌زنم. در این کتاب اشاره می‌شود که اگر در امری فعالیت کنید و مسئولیت کار خود را نپذیرید و یا اصلاً مسئولیتی در آن کار نداشته باشید، به اصطلاح پوست شما در بازی نیست.

حال به تعاونی خودمان نگاه کنیم؛ در فضای راه رشد این امکان فراهم است که مشارکت‌ورزی را با دانش‌آموزان تمرین کنیم و اعضای مدرسه نیز در امر مشارکت حضور فعال داشته باشند. در تعاونی راه رشد، اکثر سهامداران معلم‌ها هستند؛ کسانی که خودشان فعالانه در مدرسه مشارکت واقعی می‌کنند، چرا که پوست در بازی هستند؛ با انجام یک اقدام مثبت، نتیجه در برآیند کل به خودشان بازمی‌گردد و بالعکس. کمتر تعاونی را می‌بینید که چنین ویژگی را خلق کرده باشد.

در مورد دانش‌آموزان نیز، ما شورای دانش‌آموزی را داریم که یک‌شبه مشارکت است اما با توجه به اینکه یکی از نمادهای تعاونی، مشارکت است باید فعالیتی طراحی می‌کردیم که مشارکت‌ورزی را به نمایش بگذارد. در دبستان موارد زیادی از مشارکت‌ورزی داریم اما در مقطع متوسطه «مدرسه در دست بچه‌ها» نماد این مشارکت‌ورزی است؛ یک فعالیت سه‌روزه با مقدمات یک‌هفته‌ای که تمام سیمت‌های مدرسه از مدیریت تا خدمات، در اختیار بچه‌هاست و دانش‌آموزان برای سیمت‌های مختلف آزادانه نامزد می‌شوند و موضوع آزادی مشارکت به‌درستی در این فعالیت به نمایش گذاشته می‌شود.

باید تمرین اجماع‌سازی کنند و بتوانند دانش‌آموزان را ترغیب کنند که به آن‌ها رأی دهند و تا این مرحله چندان تفاوتی با شورای دانش‌آموزی ندارد. اما بخش آخر که مسئولیت می‌پذیرند نقطه عطف و تفاوت «مدرسه در دست بچه‌ها» است؛ یعنی وقتی مدیر می‌شوند باید جای مدیر مدرسه پاسخگوی تمام مسائل در قبال دانش‌آموز و معلم و اولیا باشند و تصمیم بگیرند و مسئولیت آن تصمیم را نیز بپذیرند. این مسئولیت صددرصدی نیست اما تمرین مشارکت است.





صدای قصه‌ها را بلند کنیم

گفت‌وگو

سمیرامیس شاه‌اسماعیلی

عضو تعاونی



یک تعاونی را داشتیم و در آن خواستیم که مقهور سلطهٔ هژمونیکِ بازار و سرمایه نباشیم و خودمان بتوانیم فضای کار و زندگی‌مان را بسازیم و آن‌چنان‌که فکر می‌کنیم درست‌تر است بر ساخت کنیم، تصمیم گرفتیم که این تجربه را گسترش دهیم. در همین راستا رویدادی به نام «کوپ‌تاک» طراحی کردیم و در آن قصد داریم روایت‌های خُرد را از سراسر دنیا جمع کنیم و آن‌ها را کنار هم قرار دهیم و با جمع کردن این تجربه‌ها به قصه‌های مشترک دست پیدا کنیم. درست است که هر کدام از روایت‌ها به‌تنهایی دیده می‌شوند اما وقتی این خرده‌روایت‌ها در کنار هم قرار می‌گیرند و تکرار می‌شوند، می‌توان به نتایج قابل‌تعمیم رسید و از آن‌ها الگوهایی را استخراج کرد و به نمایش گذاشت.

در بستر «کوپ‌تاک» در تلاشیم به‌واسطهٔ جمع‌آوری تجربهٔ آدم‌های مختلف از سراسر جهان بتوانیم دنیای آن‌ها را نشان دهیم و با این تصویرسازی و کشف قصه‌های آن‌ها، جهان زیباتری را رقم بزنیم. جهانی که برای همه جا دارد و به همه فرصت زندگی می‌دهد و در آن تبعیض، ناعدالتی، به حاشیه راندن و طرد کردن آدم‌ها کمتر رخ می‌دهد.

جهانی که امکانی برای شمولیت پیدا کردن آدم‌هاست و آدم‌ها به‌واسطهٔ جنسیت، نژاد، دین و یا ملیت پس زده نمی‌شوند و سرنوشت آن‌ها به‌واسطهٔ دسترسی و یا عدم دسترسی به بازار تعیین نمی‌شود. کنار هم جمع می‌شوند، قصه‌های خود را می‌گویند و تلاش می‌کنند صدای دیگران باشند و صدای دیگران را بلند کنند.

جهان امروز جهان روایت‌ها، جهان تجربه‌ها و جهان آدم‌هاست. امروز در تعریف جامعه، آن را مجموعه‌ای از نهادهای اجتماعی گسترده و پهن‌دامنه نمی‌دانیم بلکه جامعه مجموعه‌ای از کنشگرانی است که خلق معنا می‌کنند و با معناها به زندگی خود جهت می‌دهند. امروز دیگر کسی برای تغییرات اجتماعی به دنبال تغییر ساختارهای کلان نیست بلکه به دنبال آن است که از طریق کنشگرانی که در تلاش برای پیشبرد زندگی هستند تغییراتی ایجاد کند. به این واسطه تجربهٔ آدم‌ها از زندگی مهم است. امروز زمانی که در مورد بقای محیط‌زیست، سازگاری و امکان‌های زندگی حرف می‌زنیم باید به کنشگران و زندگی گروه‌ها و جامعه‌های محلی توجه کنیم و ببینیم آن‌ها چه سازوکاری را به دست می‌گیرند و تلاش آن‌ها برای ادامهٔ زندگی چگونه است و بنابراین مهم است که تجربهٔ آن‌ها، نوآوری، کشف و انطباق‌پذیری آن‌ها با پدیده‌ها در جامعه شنیده شود.

امروز دیگر مسئله این نیست که کلان‌روایت‌ها که در دورهٔ مدرن به آن‌ها دست پیدا کردیم، همچون نظام اقتصادی مشخص، سیر تاریخی پیش‌رونده و تاریخ پیشرفت دوباره بازگویی شود و آدم‌ها خود را با آن تطبیق دهند بلکه مسئله این است که آدم‌ها هر کدام زندگی خود را بر اساس آنچه دریافت می‌کنند و آن‌گونه که امکانش را دارند سروسامان می‌دهند و پیش می‌برند. امروز ما در پی این نیستیم که جهان را پاتوبیولوژیک ببینیم و آسیب‌شناسی کنیم و ببینیم چه کسی در حد استانداردهای ماست، امروز باید جهان را دراماتیک ببینیم، باید قصه‌ها را باز پیدا کنیم، باید صدای قصه‌ها را بلند کنیم.

ما در «کوپ‌تاک» با توجه به اینکه خودمان فرصت تجربهٔ فعالیت در



تعاونگران سخن می‌گویند...

اکوپ‌تاک | CoopTalk

CoopTalk
سخن‌تعاونگران

مجمع آموزشی راه‌رشد
RAH-E ROSHD EDUCATIONAL COMPLEX

روایت یک چهل تکه بزرگ پرقصه

یادداشت



آناهیتا اصلاح‌پذیر

مدیرعامل تعاونی راه‌رشد

و سختی و تنش فراوان است، مردم تاب‌آورتری را ایجاد کرده و نه مردم متحمل. مردم متحمل تغییر شکل می‌دهند اما مردم تاب‌آور خودشان را حفظ می‌کنند و سعی می‌کنند فضای اطراف را به نفع کاری که می‌خواهند تغییر دهند؛ بنابراین داشتن بستری که در آن بتوانیم تجربه‌های همدیگر را بشنویم و ببینیم و با غم‌ها و شادی‌ها و همهٔ احساساتی که ممکن است در طی این مسیر ایجاد شده باشد مواجه شویم و در بازگو کردن این تجربه مجدداً به سراغ ما بیاید، یک قصهٔ بزرگ از تاب آوردن در جمع و کار مشارکتی را به نمایش می‌گذارد و برای افرادی که می‌ترسند، نگران هستند و تجربهٔ ورود به کارهای مشارکتی را ندارند باقی بماند و مثل یک دستورالعمل، دلگرمی و پشتوانهٔ جایی را داشته باشند که هر زمان خواستند به آن رجوع کنند و در آن ببینند که آدم‌ها از چه جایی عبور کردند و با آن راه، موفقیت و توان‌افزایی خودشان را تقویت کنند. این رویداد در ایران و حوزهٔ بین‌المللی قرار است اجرا شود و این تجربیات را مثل یک چهل تکهٔ بزرگ پر قصه کنار هم قرار دهد و در انتها وقتی به آن می‌نگریم لذت ببریم و این چهل تکه انتهایی ندارد و هر زمانی که بخواهیم یک چهل تکهٔ جدید می‌توانیم به آن اضافه کنیم.

هدف از راه‌اندازی رویداد «کوپ‌تاک» فراگیر کردن مشارکت جمعی در ارتباط با کارهای جمعی است. تعاونی جایی است که مجموعه‌های مرجع آدم‌ها در آنجا شکل می‌گیرد و این مجموعه‌ها می‌توانند جلوی بسیاری از ناملایمات و سختی‌ها را به‌ویژه در حوزهٔ کسب‌وکار بگیرند.

هر کسب‌وکاری فرازونشیب خاص خود را دارد و با همین‌هاست که شخصیت هر مجموعه‌ای شکل می‌گیرد. از آنجایی که همیت و قدرتِ جمع، کمک ارزنده‌ای در تقویت قدرتِ تاب‌آوری می‌کند، در تعاونی‌ها در صورت وجود مشکلات، موانع و فشارها بین افراد تقسیم می‌شود و موجب می‌شود ساده‌تر از پس شکنندگی و از پا افتادن برآمد. حتی اگر از پا می‌افتیم جمعی هستند که کمک می‌کنند تا از پس مشکل بربییم.

تاب آوردن در جمع در تعاونی بسیار بیشتر امکان‌پذیر است چرا که در تاب آوردن یاد گرفتن داریم و بازگشت به شرایط عادی با تجربهٔ جدید همراه است. در تاب‌آوری جمعی انعطاف (و نه شکستن) را تجربه می‌کنیم و دنیای امروز به این‌ها احتیاج دارد؛ به‌ویژه در منطقه‌ای مانند خاورمیانه که بحران‌های جمعی از جمله جنگ و خشک‌سالی





آقای دکتر مقصود فرستخواه



آقای دکتر حمیدرضا نمازی



آقای دکتر مرتضی ایمانی راد
به صورت آنلاین

امکان دوستی خلق معنا

۲۱ تیرماه ۱۴۰۳ | سالن معین

در رویداد حضوری

خانهٔ امکان مطرح شد؛

روایتِ معنا بخشی به زندگی از پسِ ناکامی‌ها

گزارش

زندگی جاری است. همه چیز دیگر از دل زندگی بیرون می‌آید و البته یک امر معقول هم هست. مرحوم طباطبایی اولین باید ما در اعتبارات عقلی انسانی را این می‌داند که باید زندگی کرد و با همین امر به باید‌های دیگر رسید؛ مثلاً تا می‌فهمیم باید زندگی کنیم در پی آن می‌فهمیم که باید زندگی اجتماعی کنیم و در پی زندگی اجتماعی متوجه ضرورت وجود عدالت می‌شویم، در نتیجه زندگی اجتماعی یک امر وجودی و فراعقلی و عقلی است.

پس از ضرورت زندگی به ضرورت عدالت می‌رسیم و آنجایی که باید زیست، پس باید پیوند و سرمایه‌های اجتماعی برای این زیستن فراهم کرد، باید به روایتی از زندگی رسید و یک عمق زندگی‌نامه‌ای داشت. اگر باید زیست، باید صبور بود و یاد گرفت که چطور زندگی کرد. اگر می‌خواهیم زندگی کنیم باید با همسرمان، با مخالفانمان، با بچه‌هایمان زندگی کنیم و در نتیجه باید کثرت را بفهمیم و بتوانیم گفت‌وگو کنیم.

زندگی با معنا؛ چرا و چگونه؟

فراستخواه بخش دیگر سخنان خود را به مطرح کردن چرایی وجود معنا در زندگی اختصاص داد: «معنا از دامن زندگی به راه می‌افتد و به زندگی رونق، رمق، قدرت، اصالت و روشنایی می‌دهد و ما با ساختن طرح‌واره‌هایی برای زندگی جست‌وجوی معنا بخشی به آن هستیم؛ اما آن چیست که در ما نیاز به معنا را برمی‌انگیزد؟ چرا ما به دنبال معنا هستیم؟ آنچه ما را به تمنای معناجویی و معنا بخشی وامی‌دارد تعادل جویی است. ما مدام در حال تجربهٔ عدم تعادلیم و دوباره می‌خواهیم تعادل را بازیابی کنیم. در واقع این معنا برای بازیابی تعادل مکرر و مجدد است که می‌خواهیم دوباره آن را در خود پیدا کنیم و تعادل یابی پویا نیاز به معنا بخشی دارد.»

نیم‌رخ

ضرورت کشف معنا

مرتضی ایمانی راد دیگر سخنران این رویداد دربارهٔ کشف معنا سخن گفت. دربارهٔ اینکه آیا باید معنا را کشف کرد یا خلق: «معنا را باید در مفهوم فردی آن بررسی کرد. اگر از دل گفت‌وگوهای فردی معنا را بیرون بکشیم، باید فرد را تعریف کرد. آیا فرد ویژگی‌های ثابتی دارد که به آن‌ها پیشرفت می‌کند یا خیر؟» در ادامه انسان را از نگاه تحولی‌اش تعریف کرد: «انسان یک پدیده است، یک پدیدهٔ خاص و یکتا در دنیا که ویژگی‌هایی دارد و آن ویژگی‌ها به فرد اصالت می‌دهند. این انسان یک پدیدهٔ پویا، سیار و پدیدارشدنی است و از دل این تعریف است که معنا به دست می‌آید. می‌گوییم ویژگی و اصالت انسان در انعطاف‌پذیری و پویایی اوست اما وقتی به خود نگاه می‌کنیم یکسری ویژگی‌های ثابت و رفتارهای تکراری را نیز در خود می‌بینیم. تمام این رفتارهای تکراری و ثابت‌شدگی‌ها در زندگی ما وجود دارند و تمام ویژگی‌های مثبت و منفی‌ای که داریم، یک نوع مانع برای انسان هستند چرا که انسان را بدان‌گونه مطرح کردیم. به همین خاطر ویژگی انسان، سیال بودن و انعطاف‌پذیری در مقابل رفتارهای مختلف و حرکت کردن است و این ویژگی است که اصالتِ انسان را شکل می‌دهد.

در واقع انسان «می‌تواند» به این سمت حرکت کند و این توانستن به او اصالت می‌دهد. با این اصالت‌ها هر جا که گرفتار تکرار، رسوب و کسالت می‌شویم، اشکالی وجود دارد که باید آن را برطرف کرد و اینجاست که مسئلهٔ اصلی تحول مطرح می‌شود و این سؤال شکل می‌گیرد که من کجا دچار تکرار شده‌ام؟ در این شرایط به‌عنوان کسی که متعهد به خود، جامعه و اطرافیانم هستم، برای من مهم این است که با هرگونه تثبیت و تکرارشدگی طغیان می‌کنم و علیه هرگونه تکراری که موجب کسالت‌بار و ملال‌انگیز شدن زندگی‌ام می‌شود شورش می‌کنم.

نکتهٔ مهم در اینجا چگونگی حرکت در این سمت است. اینکه چه شد که این‌گونه شدم، چرا آن‌قدر دچار سکون و درجا زدن شدم و چگونه می‌توانم به سمت تحول حرکت کنم؟ زمانی می‌توانم به سمت تحول حرکت کنم که از همان مسیری که من را به اینجا کشانده است، خودم را به سمت نوشدگی پیش ببرم؛ یعنی در بستر زندگی تجربی خودم به سکونی رسیدم و باید در همین بستر نیز مسئلهٔ خودم را حل کنم. در نتیجه به سمت انعطاف‌پذیری بیشتر و نوشدگی بیشتر با زندگی از مسیر همان زندگی زیسته پیش خواهیم رفت و نوشدگی محصول درگیری و مواجههٔ من با زندگی خواهد بود. با این مواجهه‌ها است که در زندگی معناهایی شکل می‌گیرد که محصول نوع درگیری با آن‌هاست.»

۹۹

معنا از دامن زندگی به راه می‌افتد و به زندگی رونق، رمق، قدرت، اصالت و روشنایی می‌دهد و ما با ساختن طرح‌واره‌هایی برای زندگی در جست‌وجوی معنا بخشی به آن هستیم؛ اما آن چیست که در ما نیاز به معنا را برمی‌انگیزد؟ چرا ما به دنبال معنا هستیم؟

معنا، درنگ و مراقبت

حمیدرضا نمازی سخنران سوم این رویداد بود که از نمودهای بی‌معنایی در زندگی روزمرهٔ اجتماعی ما سخن گفت: «ما سیستم‌هایی داریم که معنا سازی می‌کنند. ایدهٔ فروید که یک ناخودآگاهی عمیق پشت این ماجراهاست و عقلانیت و خودآگاهی ما کف روی اقیانوس ناخودآگاهی است توسط عده‌ای نقد شد که معروف‌ترین آن مربوط به آلبرت آلیس است. او گفت که اتفاقاً باورهای عقلانی ما خیلی مهم است و نباید همهٔ تخم‌مرغ‌ها را در سبد ناخودآگاه گذاشت.

او معتقد بود سوگیری‌های شناختی ما که در حیطهٔ باورهای ماست در فراز و فرود روان‌شناختی ما نقش دارد، در واقع باورهای ما معنا سازند. به‌علاوه عواطف و احساسات ما نیز معنا سازند؛ خشم و حسادت و انزجار و اضطراب و در مجموع عواطف شناختی ما معنا سازند.

اما یکی از مواردی که موتور معنا می‌شود، مقایسه است. ما ناخودآگاه وقتی می‌خواهیم معنا بسازیم مقایسه می‌کنیم و دو چیز را برای بر ساخت لذت و معنا مقایسه می‌کنیم؛ یکی درآمد و دیگری زیبایی جسمی. هر چند که مقایسهٔ زیاد همین دو مورد معنا را از بین می‌برد. پژوهشی توسط کانرمن در باب این مضمون که آیا پول خوشبختی می‌آورد در سال ۲۰۱۱ منتشر شد و نشان داد به‌تأ ۷۵ هزار دلار در سال، شادکامی و خوشبختی می‌آورد اما بیش از آن دیگر فرقی نمی‌کند.

دو سال بعد از این پژوهش، این رقم توسط کلین ورس رد شد و او اعلام کرد که بین ۷۵ تا ۱۰۰ هزار دلار نیازهای پایهٔ ما برآورده می‌شود و بعد از آن احساس شادکامی به‌صورت خطی بالا می‌برد. عده‌ای این دو مطالعه را بررسی کردند و مشخص شد روش پژوهش اول همه یا هیچ بوده است و روش پژوهش دوم به‌صورت لحظه‌ای این شاخص را بررسی می‌کرد. در سال ۲۰۲۳ مقاله‌ای مشترک توسط دو پژوهشگر این مقاله‌ها منتشر شد که در آن اشاره شد ۸۰ درصد مردم با درآمد ۷۵ هزار دلار نیازهای زیستی‌شان برآورده می‌شود و بعد از این رقم، ثروت می‌تواند شادکامی بیاورد و برای ۲۰ الی ۳۰ درصد هم این شاخص برعکس می‌شود.

گاهی ما در جامعه دچار بی‌معنایی می‌شویم. جلسات بی‌معنا، گفت‌وگوهای بی‌معنا، پژوهش‌های بی‌معنا و فکر می‌کنیم دور هم جمع شدن و گفت‌وگو کردن، ذاتاً اصالت دارند در صورتی که می‌تواند به ضد خود تبدیل شود. باید معنای عناصر، واژگان، امکانات و وقایع را فهمید و معنا را تفسیر کرد چرا که معنا در گرو فهم است و بالعکس. باید در معنای زندگی درنگ کرد و از آن مراقبت کرد تا دچار بی‌معنایی نشویم.»

علوم انسانی،

فرهنگ راه رشد است



سیاوش خوشدل

استاد ادبیات

گفت و گو با معلم المپیاد ادبیات راه رشد

«آن نقطه عطف لحظه‌ای بود که داشتم از تلویزیون مستندی می‌دیدم که از یک بحران اجتماعی و فرهنگی صحبت می‌کرد و در آن لحظه احساس کردم که دوست دارم شغلم و کارم و چه‌بسا زندگی من در مسیری باشد که با این مسائل مرتبط است.» این جمله بخشی از صحبت‌های سیاوش خوشدل، استاد نام‌آشنای ادبیات است که بیش از ده سال است با تعاونی فرهنگی و آموزشی راه رشد همکاری می‌کند. او معتقد است ذات و ماهیت علوم انسانی نقد و سؤال است و راه رشد به‌خوبی این بستر را برای دانش‌آموزان خود فراهم کرده است. در ادامه گفت‌وگوی مجله نیمکت سفید با او را می‌خوانید.



را انتخاب کردم.

از چه زمانی در راه رشد مشغول به فعالیت شدید؟

حدود ده سال است که با راه رشد همکاری دارم. ابتدا برای آمادگی المپیاد ادبیات همکاری خود را آغاز کردم و در ادامه تدریس ادبیات در مقطع متوسطه را نیز بر عهده گرفتم.

مدرسه در حل مسئله‌های شما (به‌ویژه زمانی که دچار چالش می‌شدید) چه نقشی داشت؟ اینکه بتوانید تعامل و گفت‌وگو کنید و راه‌حلی برای مشکلات پیدا کنید.

مدرسه هم این‌طور نبود که ما را به حال خودمان رها کند. مسئولان مدرسه همراه ما بودند، حل مسئله می‌کردند و به ما یاد می‌دادند که چطور با هم گفت‌وگو کنیم و به همدیگر زمان بدهیم و کنترل خشم کنیم و این خیلی برای ما با ارزش بود و بعدها در دانشگاه خیلی به کمک من آمد. مدرسه در واقع به ما مهارت‌هایی را یاد داد که شاید هر جایی نمی‌توان به راحتی این مهارت‌ها را یاد گرفت و ما را چند قدم از هم‌سالانمان جلوتر برد و این خیلی با ارزش بود.

یک تفکر ادامه‌داری از دهه‌های گذشته وجود دارد که تمایل به رشته علوم انسانی یک تمایل ثانویه بوده است و عرف بر این بوده است کسانی که تحصیلات پایین‌تری داشتند جذب این رشته می‌شدند. اما الان و در نسل جدید انتخاب دانش‌آموزان متفاوت شده است و آن‌ها بیشتر به سمت علاقه خود می‌روند اما همچنان نیز علاقه به علوم انسانی متفاوت از سایر رشته‌هاست. چه عاملی به این تفکر دامن می‌زند و آیا علاقه به حضور در این رشته در کشور ما تغییر کرده است یا خیر؟

این تفکر متعلق به امروز و دیروز نیست و خیلی قدیمی‌تر از این حرف‌هاست. برای مثال نگاه نسبت به دانشگاه تهران که همه رشته‌ها را پوشش می‌دهد نگاه مطلوبی نبود و این‌گونه تصور می‌شد که این دانشگاه و دانشجویان آن، آن قدری که لازم است مطیع و تابع نیستند و زیادی مطالبه‌گرند. برای همین تصمیم بر آن شد تا یک دانشگاه صنعتی ایجاد شود که امروز به نام دانشگاه شریف شناخته می‌شود؛ با فرض اینکه دانشجویان آن صرفاً عده‌ای مهندس هستند که برای ساخت‌وساز کشور مفیدند. که البته این تفکر نیز به ثمر ننشست و از دل همان دانشگاه نیز گروه‌ها و افرادی به جامعه معرفی شدند که منتقدتر و رادیکال‌تر نیز بودند.

این مثال تاریخی را زدم که بگویم این نگاه به رشته علوم انسانی چه ریشه قدیمی‌ای دارد. از دیرباز به رشته علوم انسانی به چشم یک مزاحم نگاه می‌شود چرا که ماهیت آن نقد و سؤال است. ببینید وقتی جواب سؤالات را از قبل گرفتیم، دیگر پژوهش، تفکر، نقد، ارزیابی و تحلیل مجالی برای بروز ندارند و حتی سعی می‌شود علوم انسانی نیز به همین سمت پیش رود در حالی که ذات و ماهیت علوم انسانی نقد و سؤال است و در آن نمی‌توان جواب‌ها را از قبل حل‌شده فرض کرد در حالی که در علوم تجربی تا حدی جواب‌ها از قبل گرفته شده است و جواب جدید نیز در راستای بهبود جواب‌های قبلی است؛ اما علوم انسانی فکر می‌کند. به جامعه، به انسان‌ها و روابط بین آن‌ها فکر می‌کند.

اصلاً چرا اسم این علوم را انسانی گذاشتند؟ چرا که انسان در آن محل فکر و پژوهش است و نمی‌تواند جواب‌های قبلی را برای قرن حاضر به کار ببرد. علوم انسانی در حال تفکر دائمی است و باید کمک کند تا به سؤال‌ها، مطالبات و نقدها پاسخ داده شود، هر چند که مخالفانی هم دارد. برای نمونه از قدیم رایج بوده است و تأکید می‌شده است کسی که می‌خواهد به جایگاهی برسد یا باید پزشک شود و یا مهندس؛ البته که نافی این موضوع نیستیم که وجود این رشته‌ها نیز لازم است اما به نظر می‌رسد که تفکر مخالف علوم انسانی چندان بی‌میل نیست این تفکر منفی درباره این رشته و گرایش‌های آن ادامه پیدا کند.

راه رشد نسبت به مدارس دیگر جایگاه ویژه‌تری برای رشته علوم انسانی در نظر می‌گیرد. دلیل این تفاوت در راه رشد را چه می‌دانید و آیا فکر می‌کنید این نگاه ویژه و تفاوت توانسته است رشته علوم انسانی را در راه رشد به جایگاه خوبی برساند؟

راه رشد همیشه رتبه‌های خوبی در قبولی دانشگاه‌ها داشته

است و این نتیجه توجه به رشته علوم انسانی است؛ اما علوم انسانی را در راه رشد نه فقط محدود به رشته علوم انسانی، بلکه یک فرهنگ در راه رشد می‌بینم. در واقع فرهنگ علوم انسانی در راه رشد جاری است و حتی در بچه‌های رشته‌های دیگر نیز این فرهنگ نهادینه می‌شود و برای آن‌ها نیز ارتباط اخلاقی، فرهنگی، تولید محتوای فرهنگی و اجتماعی کردن مسئله و دغدغه است و تنها محدود به دانش‌آموزان رشته علوم انسانی نیست. در راه رشد این فضا را می‌بینم که دانش‌آموزها مطالبه‌گر و تجربه‌گرند. برای نمونه مدرسه در دست بچه‌ها یک تجربه اجتماعی بسیار خوب است که اینجا با جدیت اجرا می‌شود و نمود خوبی از این است که مسئولان مدرسه، علوم انسانی را به کار می‌بندند و در واقع علوم انسانی را برای کلیت جامعه این مجتمع در نظر می‌گیرند. به‌طور خاص نیز وقتی راه رشد برای دو دانش‌آموز کلاس برپا می‌کند، احتمالاً توجه مالی چندانی ندارد اما برای همان دو نفر نیز برگزار شده است و این یعنی علوم انسانی در اینجا ارزش دارد. برای نمونه، دغدغه المپیاد اکثراً برای پایه یازدهم مطرح است اما همین سال گذشته دانش‌آموزانی داشتیم که در المپیاد برگزیده شدند.

نهایی شدن امتحانات در همه پایه‌های متوسطه بر روند حضور دانش‌آموزها در المپیاد چه تأثیری خواهد گذاشت؟

امتحانات نهایی مقداری معادلات را عوض کرده است و باید در یکی دو سال آینده بیشتر به این دو مقوله اهمیت داده شود اما فکر نمی‌کنم در این زمینه نیز مشکلی وجود داشته باشد و تنها نیاز است که با شرایط جدید هماهنگ شد چرا که در راه رشد بچه‌های توانمند، علاقه‌مند و نقادی داریم که اهل تحلیل کردن هستند و برای حقوق خود مطالبه‌گرند و این‌ها مواردی است که راه رشدی‌ها به آن توجه دارند و این فضایی است که از قبل بوده است در مدرسه و دانش‌آموزان هم از این امکانات به‌خوبی استفاده می‌کنند.

اگر قرار باشد برنامه‌ای برای تابستان در راه رشد در نظر گرفته شود فکر می‌کنید باید روی چه مباحثی سرمایه‌گذاری کرد؟

به نظر من یکی از کارهای خوب این است که متخصصان کارشناسان ارشد رشته‌های مختلف در حوزه کاری خود بتوانند یک معرفی از رشته خود داشته باشند و دوره‌هایی در این زمینه برای دانش‌آموزان برگزار شود. به‌ویژه مواردی که کمتر در مدرسه و کتاب‌های درسی می‌تواند نمود داشته باشد و الان در حوزه‌های دانشگاهی بیشتر رواج دارند.





پرینسا اصلان خانی

مربی تصویرسازی مهدکودک

هنر چیزی است که انتها ندارد باتصاویر از حیواناتِ داستانِ کدوی قلقله زن خشونت زدایی کردم

گفت و گو

هنر خلق کردنِ تصاویر، روایت یک ایده ذهنی با قالب بصری و پرورش استعداد کودکان در راه رشد بسیار ارزشمند است. از همین روی یک استاد دانشگاه مسئولیت تدریس و آموزش این هنر را بر عهده گرفته است. با پرینسا اصلان خانی، استاد دانشگاه سوره و مربی نقاشی و تصویرسازی مهدکودک کاج گفت وگویی داشتیم که در ادامه می خوانید.

«ابتدا لطفاً خودتان را معرفی کنید و از تحصیلاتتان بگویید و چند سال است که در راه رشد مشغول به تدریس هستید.

من پرینسا اصلان خانی هستم. مربی نقاشی و تصویرگری تعاونی فرهنگی و آموزشی راه رشد. در دانشگاه سوره در مقطع کارشناسی، گرافیک و در مقطع کارشناسی ارشد، تصویرسازی خواندم. الان حدود شش سال است در همین دانشگاه تصویرسازی تدریس می کنم و همزمان هم نُه سالی است که در راه رشد مشغول فعالیت هستم. در اینجا هنر نقاشی و مجسمه سازی تدریس می کنم.

«لطفاً کمی دربارهٔ علاقهٔ خود به نقاشی و خلق تصاویر توضیح دهید.

علاقهٔ من به نقاشی به دوران دبیرستان برمی گردد. من از سال دوم دبیرستان نه فقط نقاشی که به موسیقی هم علاقه داشتم و فراگیری نقاشی و پیانورا با هم شروع کردم اما تمایلم به نقاشی خیلی بیشتر بود و آن را ادامه دادم. در دورهٔ کارشناسی واحد تصویرسازی هم داشتیم و به خاطر علاقه ای که به تصویرسازی کتاب کودک داشتم تصمیم گرفتم کارشناسی ارشد هم تصویرسازی بخوانم. تصویرسازی کودکان را به خاطر این انتخاب کردم که می توانم ارتباط مستقیمی با آن ها برقرار کنم و این برای من لذت بخش است. اصلاً یکی از دلایل علاقه مندی من به تدریس در راه رشد به دلیل همین ارتباط مستقیمی است که می توانم با کودکان داشته باشم.

«شما تصویرسازی کتاب انجام می دهید درست است؟

بله، تصویرسازی کتاب های کودکان را که معمولاً مربوط به کتاب های گروه سنی هفت سال به بالا و یا پیش دبستانی است انجام می دهم.

«اسم چند کتابی را که تصویرسازی آن ها با شما بوده است نام ببرید.

«قمری توی ایوون» که توسط کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان منتشر شده است. تصویرسازی کتاب «کدوی قلقله زن» را هم انجام دادم که البته هنوز چاپ نشده است. این کتاب مشابه داستان کدوی قلقله زن است اما به شیوهٔ دیگری کار شده است؛ در واقع یک کتاب تعاملی و ذهنی و حرکتی است. در این کتاب از داستان کدوی قلقله زن آشنایی زدایی کردم و خشونت را از قصهٔ پیرزنی که همهٔ حیوانات می خواهند او را بخورند برداشتم و دوستی حیوانات با پیرزن را به تصویر کشیدم که در آن حیوانات دنبال پیرزن می گردند تا مهمان خانه اش شوند و از سوپ کدوی او بخورند.

داستان به نوعی در تابلوی نقاشی نقاشان معروف دنیا اتفاق می افتد و بچه ها در انتهای کتاب نام صاحبان اثر، سال تولید اثر و تکنیک اثر را می بینند و به کتاب رجوع می کنند و تصویر و داستان

را با هم تطبیق می دهند. در رابطه با این کتاب مقاله ای در سال ۹۷ نوشتیم که در جشنوارهٔ هنرهای تجسمی فجر در سال ۹۸ به عنوان مقالهٔ اول شناخته شد.

«عنوان مقاله را می گوید؟

«شیوه های طراحی کتاب های تعاملی، تعاملی ذهنی و خلاقیت کودکان پیش دبستانی». این مقاله در مجلهٔ گرافیک دانشگاه الزهرا (س) هم چاپ شد.

«یعنی شما پس از چاپ آن مقاله تصمیم گرفتید کتابی با همین مضمون تصویرسازی کنید؟

بله، در واقع تصویرسازی این کتاب با توجه به تحقیقاتی که بر روی این مقاله انجام داده بودم رخ داد.

«در راه رشد چه برنامهٔ کاری ای برای کار با کودکان تعریف کردید؟

ببینید اینجا مهم است که کودکان با اصول و مبانی هنرهای تجسمی آشنا شوند چون مبانی هنرهای تجسمی (چه برای کودکان و چه بزرگسالان) اولین چیزی است که برای یادگیری هنر باید به آن پرداخت. خطوط و اشکال هندسی را با کودکان کار می کنیم اما یک تقسیم بندی بین مقطع پیش دبستان یک و دو داریم؛ در مقطع پیش دبستان یک، کودکان بیشتر یاد می گیرند که چگونه با استفاده از مبانی آموخته شده، مثلاً حیوانات و اشیا و طبیعت را بکشند اما در مقطع پیش دبستان دو، روی خلاقیت کودکان متمرکز هستم. برای آن ها داستانی را روایت می کنم و یک ذهنیت تعریف می کنم و آن ها با توجه به آن داستان تصویرسازی می کنند.

«در کنار هنر تصویرسازی فعالیت دیگری هم انجام می دهید؟

نقاشی می کنم و تدریس هم می کنم و در زمان های خالی هم بیشتر به تصویرسازی کتاب ها مشغول هستم. الان تصویرسازی یک کتاب را شروع کرده ام که یک نویسندهٔ کانادایی پیشنهاد داده است. البته تا الان هفت نمایشگاه، خارج از ایران برگزار کردم و به عنوان منتخب کاتالوگ کتاب کودک نمایشگاه ناومی کرهٔ جنوبی برگزیده شدم. در فستیوال دوسالانهٔ گاو اوکراین، تایلند و آلمان هم نمایشگاه داشتم.

«شما استاد دانشگاه هم هستید و قاعدتاً با تحقیق و پژوهش بسیار سر و کار دارید. دانش خود در زمینهٔ آموزش به کودکان را چگونه به روزرسانی می کنید؟

به هر حال هنر چیزی است که انتها ندارد و همیشه باید در حال یادگیری باشید. همیشه تلاشم را می کنم پذیرای مطالب جدید باشم و تکنیک های جدید را کار می کنم و سعی می کنم کارگاه های مختلفی را برگزار کنم و سعی می کنم با خواندن کتاب های مرتبط و دیدن آثار هنرمندان نقاط مختلف، ایده های ذهنم را پرورش دهم.



ماجرای قصه گوی «خروس زری، پیرهن پری»

یک عمر بازیگری

گفت و گو



پرینسا صبورنژاد شیرازی

مربی تئاتر مهدکودک

پرینسا صبورنژاد شیرازی مربی تئاتر مهدکودک و دبستان راه رشد است. او متولد دی ماه ۱۳۶۳ است. هنر و نمایش از کودکی با او پیوند داشته است و پدر و مادرش مشوق و همراه او برای رسیدن به نقطه ای هستند که در آن ایستاده و البته اندکی از این طبع هنری را نیز از نیاکان خود به ارث برده است. شاید نام او برای بسیاری از مخاطبان تئاتر و سینما با دو سریال شهرزاد و افعی تهران پرآوازه تر شده باشد اما مربی تئاتر راه رشد سال هاست که با کودکان این خانه، هم قصه و همراه است. با خانم صبورنژاد به گفت وگویی صمیمی نشستیم و او از زندگی خود، راهی که طی کرده است و مسیری که در راه رشد ساخته سخن گفتیم و می توانید این گفت وگویی جذاب را در ادامه بخوانید.

«به عنوان سؤال اول، قصهٔ ورودتان به عرصهٔ هنر نمایش را برای ما تعریف کنید.

آشنایی و علاقهٔ من به هنر نمایش به دوران کودکی و سینمای دههٔ شصت بازمی گردد. پدرم به سینما بسیار علاقه مند بود و در دههٔ شصت هم تولیدات سینمای کودک خیلی زیاد بود. ما دائم به سینما می رفتیم و این برای من خیلی جذاب بود. البته باید بگویم که هنر تئاتر در خانوادهٔ ما ریشه دار است و ابتدا مادر بزرگ و عمهٔ من بازیگر تئاتر بودند اما مشوق های اصلی من پدر و مادرم بودند.

یادم می آید راهنمایی که بودم یک گروه فیلم برداری از تهران به شیراز آمده بودند و از بچه ها تست بازیگری می گرفتند. مادرم من را برای تست به مؤسسه ای به اسم سروش که زیر نظر صداوسیما بود برد و در کلاس های آن ها شرکت کردم. در واقع خانواده ام خیلی همراه من بودند و هر جایی که کلاس بازیگری بود مرا می فرستادند و همین تشویق ها و علاقه باعث شد در مدرسه هم در نمایش خیلی فعال باشم و همیشه نمایش های مدرسه را من مدیریت و اجرا می کردم.

تا اینکه دورهٔ هنرستان و انتخاب رشته شد و برای اولین بار یک هنرستان دولتی در ایران و در شیراز هنرجو پذیرش می کرد. من در آزمون ورودی شرکت کردم و قبول شدم و در هنرستان نمایش خواندم. بعد کنکور دادم و رشتهٔ فیلم سازی تهران قبول شدم، اما فقط دو ترم خواندم و به دلیل سختی دوری از خانواده، از دانشگاه انصراف دادم و به شیراز برگشتم. در شیراز هم دو ترم کارگردانی خواندم اما دوباره انصراف دادم چرا که با استاد های خودم در تهران کار می کردم و در نهایت باید به تهران می آمدم. یکبار دیگر کنکور

دادم و دانشگاه تهران قبول شدم. کارشناسی نمایش عروسکی و کارشناسی ارشد، بازیگری خواندم و در طی این سال ها بیشترین فعالیت من در زمینهٔ تئاتر بوده است.

«با چه کسانی در این سال ها فعالیت هنری خود را پیگیری کردید؟

«افتخار داشتم که با آدم های ارزشمندی از جمله علی رفیعی، محمد مساوات، امین بهروزی و... کار کنم. با آقای فتحی در فصل یک سریال شهرزاد کار کردم. شهرزاد یک دوست شیرازی به نام سعیده داشت و نقش او را بازی کردم. در سریال نجوا نقش زرین را بازی کردم و در سریال افعی تهران نیز نقش مادر آقای معادی را در کودکی اش بازی کردم.

«چه شد که به نمایش عروسکی و کار با کودکان روی آوردید؟

من همهٔ عمرم بازیگری کردم، حتی زمانی که رشتهٔ نمایش عروسکی قبول شدم. در آن زمان دغدغه ام این بود که فقط دانشگاه تهران قبول شوم و این رشته را انتخاب کردم اما در نهایت زندگی من با عروسک ها پیوند خورد. به عنوان یک بازیگر همیشه به این فکر می کنم که باید دائم فعال باشم و کودکان همیشه برای من بسیار جذاب بودند، به ویژه در مبحث آموزش چرا که کار با آن ها من را به یک کشف و شهودی می رساند که به رشد شخصی خودم هم کمک می کند؛ لذا اولین چیزی که باعث می شد به آموزش کودک و کار کردن در زمینهٔ تئاتر کودک فکر کنم این بود که برای خودم هم تجربهٔ جذاب و آموزشی است. از طرفی من از کودکی ارتباط خیلی خوبی با کودکان داشتم و جهان آن ها برایم جذاب بود.

❶ با راه رشد چطور آشنا شدید؟

در شیراز در یک مهدکودک فعال و شناخته شده به اسم جوانه‌ها، کار تئاتر کودک انجام می‌دادم. وقتی آمدم تهران با چند مهد دیگر فعالیت می‌کردم اما با راه رشد از طریق یکی از دوستان دانشگاهی آشنا شدم. مدت کوتاهی کار کردم و بعد برای بازی در یک سریال به یزد رفتم و فعالیت‌م با راه رشد متوقف شد اما سه سال بعد دوباره به راه رشد برگشتم.

فضا در راه رشد بسیار صمیمی و دوست‌داشتنی بود و دوست داشتم که در اینجا با بچه‌ها فعالیت کنم. کار کردن با بچه‌ها سختی‌های خودش را دارد، به‌ویژه کار کردن با کودکان دبستان که فضای جدیدی بود و البته سخت اما تعاملی که با آن‌ها داشتم دستاوردهای جذابی برای من داشت و باعث پیشرفتم چه در زندگی حرفه‌ای و کاری و چه در زندگی شخصی شد.

❷ درباره پروژه‌ای که در سال تحصیلی گذشته

با کودکان راه رشد کار کردید اندکی توضیح دهید. نمایشی درباره جواب‌هایی که تعدادی از آن‌ها گم می‌شوند. بر چه اساسی سوژه نمایش را انتخاب کردید و هدف از این نمایش چه بوده است؟

اولین سالی بود که قرار بود با بچه‌ها پروژه‌ای را به صورت مشارکتی برای اولیا اجرا کنیم. الزامی بر حضور من در آن پروژه به عنوان بازیگر وجود نداشت اما به این فکر کردم که شاید برای این گروه سنی جالب باشد که خودم هم همراه آن‌ها باشم و با همدیگر یک اثر هنری خلق کنیم. از طرف مدرسه اعلام شد می‌خواهند خروجی کلاس سواد عاطفی و سواد سلامت در قالب یک نمایش به اجرا دربیاید. با توجه به این دو درخواست، به نمایشنامه‌ای فکر کردم که هم مشارکت خودم و دانش‌آموزان را داشته باشیم و هم محتوای این دو کلاس در آن گنجانده شود. سال‌ها قبل در فرهنگسرای نیاوران نمایشی به نام هزار جوراب‌ها کار کرده بودم. ابتدا فیلم آن نمایش را برای بچه‌ها پخش کردم و بازخورد بسیار خوبی گرفتم و با توجه به استقبال خوبی که شد، این نمایش را به صورت عروسکی تنظیم و اجرا کردیم. برای دانش‌آموزان بازی کردن در هر کدام از نقش‌ها را توضیح می‌دادم و آن‌ها نیز داده‌هایی در حین اجرا می‌دادند و کار را ارتقا می‌دادیم.

❸ در واقع سناریو را با مشارکت دانش‌آموزان خلق کردید.

بله با دانش‌آموزان سناریو را بر اساس خواسته‌ها و ذهنیت و جهان کودکانه خودشان بازنویسی و شکل دادیم. چند شعر برای این نمایش داشتیم که با همراهی آقای حبشی، آهنگسازی شد و شعرها را تمرین کردیم. تنها شعرها و خط اصلی داستان ثابت

بود که جوراب‌ها در شهر گم می‌شوند و قرار است کارآگاه سمج آن‌ها را پیدا کند و یک عروسکی به نام راپاپام پام، راهنمای کارآگاه سمج بود که کمک می‌کرد جوراب‌های گمشده را پیدا کنیم؛ اما بقیه نمایش را به صورت بداهه و مشارکتی اجرا می‌کردیم. به نظرم اجرای موفق و خوبی بود و بازخورد خوبی چه از سوی کادر آموزش و چه از سمت اولیا داشتیم و فکر می‌کنم اتفاق خوبی بود.

❹ به جز تئاتر، زمینه موردعلاقه دیگری نیز هست که دنبال کنید؟

بازیگری همیشه برای من جدی‌ترین بوده است و به جز تئاتر، آموزش را دنبال کرده‌ام.

❺ درباره آموزش توضیح می‌دهید. چطور از تئاتر برای آموزش به دانش‌آموزان استفاده کردید؟

من برای خودم یک طرح درس دارم و بر اساس آموزش‌هایی که دانش‌آموزان در مهدکودک می‌بینند؛ مثلاً فکر کردن، دوستی، سلامت فردی و شخصی، از مربی‌ها راهنمایی می‌گیرم تا بدانم قرار است روی چه مباحثی در طی یک سال کار شود یا در مناسبت‌های مختلف چه برنامه‌هایی قرار است اجرا شود و بر اساس آن‌ها قصه یا داستانی را به صورت نمایش در برنامه اجرا قرار می‌دهم. در مهدکودک بیشتر سعی می‌کنم از طریق عروسک‌ها با بچه‌ها ارتباط برقرار کنم چرا که بچه‌ها به دلیل آشنایی و ارتباط خوبی که با عروسک و اسباب‌بازی دارند به صورت ناخودآگاه ارتباط بیشتری با آن برقرار می‌کنند و عروسک پل ارتباطی من با آن‌ها می‌شود.

❻ در تابستان امسال چه نمایش‌هایی را اجرا کردید؟

قصه «خروس زری، پیرهن پری» و «خرگوش دانا» دو قصه اصلی بود که در تابستان اجرا کردیم و هدف از اجرای آن‌ها این بود که اهمیت تفکر و فکر کردن را به کودکان آموزش دهیم. در قصه خروس زری به این اشاره داشتیم که اگر نتوانیم از قدرت تفکر استفاده کنیم، چه اتفاقی ممکن است برای ما رخ دهد و چه خطراتی در پی دارد. یا اینکه شخصیت روباه که در نظر گرفته بودیم، از فکرش استفاده می‌کند اما استفاده نادرست است و این چه مشکلاتی را برای او ایجاد می‌کند. در قصه خرگوش دانا که به مناسبت زادروز آقای فرخی یزدی آن را به اجرا رساندیم به این فکر کردم که خرگوش دانا از فکر خود استفاده می‌کند و می‌تواند حیوانات جنگل را نجات دهد. یک قصه دیگر هم به نام «مهمان ناخوانده» اجرا کردیم. در این نمایش بر روی مهارت کمک کردن و نوع دوستی تمرکز کردیم و در همه نمایش‌ها سعی کردیم به صورت غیرمستقیم به دانش‌آموزان آموزش دهیم.



در مهدکودک بیشتر سعی می‌کنم از طریق عروسک‌ها با بچه‌ها ارتباط برقرار کنم چرا که بچه‌ها به دلیل آشنایی و ارتباط خوبی که با عروسک و اسباب‌بازی دارند به صورت ناخودآگاه ارتباط بیشتری با آن برقرار می‌کنند و عروسک پل ارتباطی من با آن‌ها می‌شود.

برگزیده‌المپیادادبیات؛ جای خالی انجمن‌های دانش‌آموزی



سارا گوهرگانی

دانش‌آموز پایهٔ یازدهم

گفت‌وگو



سارا گوهرگانی در پایهٔ یازدهم و در رشتهٔ علوم انسانی تحصیل می‌کند. ابتدا دانش‌آموز رشتهٔ ریاضی بود اما خیلی زود تغییر گرایش داد و علاقه‌اش را دنبال کرد. او در سالی که گذشت یکی از دانش‌آموزان برگزیدهٔ المپیاد ادبیات بود. دختر آرام، کتاب‌خوان، اهل فکر و تحلیل که راه آیندهٔ خود را به‌خوبی کشف کرده است. به‌راحتی نظرات خود را ارائه می‌دهد و از گفت‌وگو استقبال می‌کند. او از پیش‌دبستانی در راه رشد بوده است و خود را یک راه‌رشدی اصیل می‌داند. در ادامه گفت‌وگوی ما را با سارا می‌خوانید.

اول از دلیل خود برای تغییر رشته برای ما بگو. چه شد که تصمیم گرفتی از رشتهٔ ریاضی به رشتهٔ انسانی بروی؟

علوم انسانی از قدیم رشتهٔ موردعلاقه‌ام بود اما به دلیل اصرار خانواده به‌ویژه در زمینهٔ مهاجرت تصمیم گرفتم که رشتهٔ ریاضی را امتحان کنم و فکر کردم که شاید بتوانم علاقه‌ام به رشتهٔ انسانی را در کنار این رشته ادامه دهم. اما چند هفته که از آغاز سال تحصیلی گذشت دیدم که ریاضی اصلاً رشتهٔ موردعلاقهٔ من نیست و بعد از مشاوره و با تصمیم نهایی خودم، رشته‌ام را عوض کردم. البته این موضوع که دوست صمیمی من هم در رشتهٔ علوم انسانی بود من را بیشتر مصمم کرد که تغییر رشته بدهم.

چه شد که تصمیم گرفتی در المپیاد شرکت کنی؟

مهم‌ترین دلیل این است که به ادبیات علاقه دارم و به‌علاوه دوست داشتم جدای از مسیر معمولی درسی وارد فضای ادبیات شوم. از طرفی معلم ادبیات ما خانم مهربان نیز به ما خیلی توصیه می‌کردند و مشوق ما بودند که در المپیاد ادبیات شرکت کنیم.

دربارهٔ المپیاد ادبیات برای ما توضیح بده. تجربهٔ شرکت در المپیاد ادبی و برگزیده شدن در آن دربارهٔ مطالعه و برنامه‌های شرکت در المپیاد نیز برای ما توضیح بده.

کلاس‌های المپیاد از آبان و یا آذرماه شروع شده بود و من خیلی بیشتر از کلاس‌های المپیاد برای شرکت در آزمون وقت نمی‌گذاشتم. دو جلسه در هفته کلاس داشتیم و به نظرم این کلاس‌ها کافی بود.

یعنی به‌صورت متفرقه و خارج از کلاس‌ها برای المپیاد وقت نمی‌گذاشتی؟

دو کتاب معاصر به نام‌های «بعد از پایان» نوشتهٔ فریبا وفی و «شعرهای نیما یوشیج» را خواندم.

ایده‌آل‌های شما در مورد مدرسهٔ راه رشد چیست؟ به نظرتان آن چیزهایی که انتظار داشتید به‌عنوان یک دانش‌آموز تجربه کنید راه رشد در اختیار شما گذاشته است؟

من خیلی دوست داشتم که در مدرسه انجمن‌های مختلف دانش‌آموزی مثل مدارس خارجی وجود داشته باشد؛ مثلاً انجمن تئاتر و ادبیات و فکر می‌کنم دانش‌آموزان راه رشد هم به این فعالیت‌های خارج از کلاس علاقه دارند. حس و حال من در راه رشد خوب است و فقط فکر می‌کنم ساعت‌های مدرسه یک مقداری زیاد است.

دربارهٔ اوقات فراغت خود هم برای ما توضیح بده. چه کارهایی می‌کنی؟

از کتاب خواندن و فیلم دیدن بسیار لذت می‌برم و در زمان‌های بیکاری به همین فعالیت‌ها مشغول هستم. پادکست گوش می‌دهم و دوست دارم دربارهٔ فرهنگ‌های باستانی و فرهنگ‌های قدیمی ایرانی نیز اطلاعات به دست بیاورم.

به‌یک‌ی از جذاب‌ترین کلاس‌های درسی که در راه رشد داشتی فکر کن. چه چیزی بود که آن کلاس را برای تو در راه رشد جذاب می‌کرد؟

فکر می‌کنم مکالمه‌محور بودن کلاس برای من جذابیت خاصی دارد. من دوست ندارم کلاس درس خیلی در قالب سخنرانی باشد و بچه‌ها هم بتوانند دربارهٔ درس نظر بدهند و خود را در فضا قرار دهند. در مجموع به نظرم معلم‌هایی که خیلی به شغل خود علاقه دارند و درس را با علاقه به دانش‌آموزان منتقل می‌کنند کلاس را خیلی جذاب می‌کنند چرا که می‌توانیم شوق او را به رشته‌ای که در آن مشغول تدریس است، از صحبت‌هایش دریافت کنیم و این برای من خیلی جالب توجه است.

**برگزیده‌المپیادادبیات؛
دختری که در
المپیاد، بیشتر
به او خوش گذشت!**

گفت‌وگو



هستی پورموسوی

دانش‌آموز پایهٔ یازدهم

هستی پورموسوی، دانش‌آموز پایهٔ یازدهم در رشتهٔ انسانی است. دختری آرام، مهربان، اهل کتاب و مطالعه که به‌خوبی به صحبت‌ها گوش می‌کند و سپس به بیان نظرات و دلایل خود پیرامون مطلب می‌پردازد. علاقهٔ او به ادبیات از مقطع متوسطهٔ اول شکل گرفت و راه رشد نیز در هدایت او به رشته‌ای که موردعلاقه‌اش بود بی‌تأثیر نبود. او یکی دیگر از برگزیدگان المپیاد ادبیات است. با او گفت‌وگویی در این زمینه داشته‌ایم که در ادامه می‌خوانید.

از چه سالی در راه رشد هستی و چه شد که رشتهٔ انسانی را انتخاب کردی؟

من از مهدکودک در راه رشد هستم. در مقطع متوسطهٔ اول با وجود آنکه در دوران کرونا بود و کلاس‌های ما به‌صورت آنلاین برگزار می‌شد اما یک‌باره به ادبیات خیلی علاقه‌مند شدم. شاید با وجود معلم‌هایی که داشتم این خواسته در من تقویت شد اما از پایهٔ هفتم و هشتم این حدس را می‌زدم که می‌خواهم این رشته را انتخاب کنم. در پایهٔ نهم، مدرسه جلسات مشاوره برای ما برگزار می‌کرد و آزمون‌هایی دادیم و مجموعهٔ این عوامل باعث شد تا رشتهٔ علوم انسانی را انتخاب کنم. مدرسه در این باره خیلی مشوق ما بود. برای مثال خانم مهربان، معلم ادبیات ما، یک جلسهٔ مجزا برگزار کردند و دربارهٔ رشتهٔ ادبیات و علوم انسانی صحبت کردند. به‌علاوه آن باوری که می‌گوید اگر درست خوب باشد باید رشتهٔ ریاضی و تجربی بروی، در راه رشد جایی نداشت و در مدرسه تلاش می‌کردند تا ما همان چیزی را انتخاب کنیم که با مشورت و راهنمایی و همچنین بر اساس علاقهٔ ما تشخیص می‌دادیم که درست است.

در مورد بقیهٔ رشته‌ها هم این اتفاق افتاد یا فقط دربارهٔ رشتهٔ انسانی جلسهٔ خاصی برای شما برگزار شد؟

کلاسی داشتیم که مشاوره با ما دربارهٔ همهٔ رشته‌ها حرف می‌زد اما جدای از این کلاس یک روز خانم مهربان در کلاس ادبیات دربارهٔ رشتهٔ انسانی با ما صحبت کرد.

چه شد که تصمیم گرفتی در المپیاد ادبیات شرکت کنی؟

همیشه در کلاس ادبیات به من خیلی خوش می‌گذرد و این کلاس را خیلی دوست دارم و تصمیم گرفتم که با ادبیات بیشتر به من خوش بگذرد. در واقع شرکت در المپیاد برای من بیشتر جنبهٔ تفریحی داشت. در کلاس المپیاد شرکت کردم و خیلی خارج از آن کلاس هم نرسیدم که درس بخوانم چرا که با آزمون‌های شبه‌نهایی هم‌زمان شده بود. یک سری از منابع قدیمی را در کلاس کار کردیم و منابع معاصر را با مطالعهٔ فردی مرور کردیم.

چه منابعی را مطالعه کردی؟

همان منابعی را که خودشان اعلام کردند

خواندم. در کانال‌های المپیاد هم عضو بودم و برخی از کلاس‌های آفلاین را گوش دادم و در کنار این‌ها مطالعهٔ آزاد و فردی خودم هم خیلی کمک کرد. نگاهی که به ما آموزش داد منابع را بطور بررسی کنیم در پیشرفت من خیلی مؤثر بود و کمک می‌کرد که بدون کلاس هم بتوانیم برای المپیاد آماده شویم.

المپیاد برای شما چه فایده‌ای داشت؟

جدای از اینکه یک آزمون و رقابت بود و خودمان را در آن محک زدیم و جدای از مطالب جدیدی که از کلاس‌ها یاد گرفتیم، در پیشرفت درس‌های اصلی من نیز کمک کرد. به‌ویژه در ادبیات فارسی، به‌گونه‌ای که در امتحانات نهایی آسان‌ترین درس برای من ادبیات بود.

در مورد مدرسهٔ ایده‌آل خودت توضیح بده.

من خیلی دوست داشتم انجمن‌های دانش‌آموزی در مدرسه فعال‌تر بودند. گرچه این رویکرد در راه رشد هست و ما پروژه‌ها را داریم اما پروژه‌ها از سوی خود مدرسه به ما معرفی می‌شود. اما اینکه بچه‌ها خودشان انتخاب کنند چه فعالیتی داشته باشند و در یک کار گروهی در انجمن‌ها فعالیتی داشته باشند، هم به مشارکت گروهی کمک می‌کند و هم دانش‌آموزان مستقل‌تر بار می‌آیند.

به کلاسی که برای تو خیلی جذاب بوده فکر کن. چه چیزی در آن کلاس بوده که باعث شده به آن علاقه‌مند شوی؟

موضوع کلاس برای من خیلی مهم است و در کنار آن رابطهٔ بین دانش‌آموزان و معلم‌ها هم برای من مهم است. چرا که وقتی یک جؤ صمیمی ایجاد شود، همیشه در آن کلاس خوش می‌گذرد.

شما با دوستان و معلم‌های خود تفاوت دیدگاه دارید. آیا فضا برای گفت‌وگو بین شما و معلم‌هایتان وجود دارد؟ و راه رشد چه نقشی در به وجود آمدن این فضا دارد؟

چنین فضایی که وجود دارد. ما در کلاس‌ها دربارهٔ چیزهای مختلفی بحث می‌کنیم و تفاوت عقاید هم زیاد است؛ اما نقشی که راه رشد داشته این است که از دبستان با برگزاری کلاس‌های بحث و مکالمه باعث شد که بچه‌ها جسور شوند و از اینکه دیدگاهی برخلاف معلم خود داشته باشند و آن را مطرح کنند نترسند.

همیشه برایت می نویسم

نویسنده: کیتلین الیفایرنکا و مارتین گاندا

مترجم: فروغ منصور قناعی

انتشارات: ادامه

«همه چیز با یک نامه شروع شد. نامه‌ای که زندگی همه‌مان را برای همیشه تغییر داد». این آخرین جملهٔ رمان «همیشه برایت می نویسم»، رمانی برآمده از دنیای واقعی، با آدم‌هایی حقیقی است. کیتلین از روی کنجکاوی کشور زیمبابوه را برای فعالیت کلاسی خود انتخاب می‌کند و دوست مکاتبه‌ای جدیدی به نام مارتین پیدا می‌کند. زندگی مارتین به قدری با زندگی او تفاوت داشت که باورکردنی نبود؛ ولی قلب‌های آن‌ها فراتر از تفاوت‌ها و مرزها، مسیر را طی کرد و این دوستی باعث انقلابی در زندگی هر دو شد. کیتلین نگاهش به زندگی و مفاهیم تغییر کرد و مارتین و خانواده‌اش زندگی باکیفیت‌تری را تجربه کردند. این کتاب پیشتر با نام «نامه» در نشر اطراف منتشر شده بود و پس از مدت‌ها غیبت در بازار، با طرح جلد و ویراستی نو، با این نام جدید توسط نشر ادامه، واحد کودک و نوجوان اطراف، روانهٔ بازار شده است.

روزی روزگاری سازمانی

نویسنده: ژاک کوپچیک و کریستین ارلاخ

مترجم: پرهام طباطبایی

انتشارات: اطراف

این کتاب شامل تعدادی مقاله در حوزهٔ کسب‌وکار است که بر محور داستان داشتن در سازمان نوشته شده‌اند. نویسندگان در این مجموعه کوشیده‌اند تا با نظر به کارکردهای گوناگون قصه‌پردازی و عنصر روایت، طرحی جدید برای مدیریت سازمان ارائه دهند. در داستان‌ها انسان‌ها نقش‌های مختلف دارند و پیش‌برندهٔ آن‌ها هستند. پیاده کردن همین منطق در یک کسب‌وکار می‌تواند آن را از خمودگی، ایستایی، انعطاف‌ناپذیری و دوری از صداقت در امان بدارد و آن را در مسیر رشد قرار دهد. یک مفهوم کلیدی موجود در این قصه‌پردازی، مرور قصهٔ ناکامی‌ها و شکست‌هاست تا جدول «از کجا شروع کردیم و چگونه به اینجا رسیدیم» به‌طور معناداری کامل شود.

بدبختی باشکوه

نویسنده: بوریس سیرولنیک

مترجم: سهیلا صانع‌پور

انتشارات: دانژه

بوریس سیرولنیک، روانپزشک فرانسوی، در کتاب «بدبختی باشکوه»، تأثیرگذاری بحران و مصیبت بر روان انسان و پیچیدگی آن را بررسی می‌کند. سیرولنیک با تحلیل‌های علمی و نگاه به تجربیات بالینی، نشان می‌دهد که چگونه سختی‌ها و رنج‌ها می‌توانند بدل به محرکی برای رشد و تغییر شخصی شوند. ایدهٔ اصلی او این است که با درک و مدیریت صحیح بحران‌ها، افراد می‌توانند از آن‌ها به‌عنوان فرصت‌هایی برای ارتقای خود استفاده کنند. با نثری قابل‌فهم و جذاب، این کتاب به خواننده می‌آموزد که چگونه می‌توان در مواجهه با مشکلات، راه‌های جدیدی برای پیشرفت و تحول پیدا کرد. «بدبختی باشکوه» به‌طور مؤثر، امید و انگیزه را در دل خواننده زنده می‌کند و او را به تأمل در قدرتی نهفته در رنج و چالش‌ها دعوت می‌کند.

بچه‌های امروز معرکه‌اند

نویسنده: عزیز نسین

مترجم: داود وفایی

انتشارات: مرکز

کتاب «بچه‌های امروز معرکه‌اند» اثر عزیز نسین، یکی از آثار درخشان ادبیات طنز معاصر ترکیه است که به بررسی جهان کودکان با نگاهی خلاقانه می‌پردازد. نسین با استفاده از زبانی ساده و پرمخاطب، دنیای کودکان را با همهٔ ویژگی‌ها و رفتارهای منحصربه‌فرد آن‌ها به تصویر می‌کشد. این مجموعه داستان‌های کوتاه، مملو از موقعیت‌های خنده‌دار و شخصیت‌های رنگارنگ است و به‌طور زیرکانه‌ای به نقد مسائل اجتماعی و فرهنگی می‌پردازد. نسین با شوخ‌طبعی و ذکاوت خاص خود، توانسته است دنیای پرجنب‌وجوش و شاداب کودکان را به گونه‌ای نمایش دهد که هم باعث خنده و سرگرمی خواننده می‌شود و هم او را به تفکر وادار می‌کند. «بچه‌های امروز معرکه‌اند» نه تنها به‌خوبی توانسته است روحیه و کنجکاوی کودکان را به تصویر بکشد بلکه به‌طور غیرمستقیم به تحلیل و نقد جامعه نیز پرداخته است.

نوشتن خلاق

نویسنده: گابریله ال‌ریکو

مترجم: گروه ترجمهٔ کارگاه نوشتن خلاق برلین

انتشارات: اختران

این کتاب با ترکیب هنرمندانه‌ای از تحلیل‌های نظری و تمرین‌های عملی، به خوانندگان ابزارهایی می‌دهد که فراتر از قواعد سنتی نویسندگی است و مسیرهایی جدید و الهام‌بخش برای رشد خلاقانه ارائه می‌دهد. «نوشتن خلاق» به نویسندگان کمک می‌کند تا نه تنها به تکنیک‌های نوشتاری تسلط پیدا کنند بلکه به یک درک عمیق‌تر از هنر نوشتن دست یابند. آنچه این کتاب را منحصربه‌فرد می‌سازد، تمرکز بر روی کشف و پرورش «صدای فردی» نویسنده است. ریکو با ارائهٔ تمرین‌های عملی و ایده‌های بدیع، به نویسندگان کمک می‌کند تا به عمق درون خود نفوذ کنند و به سبک نوشتاری خاص خود برسند.

روابط معلم و دانش‌آموز؛

کتابی برای پدران، مادران و آموزگاران

نویسنده: هایم گینات

مترجم: سیاوش سرتیپی

انتشارات: علم

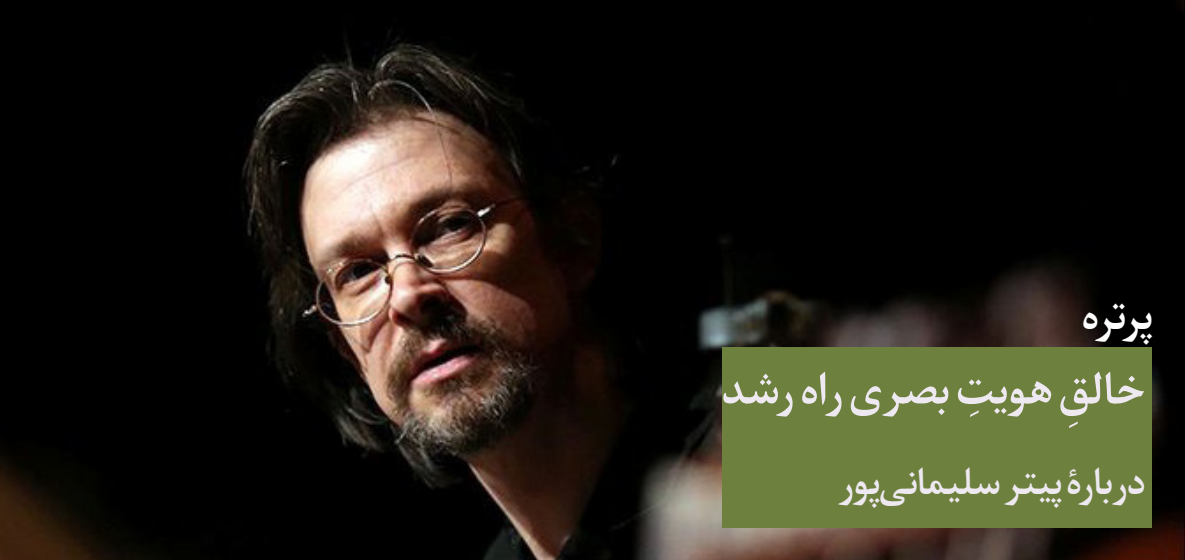
کتاب «روابط معلم و دانش‌آموز؛ کتابی برای پدران، مادران و آموزگاران» اثر هایم گینات، سفر به دنیای پیچیده و پر از جزئیات ارتباطات آموزشی را آغاز می‌کند. این کتاب با نگاهی نو به اهمیت رابطهٔ مثبت بین معلم و دانش‌آموز، کلیدهای موفقیت در بهبود انگیزه و عملکرد تحصیلی را در اختیار می‌گذارد. گینات با ارائهٔ راهکارهای عملی و تکنیک‌های مدیریتی، به والدین و معلمان می‌آموزد که چگونه می‌توانند با ایجاد و حفظ ارتباطی حمایتی، محیطی شاداب و مؤثر برای یادگیری فراهم کنند. از طریق تحلیل مطالعات موردی و بررسی چالش‌های مختلف، این کتاب ابزارهای مفیدی برای ارزیابی و تقویت روابط آموزشی ارائه می‌دهد. به‌طور کلی، این اثر منبعی ارزشمند برای ارتقای کیفیت تعاملات در کلاس درس و ایجاد تأثیرات مثبت در فرآیند یادگیری است.



پرتره

خالقِ هویتِ بصری راه رشد

دربارهٔ پیتر سلیمانی‌پور



پیتر سلیمانی‌پور، آهنگ‌ساز و گرافیستِ فقید، خالقِ سبک معماری ویژهٔ راه رشد، آنچه هویتِ بصری خانهٔ ما را معنا بخشیده بود. آجرهای راه رشد و رنگی که به دیوارها جاری است از دیدگاه او تعاونی فرهنگی و آموزشی راه رشد را واجد هویت و شخصیت بصری ویژه‌ای کرده است. او زادهٔ سال ۱۳۴۷ در تهران بود و فعالیت هنری خود را از ده سالگی در حرفهٔ موسیقی آغاز کرد. پیتر زادهٔ هنر بود و در دانشکدهٔ هنرهای زیبای دانشگاه تهران در رشتهٔ نقاشی تحصیل کرد و از همین رو بود که تصویرِ فضاها برای او مهم و ویژه بود و معتقد بود هر مکانی باید برای خود هویتی خاص داشته باشد. حضور او در راه رشد نیز ویژه، خاص و ماندگار بود و این هویت‌بخشی را به روح دیوارهای آجری ساختمانِ مجتمع مانیز اضافه کرد.

دربارهٔ اولین تجربهٔ حضور خود در راه رشد این‌گونه گفته بود: «دکور این مدرسه به سبب وحدت و هماهنگی‌اش در خاطر می‌ماند، نمای آجری حس صمیمیت را القای کند.»

تأکید او بر داشتن یک هویتِ بصری متحد، رنگِ بنفشِ سازمانی را به معماری راه رشد اضافه کرد چرا که پیتر معتقد بود: «داشتن هویتِ سازمانی برای یک مجتمع آموزشی از این بابت مهم است که ممکن است علامتی به‌عنوان لوگو یا نشانهٔ مجتمع یا سازمان شما وجود داشته باشد ولی هر یک از عناصری که در فضای بصری این مجتمع وجود دارند ممکن است با سلیقهٔ متفاوتی تولید شده باشند و وحدتی را که لازمهٔ ایجاد حس همبستگی است تداعی نکنند.

داشتن هویتِ سازمانی سبب می‌شود مجتمع احساس جامع بودن خود را از طریق بصری بهتر انتقال دهد. تعریف عناصر

تزیینی ساده یا رنگ سازمانی یا مجموعه‌ای از رنگ‌ها برای هر سازمانی این ویژگی را دارد که حتی بدون اینکه لازم باشد عنوان آن دیده شود خیلی سریع بازشناخته می‌شود. ما به چیزی که هویتِ سازمانیِ گرافیکی برای آن تنظیم می‌کنیم نوعی شخصیت بصری می‌بخشیم. هویتِ چیزی را تعریف نمی‌کند. ممکن است تداعی مشخصی ایجاد کند یا نکند. هویتِ سازمانی پیام خاصی مخابره نمی‌کند، همان‌طور که گفتم تنها چهرهٔ قابلِ بازشناسی به سازمان می‌بخشد.»

و رنگِ بنفش را که از نظر او حاکی از مصمم بودن و عزم و اراده بود، برای راه رشد این‌گونه باز تعریف کرده بود: «رنگِ بنفش، بنا بر تعاریف روانشناسی در فرانسه و انگلیسی با واژهٔ نویلس به معنای فاخر بودن تعریف می‌شود و من مجتمع را شایستهٔ این فخر می‌دانستم. ضمن اینکه این رنگ نمی‌دانم به چه دلیلی از مصمم بودن حکایت می‌کند و حس اعتماد را در افراد برمی‌انگیزد.

مجتمع بخش‌های متفاوتی دارد و برای هر بخش یک طیف از رنگِ بنفش را در نظر گرفتیم. هفت رنگ در کنار رنگ اصلی که برای بخش‌های مختلف استفاده شود. مثلاً یکی از رنگ‌ها گلبهی تند است که برای دبستان دخترانه در نظر گرفته بودم. در طیف رنگی روی کتاب سال دو رنگ بیرونی ثابت هستند و رنگِ بنفش تیره برای دانش‌آموزانی است که به سمت تحصیلات عالی می‌روند و از قرمز شروع و به سمت سرمه‌ای می‌رود. رنگِ بنفش گذری است از رنگِ قرمز به رنگِ آبی.»

پیتر سلیمانی‌پور در سال ۱۳۹۷ و در پنجاه سالگی درگذشت.



پردیس کشاورزی

معلم ادبیات



ساخت بهر رفح حاجت، جامع دارالفنون

یادداشتی دنبال‌مدار دربارهٔ نخستین مدرسهٔ تخصصی با آموزش نوین در ایران

یادداشت

شاید اگر شکست‌های سخت و تلخِ ایران در برابر روسیه در دورهٔ فتحعلی‌شاه پیش نیامده بود، مصلحی سیاسی همچون ولیعهدِ آن زمان، عباس میرزا، به فکر رواج آموزش نوین نمی‌افتاد. از زمان جرعه زدن این فکر در ذهن این ولیعهدِ جوان‌مرگ، تا زمان تأسیس دارالفنون، سال‌ها راه است. بازی‌های تاریخ و غافلگیری‌هایش باعث می‌شود قطاری که شاه بعدی، یعنی فرزندش محمدشاه کوشیده بود از ریل خارجش کند، خیلی زود به مسیر برگردد و قرعهٔ حکمرانی به نام ناصرالدین‌شاه جوان و بی‌تجربه بیفتد که با هدایت امیرکبیر تربیت یافته بود و سلطنت خود را آغاز کرده بود.

امیرکبیری که از همان دورهٔ همراهی با ناصرالدین عزمش را جزم کرده بود که اگر روزگاری به صدارت رسید حتماً یک «نظام آموزشی» بسازد، حالا کسوتِ این مقام را بر تن خود می‌دید. او خواست که «مکتب‌خانهٔ شاهی» بنا شود تا برخی از نیازهای کشور در آن مرتفع شود. در واقع امیرکبیر می‌خواست به‌جای فرستادن دانشجو به اروپا، استادان را به ایران بیاورد تا بهره‌وری این حرکت دوچندان شود. پس تکه‌ای از زمین‌های شاهی که امروزه در خیابان ناصر خسرو واقع شده‌اند، به این مدرسه اختصاص می‌یابد.

نخستین رشته‌های تحصیلی در این مدرسه از این قرارند: نظام، پزشکی، داروسازی، مهندسی و معدن.

نخستین استادان آن نیز اتریشی بوده‌اند. بالاخره در دههٔ نخستِ اردیبهشت‌ماه ۱۲۳۰ شمسی، دارالفنون بعد از سه سال دوندگی و پیگیریِ امیرکبیر افتتاح می‌شود ولی در زمانه‌ای که او دیگر از جایگاه صدارت به پایین کشیده شده بود و فقط کمتر از پانزده روز بعد به دستور ناصرالدین‌شاه به قتل رسید.

اما دانستن نکاتی دربارهٔ قواعد روزمرگی در این مدرسه، در کنار اینکه جالب می‌نماید، تفاوت‌های حضور یک نهاد مدرن در جامعه‌ای غیر مدرن با یک جامعهٔ مدرن را به‌خوبی به مخاطب امروز عرضه می‌کند؛ مثلاً ساعات درس در دههٔ اولِ کار این مدرسه، از طلوع آفتاب تا سه ساعت پیش از غروب را یک‌سره شامل می‌شد. وعدهٔ ناهار به‌صورت روزانه و لباس نو دو بار در سال تهیه می‌شد. گزارش تدریس و سیاههٔ غایبان مستقیماً به دربار فرستاده می‌شد و شاه هرازگاهی از فرآیندهای در جریان، بازدید می‌کرد. روزهای تعطیل محدود به جمعه، دوشنبه و ماه رمضان بود و بعدتر گرمای شدید هوا باعث شد که چهل روز نیز در تابستان تعطیل اعلام شود. هیچ دانش‌آموزی حق غیبت غیرموجه نداشت و فراش او را به‌زور به مدرسه می‌برد و فلک می‌کرد.

داستانِ پر جزئیاتِ دارالفنون و چرایی پرداختن به آن در اینجا پایان نمی‌یابد و در مجال بعدی، ادامهٔ سرگذشت آن را پی خواهیم گرفت.

۱. مصراعی از سروده‌ای اثر ملک‌الشعراى بهار - نسخه‌ی کامل این شعر را می‌توانید از طریق این نشانی در وبگاه گنجور بخوانید: <https://ganjoor.net/bahar/manzomebk/ayeene-ebrat/sh3>





مجتمع آموزشی راه رشد

RAH-E ROSHD EDUCATIONAL COMPLEX

